





معاونت پژوهش و فن آوری به نام خدا منشور اخلاق پژوهش

- با یاری از خداوند سبحان و اعتقاد به این که عالم محضر خداست و همواره ناظر بر اعمال انسان و به منظور پاس داشت مقام بلند دانش و پژوهش و نظر به اهمیت جایگاه دانشگاه در اعتلای فرهنگ و تمدن بشری، ما دانشجویان و اعضاء هیئت علمی واحدهای دانشگاه آزاد اسلامی متعهد می گردیم اصول زیر را در انجام فعالیت های پژوهشی مد نظر قرار داده و از آن تخطی نکنیم:
- ۱- اصل حقیقت جویی: تلاش در راستای پی جویی حقیقت و وفاداری به آن و دوری از هرگونه پنهان سازی حقیقت.
 - ۲- اصل رعایت حقوق: التزام به رعایت کامل حقوق پژوهشگران و پژوهیدگان (انسان، حیوان و نبات) و سایر صاحبان حق.
 - ۳- اصل مالکیت مادی و معنوی: تعهد به رعایت کامل حقوق مادی و معنوی دانشگاه و کلیه همکاران پژوهش.
 - ۴- اصل منافع ملی: تعهد به رعایت مصالح ملی و در نظر داشتن پیشبرد و توسعه کشور در کلیه مراحل پژوهش.
 - ۵- اصل رعایت انصاف و امانت: تعهد به اجتناب از هرگونه جانب داری غیر علمی و حفاظت از اموال، تجهیزات و منابع در اختیار.
 - ۶- اصل رازداری: تعهد به صیانت از اسرار و اطلاعات محرمانه افراد، سازمان ها و کشور و کلیه افراد و نهادهای مرتبط با تحقیق.
 - ۷- اصل احترام: تعهد به رعایت حریم ها و حرمت ها در انجام تحقیقات و رعایت جانب نقد و خودداری از هرگونه حرمت شکنی.
 - ۸- اصل ترویج: تعهد به رواج دانش و اشاعه نتایج تحقیقات و انتقال آن به همکاران علمی و دانشجویان به غیر از مواردی که منع قانونی دارد.
 - ۹- اصل براءت: التزام به براءت جویی از هرگونه رفتار غیرحرفه ای و اعلام موضع نسبت به کسانی که حوزه علم و پژوهش را به شائبه های غیرعلمی می آلاینند.



معاونت پژوهش و فن آوری

به نام خدا

تعهد اصالت رساله یا پایان نامه تحصیلی

اینجناب اردشیر احمدی اسکندری دانش آموخته مقطع کارشناسی ارشد در رشته حقوق گرایش خصوصی که در تاریخ ۱۳۹۸/۴/۱۳ از پایان نامه خود تحت عنوان "**بررسی مستندات فقهی حقوقی الزام بر رعایت حجاب در محیط های عمومی و نیمه شخصی**" با کسب نمره دفاع نموده ام بدینوسیله متعهد می شوم: این پایان نامه حاصل تحقیق و پژوهش انجام شده توسط اینجناب بوده و در مواردی که از دستاوردهای علمی و پژوهشی دیگران (اعم از پایان نامه، کتاب، مقاله و ...) استفاده نموده ام، مطابق ضوابط و رویه موجود، نام منبع مورد استفاده و سایر مشخصات آن را در فهرست مربوطه ذکر و درج کرده ام. این پایان نامه قبلاً برای هیچ مدرک تحصیلی (هم سطح، پایین تر یا بالاتر) در سایر دانشگاه ها و موسسات آموزش عالی ارائه نشده است. چنانچه بعد از فراغت از تحصیل، قصد استفاده و هرگونه بهره برداری اعم از چاپ کتاب، ثبت اختراع و ... از پایان نامه داشته باشم، از حوزه معاونت پژوهشی واحد مجوزهای مربوطه را اخذ نمایم. چنانچه در هر مقطع زمانی خلاف موارد فوق ثابت شود، عواقب ناشی از آن را می پذیرم و دانشگاه آزاد اسلامی واحد نراق مجاز است با اینجناب مطابق ضوابط و مقررات رفتار نموده و در صورت ابطال مدرک تحصیلی ام هیچگونه ادعایی نخواهم داشت.

نام و نام خانوادگی:

تاریخ و امضاء



دانشگاه آزاد اسلامی

واحد نراق

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد (M.A) در رشته حقوق گرایش خصوصی

عنوان:

بررسی مستندات فقهی حقوقی الزام بر رعایت حجاب
در محیط‌های عمومی و نیمه‌شخصی

استاد راهنما:

دکتر مسعود شگوهی

نگارش:

اردشیر احمدی اسکندری

تابستان ۱۳۹۸



دانشگاه آزاد اسلامی واحد نراق

فرم صورت جلسه دفاع

موضوع پایان نامه: بررسی مستندات فقهی حقوقی الزام بر رعایت حجاب در محیط‌های عمومی و نیمه‌شخصی

کد شناسایی:

با تاییدات خداوند متعال، گواهی می‌شود که جلسه دفاعیه پایان‌نامه آقای اردشیر احمدی اسکندری دانشجوی رشته حقوق گرایش خصوصی ورودی ۱۳۹۳ به شماره دانشجویی ۹۳۰۵۹۲۱۳۵ نیمسال انتخابی در تاریخ ۱۳۹۸/۴/۱۳ روز ساعت در دانشگاه آزاد اسلامی واحد نراق برگزار شد و پس از بررسی و تبادل نظر به شرح ذیل طبق رای هیات داوران حاضر در جلسه با نمره به عدد (از ۱۸ نمره) و به حروف و با درجه به تصویب رسید.

استاد راهنما: دکتر مسعود شکوهی

استاد مشاور: در صورت داشتن استاد مشاور

استاد داور ۱: دکتر علیرضا انتظاری

استاد داور ۲: دکتر کمال نادری

مدیر گروه: دکتر سعید شریعتی

نماینده دفتر تحصیلات تکمیلی: آقای رضا حسنی

معاون پژوهش و فناوری: دکتر محمدحسین پوریانی

سیاسگزاری

به پاس قدردانی از قلبی آکنده از عشق و معرفت که محیطی سرشار از سلامت و امنیت و آرامش و آسایش برای من فراهم آورده است همدلی که با واژه‌ی نجیب و مغرور تلاش؛ آشنایی دارد و تلاش راستین را می‌شناسد و عطر رویایی آن را استشمام میکند و مرا در راه رسیدن به اهداف عالی یاری میرساند؛ همو که حس تعهد و مسئولیت را در زندگی‌مان تلالویی خدایی داده است؛ از این رو به عنوان نخستین مشوق و حامی من در این مسیر و در تکمیل این پایان‌نامه از همسر مهربانم تشکر میکنم. همچنین از فرزندان دلبندم سمیرا و ابوالفضل تشکر میکنم که صبورانه و صادقانه من را همراهی نموده‌اند تا بتوانم در کمال آرامش و آسایش به تهیه و تنظیم این پایان‌نامه بپردازم. به نیز مصداق «من لم یشکر المخلوق لم یشکر الخالق» بسی شایسته است از استادان محترم و کارکنان این دانشگاه در طول دوسال زحمت کشیده‌اند مخصوصاً از استاد راهنما و فرهیخته و فرزانه جناب آقای دکتر مسعود شکوهی که با کرامتی چون خورشید، سرزمین دل را روشنی بخشیدند و گلشن سرای علم دانش را با راهنمایی‌های کار ساز و سازنده بارور ساختند؛ تقدیر و تشکر نمایم.

تقدیم به

قطب عالم امکان
عالم علوم بیکران
لنگر هستی
بقیة الله فی الارضین

قائم آل محمد (عج الله تعالی فرجه الشریف)

باشد که غنای دفتر خالی از معرفت و تهی از دانشم، به نام مقدسش روشن باشد.

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	چکیده
۲	مقدمه
۳	۱- بیان مساله
۳	۲- اهمیت و ضرورت تحقیق
۴	۳- اهداف تحقیق
۴	۴- روش تحقیق
۴	۵- پیشینه تحقیق
۶	۶- سوالات تحقیق
۶	الف. سوال اصلی
۶	ب. سوالات فرعی
۶	۷- فرضیه ها
۶	الف. فرضیه اصلی
۶	ب. فرضیه های فرعی
۶	۸- ساختار تحقیق

فصل اول: تعاریف و پیشینه

۸	۱-۱- تعاریف و واژه‌شناسی
۸	۱-۱-۱- مستند
۸	۱-۱-۲- فقه
۸	۱-۱-۲-۱- منابع فقه
۹	۱-۱-۲-۲- حقوق
۹	۱-۱-۳- الزام
۹	۱-۱-۳-۱- احکام الزامی
۱۰	۱-۱-۴- رعایت
۱۰	۱-۱-۵- حجاب
۱۰	۱-۱-۵-۱- حجاب در لغت
۱۰	۱-۱-۵-۲- حجاب در اصطلاح
۱۰	۱-۱-۶- محیط
۱۱	۱-۱-۷- مکان
۱۱	۱-۱-۸- اماکن خصوصی

- ۱-۱-۹-اماکن عمومی ۱۱
- ۱-۱-۹-۱-اماکن نیمه‌خصوصی و نیمه‌شخصی ۱۲
- ۲-۱-تاریخچه حجاب و نوع پوشش ۱۳
- ۱-۲-۱-حجاب در شریعت حضرت ابراهیم علیه و علی نبینا السلام ۱۳
- ۲-۲-۱-حجاب در آیین یهود ۱۴
- ۳-۲-۱-حجاب در آیین مسیحیت ۱۴
- ۴-۲-۱-حجاب در یونان و روم باستان و سایر کشورها ۱۴
- ۵-۲-۱-حجاب در ایران باستان ۱۵
- ۱-۵-۲-۱-حجاب در دوره مادها ۱۶
- ۲-۵-۲-۱-حجاب دوره هخامنشیان ۱۶
- ۳-۵-۲-۱-حجاب در دوره اشکانیان ۱۷
- ۴-۵-۲-۱-حجاب در دوره ساسانیان ۱۷
- ۶-۲-۱-حجاب و پوشش در عربستان ۱۸
- ۱-۶-۲-۱-انواع پوشش در عربستان ۱۸
- ۷-۲-۱-حجاب در ایران بعد از اسلام ۲۵
- ۱-۷-۲-۱-حجاب در دوران قاجار ۲۶
- ۲-۷-۲-۱-حجاب در دوران پهلوی اول ۲۶
- ۳-۷-۲-۱-حجاب در دوران پهلوی دوم ۲۷
- ۴-۷-۲-۱-حجاب بعد از انقلاب اسلامی ۲۸

فصل دوم: حجاب در منابع فقهی

- ۱-۲-حجاب در قرآن ۳۰
- ۱-۱-۲-آیه ۳۰ سوره نور ۳۱
- ۱-۱-۱-۲-شأن نزول ۳۱
- ۲-۱-۱-۲-برخی از نکات تفسیری این آیه ۳۱
- ۲-۱-۲-آیه ۳۱ سوره نور ۳۳
- ۱-۲-۱-۲-برخی از نکات تفسیری این آیه ۳۳
- ۳-۱-۲-آیه ۵۹ سوره احزاب ۳۷
- ۱-۳-۱-۲-شأن نزول ۳۷
- ۲-۳-۱-۲-نکات تفسیری آیه ۴۰
- ۴-۱-۲-آیه ۵۳ سوره احزاب ۴۱
- ۱-۴-۱-۲-برخی از نکات تفسیری این آیه ۴۱

- ۴۲ ۲-۱-۵-آیه ۶۰ سوره نور
- ۴۲ ۲-۱-۵-۱-مروری کوتاه بر تفسیر این آیه
- ۴۳ ۲-۱-۵-۲-معنی تبرج
- ۴۴ ۲-۱-۶-آیه ۳۲ و ۳۳ سوره احزاب
- ۴۴ ۲-۱-۶-۱-مروری بر تفسیر این آیات
- ۴۷ ۲-۱-۷-ترتیب نزول آیات حجاب
- ۴۸ ۲-۱-۸-رنگ حجاب در قرآن
- ۴۹ ۲-۱-۹-احکام برداشت شده از آیات حجاب
- ۴۹ ۲-۲-حجاب در سنت
- ۴۹ ۲-۲-۱-پرهیز از نگاه شهوانی
- ۵۰ ۲-۲-۲-پرهیز از نشان دادن آرایش به نامحرم
- ۵۰ ۲-۲-۳-نهی از پوشیدن لباس مهیج
- ۵۱ ۲-۲-۴-امر به پوشش
- ۵۲ ۲-۳-عقل
- ۵۳ ۲-۴-مروری بر برخی از دیدگاه‌های فقهی در مورد حجاب
- ۵۳ ۲-۴-۱-پوشش زن هنگام نماز
- ۵۴ ۲-۴-۲-پوشش در برابر چه کسانی؟

فصل سوم: مباحث چالشی پیرامون حجاب

- ۵۶ ۳-۱-حجاب، مخصوص همسران پیامبر؟!
- ۵۶ ۳-۱-۱-توجه به شأن نزول آیات حجاب
- ۵۷ ۳-۱-۲-توجه به آیات دیگر حجاب
- ۵۷ ۳-۱-۳-توجه به فلسفه حجاب
- ۵۷ ۳-۱-۴-روایات پیرامون حجاب
- ۵۸ ۳-۱-۵-سبب نزول عامل تخصیص؟!
- ۵۸ ۳-۱-۶-حکم فقهی خاصی برای افراد خاص
- ۵۸ ۳-۱-۷-برداشت مشهور علما از آیات حجاب
- ۵۸ ۳-۲-حجاب مخصوص زنان عصر پیامبر است؟!
- ۵۸ ۳-۲-۱-تعارض با خاتمیت
- ۵۹ ۳-۲-۲-عدم اختصاص احکام اسلامی به زمان خاص
- ۵۹ ۳-۳-جزییات صورت و دستان در حجاب
- ۵۹ ۳-۳-۱-مستندات دیدگاه اول

- ۳-۳-۱-۱-استدلال به قرآن ۵۹
- ۳-۳-۱-۲-استدلال به روایات ۶۰
- ۳-۳-۲-مستندات دیدگاه دوم ۶۰
- ۳-۳-۱-۲-مستندات قرآنی ۶۱
- ۳-۳-۲-مستندات روایی ۶۱
- ۳-۳-۳-سیره ۶۲
- ۳-۴-الزام به حجاب درباره زنان جامعه از سوی حکومت ۶۲
- ۳-۴-۱-دلایل دیدگاه اول ۶۳
- ۳-۴-۱-۱-امر به معروف و نهی از منکر ۶۳
- ۳-۴-۱-۲-جایگاه ولایتی ولی فقیه ۶۴
- ۳-۴-۱-۳-عقل، سیره عقلاء و عرف ۶۵
- ۳-۴-۲-نقد دلایل دیدگاه اول ۶۵
- ۳-۴-۱-۲-نقد دلیل اول ۶۵
- ۳-۴-۲-۲-نقد دلیل دوم ۶۷
- ۳-۴-۳-نقد دلیل سوم ۶۸
- ۳-۴-۳-دلایل دیدگاه دوم ۷۰
- ۳-۴-۱-۳-تعارض الزام بر حجاب با خصوصی بودن حجاب ۷۰
- ۳-۴-۲-تعارض فلسفه حجاب با الزام به حجاب ۷۱
- ۳-۴-۳-تعارض ایمان‌افزایی اسلام با الزامات حکومتی ۷۱
- ۳-۴-۳-حجاب ضروری دین نیست ۷۲
- ۳-۴-۴-بررسی دیدگاه سوم ۷۲
- ۳-۴-۴-۱-بررسی حقوقی جرم‌انگاری رعایت نکردن حجاب شرعی ۷۳
- ۳-۴-۴-۲-رابطه حرام بودن و جرم بودن ۷۳
- ۳-۴-۴-۳-چیستی تعزیر ۷۴
- ۳-۴-۴-۴-چرایی جرم‌انگاری بی‌حجابی ۷۵
- ۳-۴-۵-مفهوم حریم خصوصی ۷۶
- ۳-۴-۵-۱-حریم خصوصی در قوانین ایران ۷۸
- ۳-۴-۵-۲-ویژگی‌های حریم خصوصی ۷۸
- ۳-۴-۶-حریم خصوصی و فضای داخلی خود رو ۷۹
- ۳-۴-۶-۱-دیدگاه اول: داخل خودرو و موارد مشابه آن حریم خصوصی هستند ۷۹
- ۳-۴-۶-۲-دیدگاه دوم: داخل خودرو و موارد مشابه آن حریم خصوصی نیستند ۸۱

۸۲ ۳-۴-۶-۳- نظر مختار
۸۳ ۳-۴-۷- جرم مشهود
۸۴ ۳-۴-۷-۱- اقدامات قضایی در جرم مشهود
۸۵ ۳-۴-۷-۲- بی‌حجابی داخل خودرو و مکان‌های نیمه‌شخصی و جرم مشهود
۸۶ نتیجه‌گیری
۸۷ پیشنهادها
۹۰ فهرست منابع و مآخذ

چکیده

حجاب به معنای پوشاندن بدن زن در برابر نامحرم از احکام ضروری اسلام بوده و علاوه بر آن مورد توجه ادیان دیگر نیز قرار داشته است همچنین در یونان و روم باستان، ایران باستان، عربستان و حکومت‌های گذشته ایران مورد توجه بوده است. حجاب مباحث مختلفی را به دنبال دارد صرف نظر از مباحث حقوقی چون ضرورت حجاب، مفاسد بی‌حجابی، حدود حجاب در اسلام و ...، بررسی فقهی الزام حکومتی بر حجاب امروزه به عنوان یکی از مباحث بسیار مهم مطرح است.

در این نوشتار نخست کلیاتی در باب مفهوم حجاب و تاریخچه آن بیان شده. سپس آیات قرآن و روایات پیرامون حجاب، مورد بررسی قرار گرفته است در ادامه نیز موضوع الزام حکومت به حجاب را مورد بررسی قرار داده‌ایم در فصل سوم هم به بررسی برخی از شبهات پیرامون حجاب پرداخته‌ایم اما قسمت بدیع و ابتکاری این پژوهش الزام بر حجاب در محیط‌های نیمه شخصی چون داخل خودرو و مشاعات مجتمع‌های مسکونی... است. همچنین از آنجا که «جرم مشهود» در حقوق ویژگی‌های خاصی دارد به معضل بی‌حجابی از زاویه جرم مشهود نیز توجه شده است و از این جهت نیز نوآوری در این پژوهش وجود دارد. در پایان نیز نتیجه‌گیری و پیشنهاداتی ارائه شده است.

کلمات کلیدی: حجاب، حکومت، الزام بر حجاب، محیط‌های نیمه‌شخصی.

مقدمه

پوشش زن در فرهنگ ملی و اسلامی ما از جایگاه بلندی برخوردار است و لزوم آن نه تنها در میان همه مذاهب اسلامی، بلکه در همه ادیان الهی مورد اتفاق است و این حکم به دلیل بیان آن در قرآن ابدی و دائمی است؛ و هیچ کسی از فقیهان یا آشنایان به مبانی و منابع در اصل آن مناقشه نکرده اند تا آنجا که پوشش از علائم هویتی زنان مسلمان شناخته شده و نماد تعهد و تقوا و دینمداری بانوی مسلمان محسوب میشود؛ هرچند دینداری در حفظ پوشش خلاصه نمی‌شود و علاوه بر رعایت حجاب باید به نکات دیگری نیز توجه نمود، اما حفظ آن برای زنان و مردان (هر یک به تناسب حساسیت خود) نقش بزرگی در پاکی اخلاق، و حفظ اصالت و هویت فرهنگی - ملی دارد. از این رو از وظایف حکومت اسلامی است که این وظیفه دینی را تبلیغ و ترویج کرده و برای تحقق آن در جامعه برنامه‌ریزی و فرهنگ‌سازی کند و برای پیاده‌سازی ارزش‌های دینی از جمله پوشش از روش‌های اثباتی استفاده نموده و در جهت ارتقای سطح علمی و معرفتی انسان‌ها بکوشد و بهره‌گیری از روش فرهنگ‌سازی و تعلیمات غیرمستقیم را مقدم دارد. علی‌رغم توجه به این نکته همچنان چگونگی این عمل نیاز من بحثهای کارشناسی است اینکه چگونه می‌توان به این دستور اسلامی جامه عمل پوشانید و آن را در نظام دینی اجراپذیر ساخت و متون دینی چه روشی را برای تحقق این خواسته پیشنهاد می‌کنند.

پس از انقلاب اسلامی و در راستای تثبیت ارزش‌های دینی، آموزه‌های دینی بسیار مورد توجه قرار گرفت و تمهیدات لازم برای عملی و اجرایی کردن فرامین الهی انجام شد. مسأله حجاب نیز از مسائلی بود که درباره آن سرمایه‌گذاری بسیار صورت گرفت. اما بر خلاف انتظار، وضعیت حجاب نه تنها بهتر نشده که روز به روز بدتر می‌شود.

شیوه برخورد با حکم حجاب به لحاظ فقهی و حقوقی کدام است و آیا در اصل مسأله پوشش وظیفه‌ای دولتی است که ضرورت الزام بر آن را ایجاد می‌کند یا مانند نماز، روزه و سایر احکام دینی، تکلیفی شرعی است که تا زمینه فهم، آگاهی، اعتقاد، فرهنگ‌سازی و هنجارگرایی در آن فراهم نیاید، هر عمل الزام‌کننده آب در هاون کوبیدن است و کار را به جایی می‌رساند که مسئولان کشور از هر طیف و گرایش سیاسی به این نتیجه برسند که به هر حال باید به گونه‌ای با آن کنار بیایند و از این موضع دست بکشند. روشن است که تا این بحث منقح نشود، سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی در این حوزه نمی‌تواند از جایگاه دینی و فقهی مناسبی برخوردار باشد و همواره ناهماهنگی در عملکرد مجموعه‌های مدیریتی نظام را به وجود می‌آورد و تضعیف در کارآمدی دستگاه اجرایی کشور را به دنبال خواهد داشت و مشکل همچنان بر جای خود باقی خواهد ماند.

با این که در قرن اخیر نوشته‌های بسیاری در قالب کتاب و مقاله به زبان فارسی و عربی در مسأله حجاب به رشته تحریر درآمده و بسیاری از زوایای این موضوع به بحث و بررسی گذاشته شده و تحقیقات ارزنده‌ای نیز صورت گرفته است، اما بحث از اجراسازی و الزام بر حجاب به لحاظ فقهی و حقوقی سابقه چندانی ندارد.

در این پژوهش علاوه بر نگاه به موضوع الزام بر حجاب به سرایت این الزام به محیط‌های نیمه خصوصی مثل داخل خودروها و مشاعات مجتمع‌های مسکونی و... نیز خواهیم پرداخت.

۱- بیان مساله

علی‌رغم تاکیداتی در دین اسلام نسبت به حجاب و پوشش دینی وجود دارد یکی از موضوعاتی که در سال‌های اخیر در برخی از شهرهای بزرگ مشاهده می‌شود، استفاده از پوشش‌های غیر متداول و گرایش به پوشش‌های غربی توسط برخی از دختران و زنان در محیط‌های عمومی و نیمه شخصی است؛ که افرادی از این وضعیت به بدحجابی تعبیر می‌کنند.

بشر با توجه به اهمیتی که برای سلامت خود قائل است، به سلامت جامعه هم ارزش می‌نهد و بیماری جامعه را بیماری خود می‌داند؛ هم‌چنان که تلاش می‌کند برای حفظ و تأمین سلامت خود از بسیاری از امور بپرهیزد و یا از واکسن‌های پیشگیری و داروهای گوناگون استفاده کند، برای سلامت جامعه هم باید نهایت سعی و کوشش خود را به کار گیرد و جامعه را از مبتلا شدن به بیماری‌های اخلاقی و روانی بپرهیزد تا دیگر افراد جامعه به رشد، تعالی و سعادت برسند.

بدحجابی از مسائلی است که سلامت فرد و جامعه را تهدید می‌کند. پوشش نامناسب پی آمدها و آثار جبران ناپذیری در امنیت جامعه دارد که گاه مسیری انحرافی و بازگشت ناپذیری پدید می‌آورد. بنابراین مقوله حجاب تبیین‌های مختلف از آن، امروز به یک چالش کاملاً مشهود در جامعه درآمده است، این موضوع که فقط برای افراد بی‌حجاب مشکل ایجاد نمی‌کند؛ بلکه در واقع آسیب‌هایی که از بی‌حجابی ناشی می‌شود، تمام افراد جامعه را در بر می‌گیرد. حجاب و عفاف که یک دستور دینی است از مسائل مهم و کلیدی جامعه ماست و با بسیاری از مسائل پیوند خورده و دارای ابعاد سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی شده است. و از آن جهت که حجاب در تنظیم روابط زن و مرد نقش مهمی دارد، و به همه افراد جامعه مربوط می‌شود. ضروری است که پژوهش‌های کارآمدی در باره آن انجام شود. بی‌شک ترویج فرهنگ دقیق عفاف و تبیین ابعاد مختلف آن در جامعه، در امنیت روانی جامعه بسیار کارآمد است.

۲- اهمیت و ضرورت تحقیق

گرچه درباره حجاب منکر فرهنگ سازی مناسب و کارهای تبیلغی نیستیم اما از آنجا که در کنار چنین کارهایی باید تمهیدات لازم برای افرادی که زبان نرم و فرهنگ در آنان تاثیری ندارد و با هنجارشکنی سعی در آلوده کردن جامعه را دارند اندیشیده شود از این رو ضروری است که در مورد اقدامات بازدارنده نیز بحث شود یکی از این اقدامات «الزام بر حجاب است» و کاملاً روشن است که در چنین مواردی تنها حکومت میتواند به عنوان الزام‌کننده مطرح شود و باید قوانین لازم در این مورد وضع شود و مجریانی در

نظر گرفته شود و برای متمردين مجازاتهاي مشخص شود تمام اين موارد نيازمنند بحث و پژوهشهاي علمي و حقوقي است و ضرورت دارد فرهنگتگان و انديشوران از زواياي مختلف به اين موضوع بپردازند. از آنجا كه حجاب يك موضوع اجتماعي است، الزام بر حجاب تنها در محيطهاي عمومي قابل طرح است اما امروزه با مكانهاي روبرو ميشويم كه از يك جنبه خصوصي هستند و از جنبه ديگر عمومي، مكانهاي مانند مشاعات مجتمعي مسكوني يا داخل خود روهاي شخصي هنگام تردد در شوارع عمومي و... سوال مهم پيش رو اين است كه حجاب در چنين محيطهايي چه حكمي دارد؟ و اگر الزام بر حجاب را بپذيريم آيا اين الزام شامل چنين محيزهايي هم خواهد شد يا خير؟ به دليل حساسيت موضوع ضروري است كه بحث الزام بر حجاب از اين زاويه نيز مورد توجه و بررسي قرار گيرد.

۳- اهداف تحقيق

در اين تحقيق اهداف زير مد نظر است:

۱. تبين الزام بر حجاب و بررسي مستندات فقهي و حقوقي آن
۲. پاسخ به برخي از شبهات در اين مورد
۳. بررسي الزام بر حجاب در محيطهاي نيمه شخصي
۴. اثبات جرم مشهود بودن بي حجابي در سطح جامعه
۵. اكان سنجي پياده كردن قوانين مرتبط با جرم مشهود در مورد بي حجابي

۴- روش تحقيق

روش تحقيق در اين پژوهش توصيفي و تحليلي بر اساس منابع كتابخانهاي خواهد بود.

۵- پيشينه تحقيق

حجاب از موضوعاتي است كه از نخستين دوره هاي حيات اسلام مورد توجه انديشمندان قرار داشته و هميشه به عنوان يك موضوع قابل بحث از دير باز در بين انديشمندان مطرح بوده است لذا تمام انديشمندان اسلامي در تاليفات خود به فراخور بحث اشاراتي هم به موضوع حجاب داشتند فقهاء معمولا در بحث نكاح و احكام نگاه كردن و همچنين در بحث پوشش زن در نماز و گاه در مباحث ديگر به حجاب پرداخته اند. علاوه بر نگاههاي ضمني حجاب تا كنون محور صدها رساله و مقاله و كتاب بوده است. مخصوصا بعد روند بي حجابي و برهنگي در غرب كه به صورت يك مشكل جدی برای دينداران جلوه نمود انديشمندان اسلامي بيشتر سعی کرده اند با تاليف كتاب و مقاله به دفاع از حجاب بپردازند.

برخی از مشهورترین کتابها عبارتند از:

۱. اثبات وجوب حجاب، شیخ عباس علی واعظ (داعی الاسلام) چند نوبت چاپ شده، تهران ۱۳۶۴ قمری، ۱۲۲۷ شمسی.
۲. احسن الحکایات فی حجاب السافرات، ابوالفضل بن محمد حسین بن محمدعلی خراسانی، چاپ تهران، شوال ۱۳۶۵ قمری، ۳۰۴ صفحه وزیری.
۳. الاحتجاج، قاضی قضاات مصر، در اواخر سده ۱۹ میلادی که پیرامون وجوب حجاب و ردی بر قاسم امین بک مصری معاصر او است.
۴. اولین دانشگاه و آخرین پیامبر، مجلدات ۱۹ و ۲۰، مرحوم دکتر سیدرضا پاک نژاد، چاپ اسلامیه، تهران، ۱/۱۳۶۰، ج ۱۹، ۳۲۸ صفحه، ج ۲۰، ۲۸۰ صفحه، هر دو جیبی.
۵. بهترین ارمغان در حجاب زنان، سیدمحمد بن یوسف علی تبریزی، چاپ مشهد، ۱۳۳۵ شمسی، ۳۴۴ صفحه، رقعی.
۶. الحجاب و السفور، شیخ جعفر بن محمد نقدی عراقی، چاپ بغداد، ۱۳۴۸ قمری، به زبان عربی.
۷. مساله حجاب، مرتضی مطهری، چاپ تهران ۱۳۴۸، ۳۰۶+۱۰ جیبی. بارها چاپ شده.

عناوین کلی مورد بحث در کتب فهرست شده در زمینه حجاب عبارتند از:

- ۱- وجوب حجاب به دلایل عقل و نقل
- ۲- معایب بی حجابی
- ۳- فواید حجاب
- ۴- حدود حجاب که برخی پوشش صورت و دستها را نیز واجب شمرده اند.
- ۵- نوع پوشش - چادر، مانتو، مقنعه و ...

متأسفانه اغلب کتب یاد شده اتقان علمی کافی ندارند و با لحن خطابی و شعاری نگاشته شده‌اند و از استواری لازم برخوردار نیستند.

بعد از انقلاب اسلامی و ورود حکومت به مساله حجاب به عنوان یک مساله حکومتی نگاشته‌های حجابی سمت و سوی دیگری پیدا کرد برخی معتقد بودند که حجاب یک مساله شخصی است و حکومت حق دخالت در این موضوع را ندارد و سعی کردند با نگارش کتب و مقالات به تبیین این نکته بپردازند از سوی دیگر افرادی هم معتقد بودند موضوع حجاب یک مساله حکومتی است و باید حکومت در آن ورود پیدا کند اینان هم کتب و مقالات متعددی نگاشتند. و در بحث الزام بر حجاب میتوان گفت که بعد سیاسی موضوع بر بعد علمی آن چیرگی پیدا کرد.

در سالهای اخیر مسالهی دیگری که شکل جنجالی به خود گرفت الزام بر حجاب در خودروهای شخصی بود که با تعمیم این موضوع به الزام بر حجاب در محیطهای نیمه شخصی به این پژوهش اقدام کردیم. درباره این موضوع هیچ کتاب و مقاله و پایان نامه نگاشته نشده است و به جرأت میتوان گفت این پژوهش نخستین تحقیق جدی است که به این موضوع میپردازد.

۶- سوالات تحقیق

الف. سوال اصلی

چگونه منابع فقهی و مواد قانونی الزام بر رعایت حجاب در محیطهای عمومی و نیمه شخصی را تایید میکند.

ب. سوالات فرعی

۱. الزام بر حجاب بر اساس منابع فقهی و حقوقی چگونه قابل اثبات است؟
۲. حکم الزام بر حجاب چگونه بر محیطهای نیمه شخصی قابل تسری است؟
۳. احکام و قوانینی که درباره جرم مشهود وجود دارد چگونه قابل تطبیق بر بی حجابی است

۷- فرضیه ها

در این پژوهش فرضیههای زیر متصور است:

الف. فرضیه اصلی

مستندات فقهی و مواد قانونی الزام بر رعایت حجاب، علاوه بر محیطها و اماکن عمومی شامل محیطهای نیمه شخصی نیز می شوند

ب. فرضیههای فرعی

۱. بر اساس منابع فقهی و حقوقی الزام بر حجاب قابل اثبات است.
۲. حکم الزام بر حجاب بر محیطهای نیمه شخصی قابل تسری است.
۳. احکام و قوانینی که درباره جرم مشهود وجود دارد بر بی حجابی در متن جامعه نیز قابل تطبیق است.

۸- ساختار تحقیق

این پژوهش در یک مقدمه و چهار فصل سامان یافته است.

فصل اول

تعاریف و پیشینه

۱-۱- تعاریف و واژه‌شناسی

هر پژوهش مبتنی بر چند واژه کلیدی و مفاهیم پر کاربردی است. روشن شدن تعاریف این کلمات و تبیین دقیق این واژه‌ها به روشن شدن بحث کمک خواهد کرد

۱-۱-۱- مستند

مستند در لغت از ریشه «سند» به معنای کسی که به او پناه برده شده و واژه مستند به معنی دارای دلیل و مدرک و مبتنی بر سند است.

۱-۱-۲- فقه

واژه «فقه» در لغت به معنی درک کردن و فهمیدن عمیق است^۱ اما امروزه هر جا سخن از فقه به میان می‌آید دیگر معنی لغوی آن مراد نیست بلکه مراد از آن «علم فقه» است و منظور از «علم فقه» علم یافتن به احکام شرعی است از راه‌های اثبات‌کننده آن^۲ به عبارت دیگر، فقه، دانستن احکام شریعت است از راه استدلال و برهان^۳. و فقیه کسی است که از چنین دانشی بهره مند است.

۱-۲-۱-۱- منابع فقه

در فقه شیعه، فقیه نظر و رای شخصی خود را ابراز نمی‌دارد. بلکه کار او، کشف رای و استخراج و رسیدن به نظر الهی است که از طریق وحی به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم رسیده، و بسیاری از آنان با بیان ائمه هدی علیهم‌السلام تبیین یافته است.^۴ فقیه برای این منظور به منابعی مراجعه میکند که به عنوان منابع فقهی شناخته شده‌اند. قرآن به عنوان بیان‌کننده امتهات قوانین الهی، اولین و مهمترین منبع فقهی است. پس از آن، روایات و احادیث جایگاه مهمی را از این نظر دارا هستند: از روایات و احادیث به عنوان سنت نام برده می‌شود. دو منبع دیگر نیز در فقه امامیه به عنوان منابع علم فقه مورد توجه هستند، اجماع و عقل.

^۱ جوهری، اسماعیل بن حماد، صحاح اللغه، ج ۶، ص ۲۲۴۳، فیروزآبادی، محمد بن یعقوب، قاموس المحيط، ج ۴، ص ۲۸۹، ابن فارس، احمد بن فارس، معجم مقاییس اللغه، واژه فقه، ج ۴، ص ۴۴۲.

^۲ جمال الدین، حسن بن زین الدین، معالم الدین و ملاذ المجتهدین، قم: موسسه النشر الاسلامی، ۱۳۶۵ ش، ص ۲۶.

^۳ گرجی، ابوالقاسم، تاریخ فقه و فقهاء، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم اسلامی دانشگاه‌ها (سمت)، ۱۳۷۷ ش، ص ۷.

^۴ مدرسی طباطبایی، سیدحسین، مقدمه‌ای بر فقه شیعه (کلیات و کتاب‌شناسی)، مترجم: محمد آصف فکرت، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی، ۱۳۶۸ ش، ص ۱۲.

۱-۲-۲- حقوق

لفظ «حقوق» جمع کلمه «حق» است. این واژه در معانی مختلفی به کار می‌رود. شایع‌ترین معنی این واژه که در زبان همه افراد جامعه جریان دارد «حقوق» به معنای دست مزد و حق الزحمه است: مثلاً وقتی گفته می‌شود: «حقوق کارمندان دولت» منظور از آن دست مزدی است که این افراد به طور ماهانه از دولت دریافت می‌کنند. بدیهی است که در این پژوهش این معنی از حقوق مراد ما نخواهد بود. حقوق مجموعه قواعدی است که از طریق موسسات اجتماعی یا دولتی، جهت تنظیم رفتار ایجاد و اعمال می‌شود. علم حقوق، دانش تحلیل و سیر تحول قواعد حقوقی است.^۱ در این پژوهش معنی اخیر از حقوق مراد است.

۱-۱-۳- الزام

«الزام» در لغت از ریشه «لزم» به معنای ثبوت، دوام، کاری را به عهده کسی گذاشتن، و بر او واجب کردن است.^۲ سید مرتضی درباره این واژه گفته است: «الإلزام: هو بیان الغیر وجوب ان تقول بما لا تقول به»^۳؛ «واجب کردن چیزی به کسی که چیزی در برابر آن نتواند بگوید».

۱-۱-۳- احکام الزامی

«احکام الزامی» در اصطلاح علمای اصول از اقسام احکام تکلیفی هستند که در آنها الزام نهفته است یعنی بعث یا زجر حقیقی است به سوی چیزی یا طلب انجام یا ترک آن به خاطر مصلحت و یا مفسده ملزمه‌ای است که در آن چیز وجود دارد، به گونه‌ای که بر امتثال آن، پاداش و بر مخالفت آن، کیفر مترتب می‌شود، مثل: امر به اقامه نماز یا نهی از شرب خمر. می‌شود^۴، از میان احکام تکلیفی دو حکم «وجوب» و «حرمت» الزامی شمرده میشوند.

با توجه به اینکه مقام الزام کننده چه کسی باشد با انواع مختلف احکام الزامی روبرو خواهیم شد مثل «احکام الزامی شرعی» یا «احکام الزامی حکومتی» در این بحث حجاب یک حکم الزامی شرعی است و ما به دنبال این هستیم که بدانیم آیا افزون بر الزام شرعی داشتن الزام حکومتی هم می‌تواند داشته باشد یا خیر؟

^۱ دکتر خسروی، حسن. حقوق اساسی (رشته مدیریت) تهران: انتشارات خرسندی، چاپ دوم، ۱۳۹۴ خ. ص ۲۸.

^۲ لسان العرب: ج ۱۲ ص ۵۴۲.

^۳ الحدود و الحقائق چاپ شده در ضمن رسائل الشریف المرتضی، ج ۲، ص: ۲۶۳.

^۴ فرهنگ نامه اصول فقه، ص: ۱۰۳.

۱-۱-۴- رعایت

«رعایت» در لغت به معنی چرانیدن گوسفندان و حیوانات گیاه خوار آمده است، همچنین به معنی حفظ کردن، مواظبت کردن، مراعات کردن، نگهداری کردن، سرپرستی کردن، احترام، ادب، اعتنا، بزرگداشت، پاسداشت، تکریم، توجه، حرمت، مراقبت، ملاحظه، نگرش، نیز به کار رفته است. امروزه وقتی تعبیر «رعایت قانون» به کار می‌رود مراد از آن پذیرفتن قانون و احترام گذاشتن به آن و اجرای آن قانون مراد است. بنابراین وقتی سخن از «رعایت حجاب» است یعنی پذیرفتن این حکم و عدم مخالفت با آن به هر نوعی که باشد و اجرای آن است.

۱-۱-۵- حجاب

۱-۱-۵-۱- حجاب در لغت

حجاب در لغت به معنای مانع، چیزی که بین دو چیز جدایی افکند، پوشاندن و پوشش (ستر) است.

۱-۱-۵-۲- حجاب در اصطلاح

این کلمه در علوم مختلف چون طب، عرفان، اخلاق، فقه، معانی اصطلاحی مختلفی دارد در تداول عامه به معنای پوشش شرعی زنان به کار می‌رود. و از این کار برد وارد نوشته‌های فقهی فارسی معاصر شده است و با مفهوم «ستر» در فقه مترادف گردیده است. در نوشته‌های اسلامی گاهی منظور از حجاب پرده نشینی و عدم دیدار و روبروی است و به این معنی وقتی از حجاب زن سخن گفته می‌شود یعنی خانه نشینی و قطع تماس به هر صورت ممکن با اجانب در پژوهش حاضر این معنی هرگز مراد ما نیست. کلمه حجاب در قرآن نیز به کار رفته است اما مراد از آن پوشش زنان نیست بلکه پرده و مانع مراد است. در باره این آیه در مباحث بعدی سخن خواهیم گفت. بنابراین در این نوشته منظور ما از کلمه حجاب «پوشش شرعی زنان در برابر نامحرم» است.

۱-۱-۶- محیط

محیط در لغت «فراگیرنده، دربرگیرنده و احاطه کننده»^۱ این لغت در هندسه و علوم دیگر معانی خاصی دارد امروزه و در کاربردهای بین مردم محیط به جاییکه انسان در آن اقامت دارد نیز گفته می‌شود و در این پژوهش مراد ما از محیط همین معنی است.

^۱ لغت نامه دهخدا ذیل واژه.

۱-۱-۷- مکان

معنی کلمه «مکان» برای همگان روشن است و معنی: «جایگاه، جای، جای بودن. صیغه ُ اسم ظرف است مشتق از کون که به معنی بودن است و به معنی مطلق جا مستعمل، موضع بودن چیزی»^۱ این کلمه معمولاً به صورت امکانه و اماکن جمع بسته میشود.

۱-۱-۸- اماکن خصوصی

مکانهایی که به دلیل ملکیت اجاره یا هر دلیل قانونی دیگر به یه فرد یا افراد خاصی اختصاص یافته و جزء حریم خصوصی آنان محسوب میشود و دیگران حق ورود بدون مجوز را ندارند. مثل خانه شخصی، ویلا شخصی، حافظه‌های دیجیتالی و...

۱-۱-۹- اماکن عمومی

اماکن عمومی نقطه مقابل اماکن خصوصی هستند. این تعبیر در مواد قانونی متعددی به کار رفته ولی علی‌رغم این شیوه کاربرد هیچ‌گاه از سوی قانون‌گذار تعریف نشده است. شاید این عدم تعریف به خاطر روشن بودن مفهوم این تعبیر برای عموم مردم است.

در ماده ۲ آیین‌نامه اماکن عمومی مصوب ۱۳۶۳/۳/۲۳ هیأت وزیران تعدادی از مصادیق اماکن عمومی را معرفی کرده است:

ماده ۲- اماکن و مؤسسات موضوع این آیین‌نامه به شرح زیر می‌باشد:

- ۱- هتل‌ها
- ۲- مسافرخانه‌ها
- ۳- رستوران‌ها
- ۴- پانسیون‌ها و مهدکودک‌ها
- ۵- سلف سرویس‌ها
- ۶- قهوه‌خانه
- ۷- اغذیه‌فروشی‌ها
- ۸- چلوکبابی و چلوخورشتی و طبخ‌های
- ۹- بوفه سینما و تئاتر
- ۱۰- کافه‌تریاها
- ۱۱- کافه‌قنادی‌ها
- ۱۲- آرایشگاه‌ها
- ۱۳- آموزشگاه‌های رانندگی
- ۱۴- فروشگاه‌های جراید و نشریات داخلی
- ۱۵- مؤسسات بارکش شهری
- ۱۶- تعمیرگاه‌های دوچرخه و موتورسیکلت
- ۱۷- عکاسی‌ها
- ۱۸- فروشگاه‌های جراید و نشریات خارجی
- ۱۹- سینماها و تماشاخانه‌ها
- ۲۰- فروشگاه‌های اتومبیل
- ۲۱- مؤسسات تبلیغاتی و تولیدکننده فیلم‌های تبلیغاتی
- ۲۲- تعمیرگاه‌ها، اتوسرویس‌ها و پارکینگ‌ها
- ۲۳- مؤسسات توریستی و کرایه‌دهی اتومبیل
- ۲۴- بنگاه‌های مسافری
- ۲۵- کتابفروشی‌ها
- ۲۶- بنگاه‌های معاملاتی
- ۲۷- کارگاه‌های اوراق اتومبیل
- ۲۸- کارگاه‌های تعویض روغن، پنچرگیری و لاستیک‌فروشی اتومبیل
- ۲۹- مؤسسات تاکسی‌بار
- ۳۰- کلیشه و گراورسازی‌ها
- ۳۱- فروشگاه‌های لوازم یدکی اتومبیل
- ۳۲- کارگاه‌های نقاشی اتومبیل
- ۳۳- چاپخانه‌ها
- ۳۴- سمساری و امانت‌فروشی‌ها
- ۳۵- مؤسسات باربری
- ۳۶- استودیوها
- ۳۷- طلا و

^۱ همان ذیل واژه مکان.

جواهرفروشی‌ها ۳۸- مؤسسات نشر و طبع ۳۹- آموزشگاه‌های خیاطی، ماشین‌نویسی و آرایشگری. از آنجا که این ماده ناظر بر فعالیت اصناف بوده از این رو فقط مکانهایی را نامبرده که نوعی فعالیت اقتصادی در آن جریان دارد و به سایر مکانهای عمومی مثل اماکن مذهبی، ورزشگاه‌ها، پارکها، مدارس، دانشگاه‌ها و... اشاره نکرده است. بنابراین مکانهای عمومی محدود به موارد ذکر شده در این ماده نیست. اماکن عمومی را میتوان به سه دسته کلی تقسیم نمود:

- ۱) مکان عمومی بالذات: مثل، مسجد، ورزشگاه، سینما و...
- ۲) مکان عمومی بالعرض: مثل مکان‌هایی که برای عموم ساخته نشده است، ولی استفاده از آن مکان به نوعی است که آن را تبدیل به مکان عمومی کرده است مانند، خانهای که برای سکونت ساخته شده ولی در حال حاضر تحت اجاره بوده و به عنوان مرکز آموزشی از آن استفاده میشود.
- ۳) مکان عمومی حسب تصادف: مکانهایی که در ابتدا مکان خصوصی بوده‌اند ولی اکنون به دلیل اتفاق و حادثهای امکان استفاده خصوصی از آن وجود ندارد و ناخواسته و موقتا مکان عمومی شده است مثل خانهای که دچار حریق یا انفجار شده و به ویرانه‌های تبدیل شده و امکان ورود و خرج برای همگان فراهم شده و عده زیادی از مردم به داخل آن رفت و آمد دارند.

۱-۹-۱- اماکن نیمه خصوصی و نیمه شخصی

این اماکن جاهایی هستند که از یک جهت ویژگی اماکن خصوصی را دارند و از جهت دیگر ویژگی اماکن عمومی مثلا مشاعات یک مجتمع مسکونی اختصاص به شرکاء دارد و از این جهت مکان خصوصی محسوب میشود و از جهت دیگر چون امکان تردد برای همه افراد اعم شرکاء، اعضای خانواده آنان، ساکنین و مهمانان و مراجعان به واحدها؛ وجود دارد مکان عمومی محسوب می شوند. همچنین فضای داخلی خودروهای شخصی از این جهت که خودرو شخصی است مکان خصوصی است و از این جهت که در مرئی و منظر همگان قرار دارد و مالک خودرو نمیتواند با دودی کردن شیشه‌ها و زدن پرده مانع دید فضای داخلی آن باشد عمومی است.

تنها ماده قانونی که به این نوع از اماکن توجه کرده تبصره ذیل ماده ۵ قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر است:

ماده ۵- در اجرای امر به معروف و نهی از منکر نمی‌توان متعرض حیثیت، جان، مال، مسکن، شغل و حریم خصوصی و حقوق اشخاص گردید، مگر در مواردی که قانون تجویز کند.
تبصره - اماکنی که بدون تجسس در معرض دید عموم قرار می‌گیرند، مانند قسمتهای مشترک آپارتمان‌ها، هتلها، بیمارستان‌ها و نیز وسایل نقلیه مشمول حریم خصوصی نیست.

۱-۲- تاریخچه حجاب و نوع پوشش

پوشش یکی از نیازهای اصلی هر انسان است. همان‌گونه که آدمیان به هوا و غذا نیاز دارند، برای حفظ و نگهداری بدن‌شان از هرگونه آسیب‌های احتمالی به پوشاک نیازمند هستند. یکی از تفاوت‌های انسان در مقایسه با حیوانات پوشیدن لباس است. پوشش در طول تاریخ و مطابق با خصوصیات فردی و اجتماعی فرهنگی و قومی انسان ارتباط و تنوع داشته است. نوع پوشش بشر، در طول تاریخ مانند هر چیز دیگری دست خوش تغییر تحول بوده، به طوری که لباس، علاوه بر اینکه آنان را در برابر سرما و گرما و غیره، محافظت می‌کرده، ابزاری برای شناساندن و معرفی طبقه‌ی اجتماعی‌شان بوده است. افراد پولدار جامعه و کسانی که از نظر مالی موقعیت بهتری داشتند از لباس‌های فاخر و بلندتر و پوشیده‌تر استفاده می‌کردند و هر قوم و ملتی که از نظر قدمت و تمدن غنی‌تر بودند آثار پوشیدگی در آنان بیشتر دیده می‌شد. این نوع پوشیدگی برای آنان به گونهای امتیاز و برتری محسوب می‌شد. توجه به پوشش قبل از اسلام و در بعضی از ملل وجود داشته است و از سنت‌های قدیمی تمدن‌های بشری بوده است. در ادیان الهی به خصوص یهود، مسیحیت و زرتشت مسئله حجاب و رعایت آن مطرح بوده است. حتی در ایران باستان و قوم یهود و همچنین احتمالاً در هند، قوانین پوشش از آنچه در قانون اسلام آمده، سخت‌تر بوده است اما گویا در عصر جاهلیت اعراب، حجاب کاملی وجود نداشته‌است. نوع و حدود حجاب رایج میان مسلمانان نه تنها از ایران و روم، بلکه از هیچ کدام از ادیان الهی وارد اسلام نشده است و این‌گونه پوشش و حجاب بانوان مسلمان، پس از نزول آیات حجاب در زمان رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم معرفی و واجب شده است.

۱-۲-۱- حجاب در شریعت حضرت ابراهیم علیه و علی نبینا السلام

در دین مقدس حضرت ابراهیم علیه و علی نبینا السلام مسأله پوشش زنان، در درجه اهمیت بوده است. در کتاب تورات آمده است: «رفقه» چشمان خود را بلند کرده و اسحاق را دید و از شتر خود فرود آمد، زیرا از خادم پرسید: این مرد کیست که در صحرا به استقبال ما می‌آید؟ خادم گفت: آقای من است. پس برقع خود را گرفته، خود را پوشانید.^۱ از این بیان مشخص می‌شود که پوشش زن در مقابل نامحرم در دین حضرت ابراهیم علیه و علی نبینا السلام وجود داشته‌است زیرا «رفقه» در مقابل اسحاق که به او نامحرم بود، از شتر پیاده شد و خود را پوشاند تا چشم اسحاق به او نیفتد.

^۱ سفر پیدایش، باب ۲۴، آیه ۶۴ و ۶۵.

۱-۲-۲- حجاب در آیین یهود

در اصول اخلاقی «تلمود» که یکی از کتاب‌های مهم دینی و در واقع فقه مدون و آیین نامه زندگی یهودیان است، آمده: «اگر زنی به نقض قانون یهود می‌پرداخت، چنانچه مثلاً بی آنکه چیزی بر سر داشت به میان مردم می‌رفت و یا در شارع عام نخ می‌رشت یا با هر سخی از مردان درد دل می‌کرد یا صدایش آنقدر بلند بود که چون در خانه اش تکلم می‌نمود، همسایگانش می‌توانستند سخنان او را بشنوند، در آن صورت مرد حق داشت بدون پرداخت مهریه او را طلاق دهد.»^۱

۱-۲-۳- حجاب در آیین مسیحیت

در کتاب انجیل، پولس در رساله خود به قدنتیان تصریح می‌کند:

«ما می‌خواهیم شما بدانید که سر هر مرد، مسیح است و سر زن، مرد و سر مسیح، خدا. هر مردی که سرپوشیده دعا کند سر خود را رسوا می‌نماید. اما هر زنی که سربرهنه دعا کند، سر خود را رسوا می‌سازد؛ زیرا این چنان است که تراشیده شود. زیرا اگر زن نمی‌پوشد، موی را نیز ببرد و اگر زن را موی بریدن یا تراشیدن قبیح است، باید بپوشد؛ زیرا که مرد را نباید سر خود را بپوشد چون که او صورت و جلال خداست، اما زن جلال مرد است؛ زیرا که مرد از زن نیست، بلکه زن از مرد است و نیز مرد به جهت زن آفریده نشده، بلکه زن برای مرد. از این جهت زن می‌باید عزتی بر سر داشته‌باشد، به سبب فرشتگان... در دل خود انصاف دهید آیا شایسته است که زن ناپوشیده نزد خدا دعا کند.»^۲ پس در جایی که برای دعا باید سر زن پوشیده باشد، به هنگام روبه رو شدن با نامحرم پوشش سر لازم تر خواهد بود.

و نیز در انجیل، در رساله پولس، به تیموتائوس می‌گوید: «و همچنین زنان خود را بیارایند به لباس حیاء و پرهیز، نه به زلف‌ها و طلا و مروارید و رخت گران بها، بلکه چنان که زنانی را می‌شاید که دعوی دینداری می‌کنند به اعمال صالحه.»^۳

۱-۲-۴- حجاب در یونان و روم باستان و سایر کشورها

دایره المعارف لاروس درباره پوشش زنان یونان باستان می‌گوید: زنان یونانی در دوره‌های گذشته، صورت و اندامشان را تا روی پا می‌پوشاندند. این پوشش که شفاف و بسیار زیبا بود، در جزایر کورس و امرجوس و دیگر جزایر ساخته می‌شد. زنان فنیقی نیز پوششی قرمز رنگ داشتند.

بحث در مورد حجاب در بین کلمات قدیمی‌ترین مؤلفین یونانی نیز به چشم می‌خورد؛ حتی «بنیلوب» (همسر پادشاه «عولیس» فرمانروای ایتاک) نیز با حجاب بوده است. زنان شهر «ثیب» دارای حجاب

^۱ ویل دورانت، تاریخ تمدن، ج ۴، ص ۴۶۱.

^۲ باب ۱۱، آیه ۳ تا ۱۴.

^۳ باب دوم، آیه ۹ تا ۱۱.

خاصی بوده اند، بدین صورت که حتی صورتشان را نیز با پارچه می‌پوشاندند. این پارچه دارای دو منفذ بود که جلوی چشمان قرار می‌گرفت تا بتوانند ببینند. در «اسپارته» دختران تا موقع ازدواج آزاد بودند، ولی بعد از ازدواج خود را از چشم مردان می‌پوشاندند. نقش‌هایی که بر جای مانده، حکایت می‌کند که زنان سر را می‌پوشانده، ولی صورت‌هایشان باز بوده است، و وقتی به بازار می‌رفتند، بر آنان واجب بوده است که صورت‌هایشان را بپوشانند؛ خواه باکره و خواه دارای همسر باشند. حجاب در بین زنان سبیری و ساکنان آسیای صغیر و زنان شهر ماد (و فارس و عرب) نیز وجود داشته‌است. زنان رومانی از حجاب شدیدتری برخوردار بوده اند، به طوری که وقتی از خانه خارج می‌شدند، با چادری بلند تمام بدن را تا روی پاهای می‌پوشاندند و چیزی از برآمدگی‌های بدن مشخص نمی‌شد.^۱

یکی از تاریخ‌نویسان غربی نیز شواهد زیادی دال بر وجود حجاب در بین زنان یونان و روم باستان آورده است. او درباره «الهه عفت» که یکی از خدایان یونان باستان است، می‌گوید: «آرتمیس»، الهه عفت است و عالی‌ترین نمونه (و الگو برای) دختران جوان به شمار می‌آید. دارای بدنی نیرومند و ورزیده و چابک و به زیور عفت و تقوا آراسته‌است.^۲

همچنین درباره مردم یکی از قبائلی که نهصد سال قبل از میلاد زندگی می‌کرده اند، آمده است: «بالتر از ارمینان و در کنار دریای سیاه، (سگاها) بیابانگردی می‌کردند. آنها مردم وحشی و درشت اندام قبائل جنگی نیمه مغول و نیمه اروپایی بسیار نیرومندی بودند که در ارابه به سر می‌بردند و زنان خود را سخت در پرده نگاه می‌داشتند.»^۳ این مورخ در جای دیگر می‌گوید: «زنان فقط در صورتی می‌توانند خویشان و دوستان خود را ملاقات کنند و در جشن‌های مذهبی و تماشاخانه‌ها حضور یابند که کاملاً در حجاب باشند.» همچنین از قول یکی از فلاسفه یونان باستان، درباره شدت پوشش زن، نقل می‌کند: نام یک زن پاک دامن را نیز چون شخص او باید در خانه پنهان داشت.^۴

۱-۲-۵- حجاب در ایران باستان

پارسیان زیباترین انسانهای خاور نزدیک در روزگارهای باستانی بوده‌اند. تصاویری که در آثار تاریخی بر جای مانده، نشان می‌دهد که آنان مردم میانه بالا و نیرومند بوده و بر اثر زندگی کردن در نقاط کوهستانی، سختی و صلابت داشته اند. در مورد نوع پوشش زنان پارسی، مطالب زیادی در تاریخ وجود دارد. ویل دورانت درباره پوشش زنان ایران باستان و اینکه حجاب بسیار سختی در بین آنان رایج بوده است، می‌گوید: «زنان طبقات بالای اجتماع جرأت آن را نداشتند که جز در تخت روان روپوش دار از

^۱ وجدی، محمد فرید، دایرة المعارف القرن العشرين ص ۳۳۵.

^۲ ویل دورانت، تاریخ تمدن، ج ۸ ص ۵۲۰.

^۳ همان، ص ۳۳۶.

^۴ همان

خانه بیرون بیایند. هرگز به آنان اجازه داده نمی‌شد که آشکارا با مردان آمیزش (اختلاط) کنند. زنان شوهردار حق نداشتند هیچ مردی را، و لو پدر یا برادرشان باشد، ببینند. در نقش‌هایی که در ایران باستان بر جای مانده، هیچ صورت زن دیده نمی‌شود و نامی از ایشان به نظر نمی‌رسد.^۱ همچنین «تاریخ نشان می‌دهد که حجاب در فرس قدیم وجود داشته‌است در کیش «مازدیسنی» نامه شت مهاباد، آیه ۹۰ گوید: زن خواهید و جفت گیرید و هم خوابه دیگری را نبینید و بر او منگرید و با او می‌آمیزید.»^۲

از نوشته‌هایی که بیانگر حجاب زنان ایران باستان است معلوم می‌شود که زنان در دوره‌های مختلفی چون دوره مادها، پارسی‌ها (هخامنشیان)، اشکانیان و سامانیان دارای حجاب و پوشش بوده‌اند، که به چند نمونه آن اشاره می‌شود.

۱-۲-۵-۱- حجاب در دوره مادها

در کتاب «پوشاک باستانی ایرانیان» آمده: «اصلی که باید در نظر داشت، این است که طبق نقوش برجسته و مجسمه‌های ما قبل میلاد، پوشاک زنان آن دوره (مادها) از لحاظ شکل (با کمی تفاوت) با پوشاک مردان یکسان است.»^۳

مؤلف در ادامه برای توضیح نقوش بر جای مانده می‌نویسد: «مرد و زن به واسطه اختلافی که میان پوشش سرشان وجود دارد، از هم تمیز داده می‌شوند. به نظر می‌رسد که زنان پوششی نیز روی سر خود گذارده‌اند و از زیر آن گیسوهای بلندشان نمایان است.»^۴

۱-۲-۵-۲- حجاب دوره هخامنشیان

کوروش هخامنشی دولت ماد را از میان برداشت و سلسله هخامنشی را تأسیس کرد. پوشش آنها مانند مادها بود و در مورد پوشاک خاص زنان این دوره آمده است: «از روی برخی نقوش مانده از آن زمان، به زنان بومی برمی‌خوریم که پوششی جالب دارند. پیراهن آنان پوششی ساده و بلند یا دارای راسته چین و آستین کوتاه است. به زنان دیگر آن دوره نیز برمی‌خوریم که از پهلو به اسب سوارند. اینان چادری مستطیل بر روی همه لباس خود افکنده و در زیر آن، یک پیراهن با دامن بلند و در زیر آن نیز، پیراهن بلند دیگری تا به میچ پا نمایان است.»^۵

^۱ همان ج ۴، ص ۴۳۴.

^۲ حسینی شاه عبدالعظیمی، حسین بن احمد، تفسیر اثنی عشری، ج ۱۰، ص ۴۹۰.

^۳ ضیاءپور، جلیل، پوشاک باستانی ایرانیان، ص ۵۱.

^۴ همان، ص ۵۴.

^۵ همان، ص ۵۶.

۱-۲-۵-۳- حجاب در دوره اشکانیان

در این دوره نیز همانند دوره‌های قبل، حجاب زنان ایرانی کامل بوده است. در این باره چنین می‌خوانیم: «لباس زنان اشکانی پیراهنی بلند تا روی زمین، گشاد، پرچین، آستین‌دار و یقه راست بوده است. پیراهن دیگری داشته‌اند که روی اولی می‌پوشیدند و قد این یکی نسبت به‌اولی کوتاه و ضمناً یقه باز بوده است. روی این دو پیراهن چادری سرمی کردند.»^۱

در جای دیگر آمده است: «چادر زنان اشکانی به رنگ‌های شاد و ارغوانی و یا سفید بوده است. گوشه چادر در زیر یک تخته فلزی بیضی منقوش یا دکمه که به وسیله زنجیری به گردن افکنده شده، بند است. این چادر به نحوی روی سر می‌افتاده که عمامه (نوعی کلاه زنانه) را در قسمت عقب و پهلوها می‌پوشانیده است.» در کتاب «پارتیان» نیز آمده است: زنان عهد اشکانی قبایی تا زانو بر تن می‌کردند، با شنلی که بر سر افکنده می‌شد و نیز نقابی داشتند که معمولاً به پس سر می‌آویختند.»^۲

۱-۲-۵-۴- حجاب در دوره ساسانیان

در این دوره اردشیر بابکان با استفاده از ضعف اشکانیان، سلسله ساسانیان را ایجاد کرد و دین زرتشت را دین رسمی کشور اعلام کرد، اوستا را ترجمه و آتشکده‌های ویران را بازسازی نمود. زنان در این دوره که احکام دینی زرتشتیان در کشور اعمال می‌شده است، همچنان دارای حجاب کامل بودند. در مورد پوشاک زنان چنین آمده است: «چادر که از دوره‌های پیش مورد استفاده بانوان ایران بوده است، در این دوره نیز به صورت مختلف مورد استعمال داشته‌است.»

حجاب زنان در این دوره چنان اهمیتی داشت که «حتی لباس هنرپیشگان زن، مانند لباس‌های بلند سایر بانوان، تا پشت پا کشیده شده است.»^۳

برای اثبات توجه زنان به حجاب در دوره ساسانی کافی است که این نقل تاریخی را از منابع اسلامی مرور کنیم:

هنگامی که سه تن از دختران کسری، پادشاه ساسانی، را با ثروت فراوانی از اموال، برای عمر آوردند، شاهزادگان ایرانی را در برابر عمر در حالی که با پوشش و نقاب، خود را پوشانده بودند، ایستاندند، خلیفه دستور داد، با آوازی بلند بر آنان فریاد کشند که: پوشش از چهره برگیرید تا مسلمانان آنها را ببینند و خریداران پول بیشتری به پای آنها بریزند. دوشیزگان ایرانی از برهنه کردن صورت خودداری کردند و مشت بر سینه نماینده عمر زدند و آنان را از خود دور ساختند. خلیفه خشمناک شد و خواست با تازیانه آنان را بیازارد، در حالیکه شاهزادگان ایرانی می‌گریستند. حضرت علی (علیه السلام) به عمر فرمودند: در

^۱ همان ص ۱۹۴.

^۲ همان، ص ۱۹۷.

^۳ سامی، علی، تمدن ساسانی، ج ۱، ص ۱۸۶.

رفتارت مدارا کن؛ از پیغمبر خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) شنیدم که می فرمود: «بزرگ و شریف هر قومی را که خوار و فقیر شده، گرامی بدارید.» عمر پس از شنیدن فرمایش حضرت علی (علیه السلام) آتش خشمش فرو نشست. سپس حضرت اضافه کرد: «با دختران ملوک نباید معامله دختران بازاری (کنیزان) کرد.»^۱

۱-۲-۶- حجاب و پوشش در عربستان

در دوره ی جاهلیت و زمان های اولیه ی اسلام، هنگامی که تقریباً تمامی اعراب به حالت بادیه نشینی می زیسته اند، شهرها کوچک و کم اهمیت، و هنر خیاطی نسبتاً ناشناخته بود. پوشاک های ساده سرتاسری به صورت یکپارچه بافته می شده است و برای حفاظت از سرما و گرما کفایت می کرد.^۲ البته با فتوحاتی که اعراب در دوره اسلام انجام دادند و قلمرو اسلام گسترش یافت، و باعث آشنایی اعراب با فرهنگ های رومی و ایرانی شد تغییر محسوسی در روند پوشاک ایجاد گردید به طوری که در اواخر دوره خلافت اولیه ی «خلفای راشدین»، خصوصیات البسه را این گونه بیان کرده اند: تکثر در انواع پارچه ها و لباس ها و تفنن در خیاطت. این در حالی است که در دوره خلافت عباسی با استفاده از هنرمندان فن خیاطی روند دوخت لباس و پوشاک و تنوع آن به اوج خود رسید.

۱-۲-۶-۱ انواع پوشش در عربستان

با توجه به گزارش های منابع اولیه، لباس ها به دو صورت تقسیم گردیده است: لباس هایی که پارچه های آن بریده می شدند و با نخ دوخته می شدند. مانند: قمیص، جبه و سراویل. لباس هایی که یکپارچه، بدون برش و دوخته شدن مورد استفاده قرار می گرفتند. مانند: جلباب، وداع و ازار. در یک تقسیم بندی دیگر می توان لباس های زنانه را با توجه به روایات و احادیث و گزارش های تاریخی که درباره پوشش زنان در کتب شیعی و اهل سنت بیان شده است در دوره های اولیه اسلام و قبل از آن، این گونه تقسیم نمود: لباس هایی که برای پوشش سر و صورت به کار برده می شد که عمدتاً یکپارچه و نادوخته بودند، و معروفترین این لباس ها: جلباب، خمار، نقاب، برقع و قناع می باشد. لباس هایی که برای پوشش سایر اعضای بدن به کار می رفته است و برخی دوخته شده برخی نادوخته بودند. از آن جمله: قمیص، صدرا، درع، مرط، برد، ازار و سروال را می توان نام برد. در ادامه با توجه به تقسیم بندی فوق، معروفترین البسه زنان جزیره العرب در زمان جاهلیت و اسلام مورد بررسی قرار می گیرد.

^۱ حلبی الشافعی، علی بن ابراهیم، السیرة الحلبیه، ج ۲، ص ۲۳۴.

^۲ دزی، رینهارت، فرهنگ البسه مسلمانان، ص ۴.

الف. جلباب

واژه ی جلباب، از جمله واژه‌هایی است که به علت استفاده زیاد از آن در سخنان معصومین و آیات قرآنی و از طرفی اختلاف نظر در شکل و اندازه آن و نیز نقش تعیین کننده‌ی آن، در حدود حجاب نیاز به بازشناسی و کالبد شکافی دقیق دارد. چرا که معنی آن در محدوده پوشش تأثیر فراوانی خواهد داشت.

در آیه ۵۹ سوره احزاب میخوانیم:

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لَأُزْجِكَ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءَ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَىٰ أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذِينَ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا.

ای پیامبر به زنان و دخترانت و به زنان مؤمنان بگو پوششهای خود را بر خود فروتر گیرند این برای آنکه شناخته شوند و مورد آزار قرار نگیرند [به احتیاط] نزدیکتر است و خدا آمرزنده مهربان است کلمه «جلایب» در این آیه جمع «جلباب» است علاوه بر اصحاب لغت، مفسرین نیز به تناسب به کار رفتن این لغت در قرآن مباحثی پیرامون ارایه کرده‌اند. این آیه خطاب به زنان پیامبر و دخترانش و زنان مومنین می فرماید «ای پیامبر! به همسران و دخترانت و زنان مردان مؤمن بگو جلباب‌های خود را بر خویش فرو افکنند (نزدیک خود سازند).

طبرسی جلباب را این گونه توضیح می‌دهد: «الجلباب خمار امراه الذی يعطی رأسها و وجهها اذا اخرجت لحاجه» جلباب عبارت است از ردایی که سر و روی زن را می‌پوشاند وقتی برای کاری از منزل خارج می‌شود. وی در تفسیر آیه مذکور معتقد است: «مقصود خداوند از بیان «يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ» این است که با روپوشی که زن به خود می‌گیرد محل گریبان خود را بپوشد» و اضافه می‌کند «گفته شده، جلباب همان چارقد است و مقصود آیه آن است که: زنان آزاد وقتی بیرون رفتند پیشانی‌ها و سرها را بپوشانند.»^۱

آلوسی بغدادی نیز با توجه به تفاسیر قبل از خود در یک جمع بندی کلی برای جلباب چندین معنی بیان کرده است که عبارتند از:

آنچه از بالا تا پایین را بپوشاند؛ هر لباسی که زن آن را روی لباس‌هایش بپوشد مانند روپوش؛ هر آنچه با آن پوشش انجام گیرد چه عبا باشد و چه غیر از آن. لباسی گشادتر از سرپوش و کوچک تر از ردا؛ مقنعه؛ ملحفه.^۲

به نظر می‌رسد، طبرسی و آلوسی، نتوانسته‌اند معنای یکسانی که در زمان خودشان مورد اتفاق عموم باشد دست یابند. به علاوه، طبرسی بین تعریف واژه جلباب و خمار دچار آشفتگی شده و یکی رو با دیگری تعریف کرده است. هم چنان که مؤلف کتاب قاموس قرآن نیز اشاره به این اختلاف دارد و معتقد است که در یک جمع بندی نهایی، جلباب، ملحفه و لباس بالایی و چادر و مانند آن است و اطلاق جلباب

^۱ طبرسی، ابوعلی فضل بن حسن، مجمع البیان، ج ۷، ص ۴۸۰.

^۲ آلوسی بغدادی، سید محمود، روح المعانی، ج ۱۲، ص ۱۲۷.

را مختص به روسری و چارقد نمی‌داند.^۱

به هر ترتیب با توجه به گفته‌های مفسرین و ظاهر آیه ۵۹ سوره احزاب، این نتیجه مهم قابل توجه است که منظور از جلباب لباس خارجی بوده و مؤید این سخن ادامه آیه است که می‌فرماید: «ذلک ادنی ان يعرفن فلا یوذین و کان الله غفورا رحیما.» در این قسمت بیان میشود که جلباب مانع شناسایی میشود پس یک پارچه کامل سرتاسری و ساده و بدون هیچ علامت و مشخصه است.

ب. خمار

یکی از پوشاک‌های صدر اسلام، جامه‌ای نا دوخته به نام خمار می‌باشد. خمار بر خلاف جلباب پوششی برای سر بوده است و کاربرد آن در شعرهای جاهلی و دوره اسلامی نیز به همین معنا است. «امروالقیس» در وصف باران چنین می‌گوید:

و تری الشجراء فی ریتها کرؤس قطعت فیها خمر^۲

در این بیت شاعر، سرهای درختان که از آب بیرون مانده به سرهای بریده در خمار همانند کرده است و نیز «حسان بن ثابت انصاری» چنین سروده است:

تظل جیادنا متسطرات تلطمهن بالخمر النساء^۳

در این بیت شاعر از قول ابو سفیان مردم مکه را سرزنش کرده و می‌گوید: «اسبان ما به شتاب می‌رفتند و زنان شما با چارقد آنها را باز می‌رانند.»

لغت شناسان واژه «خمار» را از ماده «خمر» دانسته‌اند و به معنای پوشاندن آورده‌اند، فراهیدی درباره این واژه چنین می‌نویسد: «خمرتها: ماغشی المخمور من الخمار. وسیله‌ای که ظرف را می‌پوشاند، و یا بر ظروف پوشش می‌افکند گفته می‌شود.»^۴

ابن منظور معتقد است: «خمار وسیله‌ای است که چیزی را می‌پوشاند ولی در عرف مختص به چیزی شده که زن سر خود را با آن می‌پوشاند، جمع آن خمر است و اختمرت المرئه یعنی زن خودش را پوشانید.»^۵ به هر ترتیب خمر و خمار به معنی ستر و پوشش است و شراب را نیز خمر گویند زیرا حواس ظاهری و باطنی را می‌پوشاند و روسری زن را نیز خمار گویند چرا که به وسیله آن سرش را می‌پوشاند.^۶

دزی نیز خمر و خمار را به معنی پوشش و پوشاندن و پنهان کردن و نیز به کمربندی مخفی تعبیر نموده است و با اظهار تأسف شدید از این که واژه خمار به علت کثرت و وضوح نزد لغت شناسان به درستی و دقیق روشن نشده است، می‌نویسد: «نمی‌توان راجع به چگونگی این لباس شرقی چیزی نگاشت» و اضافه می‌کند: «در آثار مورخان عرب که همزمان با نویری و مقریزی بوده‌اند دیده نمی‌شود و به جرأت می‌توان

^۱ قریشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، ج ۲، ص ۴۱.

^۲ محمد ابوالفضل، ابراهیم، دیوان امروالقیس، ص ۱۴۵.

^۳ حسین، سید حنفی، دیوان حسان بن ثابت، ص ۷۳.

^۴ فراهیدی، خلیل بناحمد، العین، ج ۴، ص ۲۷۲.

^۵ ابن منظور، لسان العرب، ج ۴، ص ۲۱۲.

^۶ همان، ج ۵، ص ۲۱۵.

گفت که جستجو برای یافتن این کلمه در صفحات کتاب هزار و یک شعر نیز به کلی بیهوده است.^۱ وی با شک و تردید عنوان می‌کند: خمار نوعی حجاب زنان است که قسمت جلوی گردن و چانه و دهان را می‌پوشاند و روی فرق سر به هم متصل می‌شود. خلاصه این که در کلمات اهل لغت هیچ اشاره‌ای به چگونگی پوشش به وسیله خمار نشده است و فقط به این که خمار نوعی پوشش می‌باشد اکتفا شده است.

ج. نصیف

برخی از لغت‌شناسان واژه نصیف مترادف کلمه خمار دانسته‌اند از جمله فراهیدی آن را چنین آورده است: «النصیف، الخمار»^۲ و ابن منظور نیز بعد از بیان همین معنی، معنای دیگری نیز نقل میکند و می‌گوید: «النصیف ثوب تتجَلَّلُ به المرأةُ فوق ثيابها كلها»^۳ نصیف لباس فاخری است که زن روی تمام لباسهایش میپوشد.

در روایات نیز نصیف مخصوص زنان بیان شده است. البته ابوالفرج اصفهانی در ترجمه و شرح حال مغیره بن شعبه با استناد به شعری، پوشیدن نصیف را توسط مغیره بیان می‌کند.^۴ به طور کلی از روایات و گزارش‌های موجود مشخص می‌گردد که نصیف از پوشش‌های سر بوده و نوعی از انواع خمار و بیشتر مورد استفاده زنان بوده است و در بعضی از موارد نیز مردان آن را بر سر می‌کرده‌اند. علاوه بر اینکه برخی از لغت‌شناسان آن را به عنوان لباسی می‌دانند که زنان برای تجمل و زینت روی لباس خود بر تن می‌کرده‌اند.^۵

د. نقاب

بدون تردید نقاب از پوشش‌های صورت بوده است. بنا به تعریف لغت‌شناسان، نقاب پوششی بوده است که بر چشمان و بینی قرار می‌گرفت. این پوشاک دارای انواع مختلفی بوده است و استفاده از آن و چگونگی قرار گرفتن آن بر روی چهره در هر نوع با اسم خاصی نامیده می‌شده است. در همین زمینه ابن منظور چنین می‌نویسد: «إِذَا أَدْنَتِ الْمَرْأَةُ نِقَابَهَا إِلَى عَيْنَيْهَا، فَتِلْكَ الْوَصُوصَةُ، فَإِنْ أُنزَلَتْهُ دُونَ ذَلِكَ إِلَى الْمَخَجِرِ، فَهُوَ النَّقَابُ، فَإِنْ كَانَ عَلَى طَرَفِ الْأَنْفِ، فَهُوَ اللَّفَامُ؛ هُنَاكَ نِقَابٌ فَقَطْ بَرِ چشمان زن قرار گیرد آن را «وصوصه» گویند و اگر تا روی دماغ کشیده شود «نقاب» گویند و اگر علاوه بر چشمان گونه‌ها را نیز بپوشاند به آن «لفام» گویند.»^۶

^۱ دزی، رینهارت، فرهنگ البسه مسلمانان، هروی، حسنعلی، ص ۱۶۱.

^۲ کتاب العین، ج ۷، ص: ۱۳۳.

^۳ لسان العرب، ج ۹، ص: ۳۳۲.

^۴ اصفهانی، ابی الفرج، مقاتل الطالبیین، ج ۱۵، ص ۱۰۰.

^۵ زبیدی، محمد بن محمد مرتضی، تاج العروس من جواهر القاموس، ج ۱۲، ص ۵۰۲.

^۶ ابن منظور، لسان العرب، ج ۱۴، ص ۱۵۵.

ه. البرقع

یکی از پوشش‌های صورت در میان زنان عرب برقع بوده است. که البته تنها به زنان اختصاص نداشته‌است و بنا به گفته «فراهیدی» برای برخی موارد درباره مردان نیز به کار می‌رفته‌است.^۱ در میان مصادر موجود روایی از پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) روایتی درباره پوشیدن برقع بیان نشده است و در روایات اهل بیت معصومین تنها به چهار روایت که این واژه در آن به کار رفته‌است می‌توان اشاره کرد که تمامی آن‌ها سوالاتی است از امام (علیه السلام) درباره شرعی بودن آن در زمان احرام و ممنوعیت چنین پوششی از سوی امام سوال شده است.^۲

چنین به نظر می‌رسد که برقع پوششی برای صورت، و در میان زنان بادیه‌نشین عرب رایج بوده است و حفاظت از چهره و اعضاء را در مقابل گرد و غبار و نور آفتاب و طوفان‌های شن به عهده داشته‌است.

و. اللثام

ابن منظور آن را چنین توضیح می‌دهد: «پایین کشیدن مقنعه و عمامه توسط زنان و مردان تا روی بینی، «لثام» و تا نوک بینی و دو طرف آن «لفام» است.»^۳ در کتب اربعه شیعه این واژه با مشتقات آن شانزده مرتبه به کار رفته‌است هم‌چنان که در کتب روایی اهل سنت نیز در موارد متعددی به این نوع پوشش اشاره شده است. به عنوان نمونه سوال، محمد بن مسلم و جواب امام صادق (علیه السلام) درباره مردی که لثام زده و نماز می‌خواند می‌باشد: «قال: قلت له: ایصلی الرجل و هو مثلثم؟ فقال اما علی الارض فلا و اما علی الدابه فلا باس. از امام سوال نمودم که آیا مرد با زدن روبند می‌تواند نماز بخواند؟ فرمود اگر روی زمین است، نمی‌تواند ولی اگر بر استر سوار است می‌تواند.»^۴ از روایت مذکور مشخص می‌شود که این نوع روش در پوشش صورت، حداقل در قرن دوم مخصوص به مردان بوده است و بیشتر هنگام سفر و سوار بر چارپایان انجام می‌گرفته‌است و در حال انجام نماز کنار زدن آن از روی چهره ضروری بوده است.^۵

ز. القناع

قناع یا مقنعه، برای پوشاندن سر می‌باشد و تفاوت بین آن در اندازه آنها بوده است به طوری که قناع بلندتر از مقنعه بوده است.^۶ در اشعار عرب جاهلی نیز این دو واژه به طور مکرر به کار رفته‌است. «شغزی» حیا و عفت زنی را این‌گونه توصیف می‌کند: «مرا به تعجب وا داشت آن زن که چون راه می‌رود قناعش از سرش نمی‌افتد.»^۷

^۱ فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، ج ۱، ص ۱۵۵.

^۲ مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۲۲، ص ۹۹.

^۳ ابن منظور، لسان العرب، ج ۱۴، ص ۳۸۶.

^۴ حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۳۰۷.

^۵ الصدوق، ابی جعفر محمد بن علی، من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۲۵۵.

^۶ ابن منظور، لسان العرب، ج ۱۱، ص ۳۲۳.

^۷ الجبوری، یحیی، الملابس فی الشعر الجاهلی، ص ۲۷۵.

به نظر می‌رسد که واژه‌هایی همانند: «خمار، نصیف، برقع، سبع، قناع» کلمات مترادفی باشند که دوره معاصر عرب‌ها آن را «الطرحه» و فارسی زبانان آن را «مقنعه» می‌نامند. به هر ترتیب در دوره‌های اولیه تاریخ اسلام واژه‌ی قناع از معروف‌ترین واژه‌ها برای البسه مسلمانان و خصوصاً به عنوان پوششی برای سر و گردن زنان بوده است.

در شأن نزول آیه ۳۱ سوره نور از امام باقر (علیه السلام) چنین می‌خوانیم: «جوانی از انصار روبرو شد با زنی و در آن زمان زنان مقنعه‌های‌شان را پشت گوش‌شان می‌بستند و چون نگاهش به آن زن افتاد به دیواری برخورد کرد.»^۱ از گزارش مذکور چنین به دست می‌آید که زنان در مدینه قناع بر سر می‌کرده اند، آن را به گونه‌ای قرار می‌داده اند که فقط موهای سر آنها پوشیده باشد و چهره و گردنشان پیدا بوده است.

ح. القمیص

در قرآن واژه ی قمیص در چند مورد به کار رفته‌است از جمله در داستان حضرت یوسف (علیه السلام) که بیانگر پوشیدن آن از قدیم الایام به عنوان پوشاکی متداول در نزد اقوام مختلف بوده است. در منابع روایی این واژه بسیار اندک به کار رفته است و در حدیثی از طرق مختلف از سوی پیامبر (صلی الله علیه و آله) و امام صادق (علیه السلام) درباره زن نوحه‌گر، چنین بیان شده است: «النائحہ اذا لم تتب قبل موتها تقوم یوم القیامه و علیها سربال من قطران و درع من جرب»^۲؛ اگر زن نوحه‌خوان پیش از مرگش توبه نکند، روز قیامت در حالی از قبرش برخیزد که پیراهنی از قطران و زرهی از جرب (بیماری پوستی) به تن داشته‌باشد.

در برخی از روایات به تن‌پوش دیگری به نام «صدار» که مترادف با قمیص است اشاره شده با این تفاوت که کوتاه‌تر از آن بوده است. و نیز لغت شناسان عرب در متون لغت، کلمه درع را به معنی قمیص دانسته‌اند، و با بیان اینکه «درع المرءه قمیصها» جمع آن را ادراع یا دروع گفته‌اند. به هر ترتیب درع، پارچه‌ای بوده است که وسط آن را بریده و اطراف آن را دوخته و دو آستین برای آن قرار میداده‌اند.

ط. المرط

از دیگر لباسهای قبل از اسلام مرط بوده است فراهیدی درباره آن نوشته است: «المرط: رداء من صوف أو خز أو كتان»^۳؛ مرط پوششی از پشم یا خز یا کتان بوده است. راغب اصفهانی آن را مختص زنان دانسته است.^۴ صاحب‌بن‌عباد وابن‌منظور رنگ آن را قرمز^۵ و ابن‌منظور در جای دیگری رنگ آن را سبز گفته‌است.^۶

^۱ الکلبینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۵، ص ۵۲۱.

^۲ حر عاملی، محمدبن حسن، وسائل الشیعه، ج ۱۷، ص ۱۲۸.

^۳ کتاب العین، ج ۷، ص: ۴۲۷.

^۴ مفردات ألفاظ القرآن، ص: ۸۶۲.

^۵ المحيط فی اللغة، ج ۱، ص: ۲۰۲، لسان العرب، ج ۱۲، ص: ۴۱۴.

^۶ لسان العرب، ج ۷، ص: ۴۰۱.

همچنین ابن منظور آن را به طور عام هر لباس دوخته نشده دانسته است^۱ که چون ملحفه دور شخص یا جسد پیچیده شود.^۲

ی. البرد

برد نوعی پوشش بوده است که یک قطعه پارچه پشمی بلند و ضخیم که روزها برای پوشاندن بدن و شبها به جای جامه خواب به کار می‌رفته‌است و با رنگ‌هایی معمولاً خاکستری و یا قهوه‌ای و مخلوط و دارای نقش و نگارهای مختلف بوده است. در کتب سیره به این نوع لباس مکرراً اشاره شده است که حکایت از پوشش متداول آن در دوره‌های اولیه تاریخ اسلام دارد به طوری که بخاری در کتاب «الصحيح» فصلی را به عنوان باب البرد به این موضوع اختصاص داده است.

با توجه به گزارش‌های موجود مشخص می‌شود که برد به عنوان پوشاکی رایج بین زنان و مردان به طور مشترک کاربرد داشته‌است و به عبارت دیگر برد نه تنها لباس مردان بلکه لباسی است که عموم زنان نیز آن را بر تن می‌کرده‌اند. کلینی پیرامون این موضوع از امام صادق (علیه السلام) چنین می‌نویسد: «مهریه حضرت زهرا (سلام الله علیه و آله) سه چیز بود و از آن جمله، برد راه راه بود.» و نیز ابن سعد یکی از هدایای حضرت علی (علیه السلام) به حضرت زهرا (سلام الله علیه و آله) را در شب عروسی وی، بردین «دو برد» ذکر می‌کند.^۳

ک. الازار

از جمله لباس‌هایی که برای پوشاندن پایین بدن کاربرد داشته‌است ازار می‌باشد، ابن منظور در تعریف ازار چنین آورده است: «الازار معروف والازار: ملحفه، یدکر ویؤنث... و قیل الازار کل ماوارک و سترک»^۴ یعنی پوششی برای مردان و زنان و هر آن چه که انسان را بپوشاند. ازار پوشاکی بوده است که معمولاً مردم برای پوشش پایین بدن از آن استفاده می‌کرده‌اند و حتی مردان آن را به عنوان هدیه به زنان می‌داده‌اند.

ل. السروال

لغت شناسان این واژه را با کلمات دیگری همچون سراویل، سروال و سروال مترادف دانسته‌اند. جمع آن را سرویلات آورده‌اند و فارسی معرب می‌دانند. و گفته شده است: «السراویل لباس یغطی السره و الرکتین و ما بینهما»^۵ شلوار لباسی است که ما بین ناف و زانوان را می‌پوشاند. به نظر می‌رسد که پوشیدن سروال از قدیم الایام متداول بوده است و گفته شده است: «ان اول من لبس السراویل ابراهیم (علیه السلام)»^۶ اولین کسی که سروال پوشید حضرت ابراهیم (علیه السلام) بوده است.

^۱ همان، ۴۰۲.

^۲ همان، ج ۸ ص ۳۲۱

^۳ محمد بن سعد، طبقات کبری، ج ۸، ص ۲۰.

^۴ لسان العرب، ج ۴، ص: ۱۶.

^۵ الإفصاح فی فقه اللغة / ۱ / ۳۷۷.

^۶ تفسیر القرآن العظیم (ابن کثیر)، ج ۱، ص: ۲۸۷، الجامع لأحكام القرآن، ج ۲، ص: ۹۸.

در گزارشی پیامبر (صلی الله علیه و آله) علاوه بر مردان، زنان را به پوشیدن این لباس تشویق می‌کند. امام علی (علیه‌السلام) چنین می‌گوید: «من و پیامبر (صلی الله علیه و آله) در یک روز بارانی در بقیع نشسته بودیم که زنی سوار بر الاغ از آنجا گذشت و دست الاغش در گودالی فرو رفت و زن به زمین افتاد پیامبر (صلی الله علیه و آله) رویش را برگرداند. حاضران عرض کردند: ای رسول خدا آن زن شلوار به پا دارد. پیامبر سه مرتبه فرمود: خدایا زنان شلوار پوش را بیامرز. ای مردم شلوار بپوشید که شلوار پوشان‌ترین جامه‌های شما است و زنان خود را در موقعی که بیرون می‌آیند با شلوار حفظ کنید.»^۱ با توجه به مطالب بالا معلوم میشود که در صدر اسلام استفاده از این نوع پوشش در میان اعراب کاملاً شناخته شده و رایج بوده ولی مردم حجاز آن را نمیپوشیدند و در دوره‌های بعد مسلمانان پوشیدن ازار را فراموش کردند و شلوار را جایگزین آن کرده‌اند.

۱-۲-۷- حجاب در ایران بعد از اسلام

با ورود اسلام به ایران، در برابر احکامی اسلام سر خم فرود آوردند و آن را به طور کامل پذیرفتند مخصوصاً احکام مربوط به پوشش و حجاب که با فرهنگ بومی پوششی آنان کاملاً هماهنگ بود. از این رو هیچ مخالفت و مقاومتی در برابر احکام پوششی اسلام در میان مردم دیده نمیشود.

ساختار طبیعی فلات ایران در طول اعصار تاریخی این مرز و بوم و مرکزیتی که به دلیل داشتن پل ارتباطی بین شرق و غرب عالم داشت باعث شد که این سرزمین سالیان سال در معرض یورش و تهاجمات اقوام و ملل گوناگون قرار گیرد. بدیهی است که این یورشها توسط اقوامی که دارای فرهنگ و اعتقادات ویژه خود بودند صورت می‌گرفت و شدیدترین فشارها را بر فرهنگ بومی و سنتی جامعه به وجود می‌آورد. بدین گونه قوم ایرانی که از اعصار باستان اعتقاد به پوشیدگی و مستوری زن داشت. و حتی خدایان و الهه‌های خود را در اوج پاکی و قداست می‌پرستید و با قبول دین اسلام و تأکید و تأیید این دین بیش از پیش بر پوشیدگی زنان دقت می‌کرد، تحت فشارهای گوناگون قرار گرفت: «هجوم مغول بعینه نمونه‌ای از این فشارها مبنی بر حضور زن بدون پوشش در مجامع عمومی بود که پس از قدرت گرفتن حکومت‌های شیعی مذهبی چون سربداران و صفویان منتفی شد و زن ایرانی با پوشش همچنان به حضور خود در اجتماع می‌پرداخت.»

اما در قرون اخیر با گسترش تعاملات ایرانیان با اروپاییان تغییراتی در نحوه پوشش و رویکرد مردم به حجاب دیده میشود و دوران قاجاریه به عنوان نخستین دوران رویارویی نزدیک با غرب حائز اهمیت است از این رو سرآغاز این تغییرات را باید از دوران قاجاریه بررسی نمود

^۱ محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه، ج ۲، مترجم، شیخی، حمیدرضا، ص ۹۹۵.

۱-۲-۷-۱- حجاب در دوران قاجار

پوشاک زنان در دوره قاجاریه شبیه لباسهای دوران زندیه بوده و خیلی کم تغییر کرده است. پیراهن‌های چاک دار آستین بلند دوره قبل با دامنه‌های گشاد و پرچین بلند که لبه دامن را بوسیله یراق و گلابتون و... حاشیه داده تزیین می‌کردند، کمربندی طلا و نقره یا جواهر نشان به کمر می‌بستند. در این دوره مانند دوره زندیه تور و کلاهک زینت سر بوده و چادر نماز و چارقد هنوز معمول نشده بود.

مسافرت ناصرالدین شاه قاجار به فرهنگ و روسیه و دیدن لباسهای بالرینهای پترزبورگ که شلوار بافته چسبان و نازکی به پا می‌کردند و زیر جامه بسیار کوتاهی به اندازه یک وجب روی آن می‌پوشیدند، شاه را بر آن داشته که زنهای حرمسرای خود را که لباسشان شامل: پیراهن، ارخالق، کلیجه، شلیته، شلوار، جوراب، چارقد و کلاهی بود، به این لباس درآورد.

ایرانیان نخستین تجربیات تلخ شکست از غرب را در جنگهای ایران و روسیه آزمودند و به ناچار به تفوق نظام جنگی و علمی آنان آگاه شدند. بروز جنگهای ایران و روس، روابط ایران را که سالیان سال به دلیل جنگهای داخلی از اوضاع جهانی بی‌خبر بود گسترش داد و رفت و آمد خارجی‌ان فزونی گرفت. از سویی دیگر اعزام محصلین ایرانی به خارج از کشور به منظور کسب علوم و فنون جدید، ایرانیان را با سبک زندگی غربی آشنا کرد. همین رفت و آمدها به دربار و ارتباط خارجی‌ان با ایرانیان در نوع پوشش مردان تأثیر گذاشت و کم‌کم استفاده از پیراهن و کفش چرمی معمول گشت. تغییر لباس زنان اندرون نیز که پس از سفرهای ناصرالدین شاه به اروپا آغاز شده بود، به تدریج از حرمسرای شاهی به خانه‌های اعیان و سایر اقدار جامعه سرایت نمود. اما پوشش زنان در بیرون از خانه تا دوره مشروطیت و مدتی پس از آن به همان شکل سنتی (چادر، چاقچور و روبنده) بود.

۱-۲-۷-۲- حجاب در دوران پهلوی اول

ورود اجناس و البسه گوناگون اروپایی و حضور خیاطان و طراحان فرانسوی، و تقلید از آنها، کم‌کم، باعث تغییراتی مهم در وضع لباس ایرانیان و خصوصاً زنان ایرانی شد. به این ترتیب که، از طول و عرض چادر کاسته شد و چاقچور و روبنده در میان جوانان، اکثراً از بین رفت و پیچه عمومیت یافت، شلوار کشی تبدیل به جوراب‌های ساقه بلند ماشینی شد، پیراهن و شلیته و شلوار و چادر کم‌ری جای خود را به پیراهن‌های بلند یک تکه که بلندی آن بر حسب مد روز تغییر می‌کرد، دادند و به جای ارخالق و نیم تنه، کت و ژلیت و بلوز به طرز دوخت اروپایی معمول شد و پارچه‌های زری و مخمل و تور، به کرپ و ساتن و کرپ دشین و ژرژت و... تغییر یافت. چنانچه گفته شد، با نگاهی به تاریخ تحول پوشاک زنان در ایران خواهیم دید که تغییر و تحولات لباس زنان از اندرونی و زنان درباری شروع شده و به طبقات و اقدار دیگر جامعه سرایت کرده است، این تقلید بنا به موقعیت اجتماعی افراد و به تناسب و توانایی آنها در انتخاب نوع و جنس پارچه و تزیین آن تفکیک می‌شده است.

واقعۀ کشف حجاب

برای تخریب معنوی جامعه اسلامی هیچ سلاحی مخرب تر از رواج بی بندوباری نیست و در طول تاریخ سرزمینهای مهمی چون اسپانیا با رواج بی بندوباری از اسلام جدا شده و به غرب ملحق شده‌اند از این رو استعمار در تلاش است که هرچه بیشتر بیبندوباری و بی‌حجابی را در سرزمینهای اسلامی گسترش دهد و در برخی از کشورها نیز موفق بوده است.

نظر استعمار پیر انگلیس در مورد بی‌حجابی چنین است: در مسئله بدحجابی زنان باید سعی و تلاش زیادی بنمائیم تا زنان مسلمان به بی‌حجابی و رها کردن چادر مشتاق شوند باید به استناد شواهد و دلایل تاریخی ثابت کنیم که پوشیدگی زن از دوران بنی عباس رایج شده و مطلقاً سنت اسلام نیست مردم همسران پیامبران را بدون حجاب می‌دیده‌اند و زنان صدر اسلام در تمام شئون زندگی دوش به دوش مردان فعالیت داشته‌اند پس از آنکه حجاب با تبلیغات وسیعی از بین رفت وظیفه ماموران ما آنست که جوانان را به عشقبازی و روابط جنسی نامشروع با زنان غیر مسلمان کاملاً بدون حجاب ظاهر شوند تا زنان مسلمان از آن تقلید کنند.^۱

طرح هماهنگی سازی و یکسان نمودن کشف حجاب در کشورهای اسلامی و حضور عریان خانواده روسای وابسته به نظامهای استکباری تلاش بی‌وقفه آنان در انجام این طرح نشان دهنده نقش عظیم زدودن پوشش در اجرای طرحها و رسیدن به اهداف استعمار است در ایران رضا خان مجری این طرح بود برخورد خشونت بار او با مردم و حادثه گوهر شاد نشان میدهند که اینها برای اجرا طرح بی‌حجابی تا چه اندازه مصمم و راسخ بودند.

یک گزارش تاریخی در مورد این مطلب وجود دارد: در مشهد صبح روز جمعه ۱۰ ربیع الاول سال ۱۳۵۴ قمری مصادف با ۲۰ تیر ماه ۱۳۱۴ شمسی مردم را متفرق کردند و صد نفر کشته و زخمی شدند شب ۱۱ ربیع الاول مردم در مسجد گوهرشاد با بیل و داس و چماق برای دفاع جمع شدند و زنان وسط مسجد گوهر شاد چادر زده و حاضر بودند مسلسل‌های سنگین بالای مسجد و تعدادی مزدور بالای مسجد بودند در نیمه‌های شب حمله شروع شد ۲الی ۵ هزار نفر کشته شدند و ۵۰۰ نفر دستگیر کردند گفته‌اند که ۵۶ کامیون جنازه بردند و این تظاهرات کشتار برای اعتراض به کشف حجاب بود.

۱-۲-۷-۳- حجاب در دوران پهلوی دوم

در این دوران گرچه از اقدامات فیزیکی شدید دوران پهلوی در مقابله با حجاب و بگیر و بند دیگر خبری نبود اما به صورت فرهنگی کارهای مهمی علیه حجاب و تشویق به برهنگی زنان در قالب تمدن و هنر و مد و ... صورت میگرفت. هنر و مخصوصاً سینما ابزار مهم این کار محسوب میشد مدارس و دانشگاه‌ها و بیمارستانها و کلیه مراکز تمدنی و رفاهی جدید با زبان بی‌زبانی بی‌حجابی را فریاد می‌زدند اما بدنه سنتی

^۱ واحد، سینا، قیام گوهر شاد، ص ۴۵.

جامعه مخصوصاً در روستاها و شهرهای کوچک تسلیم نشده بود و همچنان قاطبه مردم و زنان پاک سیرت همچنان در برابر بی‌حجابی مقاومت میکردند. هرچند اقلیتی اعیان و اشراف یا خودباخته‌گان این فرهنگ گول این تبلیغات را خورده بودن و حجاب را کنار گذاشته بودند. بر خلاف سیاست رضاشاه که با به کارگیری زور تلاش کرد تا حجاب را از سر زنان ایرانی برگیرد، محمد رضا کوشید با شیوه‌های نوین این مقصود را به انجام برساند؛ اما به دلیل آن که حجاب همانند سایر ارزش‌های دینی و ملی در عمق جان این ملت نفوذ داشت، در بین عامه مردم چندان توفیقی نداشت. تلاش برخی از علماء و شخصیت‌های علمی فرهنگی چون شهید مطهری را در مبارزه علمی و فرهنگی با بی‌حجابی در این دوره را نباید نادیده گرفت و باید مورد تحسین قرار داد.

۱-۲-۷-۴- حجاب بعد از انقلاب اسلامی

با پیروزی انقلاب اسلامی و روی کار آمدن حکومت اسلامی آرمانهای بسیاری از مبارزان و اندیشمندان تحقق یافت و یکی از آن آرمانهای اجرایی کردن احکام اسلامی در سطح جامعه بود و در این میان زدودن بی‌حجابی و بی‌بندوباری از اولین اولویتهای بود از همان نخستین روزها بحث الزام بر حجاب در اماکن عمومی به صورت جدی مطرح شد و البته از همان ایام این موضوع مخالفانی هم داشت برخی از مخالفان حجاب را مانع حضور فعال زن در فعالیتهای اجتماعی میدانستند اما با گذشت چند دهه از انقلاب عملاً به اثبات رسید که حجاب مانع حضور زن در اجتماع و فعالیتهای اجتماعی و علمی نیست و میتوان در این محجبه بودن در تمامی سطوح به این فعالیتهای نیز پرداخت. اما مخالفان حجاب هر روز به شکلی با تبلیغ و طرح عنوانی سعی در زدودن حجاب داشتند.

تحولات سیاسی ایران پس از انقلاب در جامعه زنان بی‌تأثیر نبود، به ویژه آنکه احزاب سیاسی و گروه‌های متعدد مسئله تعلیم و تربیت زنان و اصلاح وضعیت آنان را در رأس برنامه خود قرار داده بودند. آنان یکی از عوامل اصلی متمدن بودن را حضور زنان در عرصه اجتماع می‌دانستند و مانع اصلی این حضور را در سبک و شیوه زیستی و سنتی جامعه و نوع پوشاک جست‌وجو می‌کردند.

بنابر این به دنبال یک سری انتقادات نسبت به حضور زنان در منازل، خواستار حضور آنان در جامعه بودند. بدین منظور یک جریان پنهان اما مستمر با بیان آزادی زن از اسارت، بین تجددخواهان بروز کرد. اینان خواستار حضور زن در عرصه اجتماعی بودند و از وضع حجاب سخن به میان می‌آوردند.

برخی از این افراد که عمدتاً از طبقه متوسط جامعه بودند حرکت‌هایی را علیه حجاب انجام دادند و برخی از آنان نیز همراه با گروه‌های معارض انقلاب به خارج گریختند و با پول سازمان‌های بین‌المللی و کمک آنها سازمانهای فمینیستی معارض با انقلاب را راه اندازی کرده و تبلیغات مطبوعاتی گسترده‌ای (در اکثر کشورهای غربی) علیه نظام جمهوری اسلامی به راه انداختند.

فصل دوم

حجاب در منابع فقهی

از آنجا که دین اسلام در کشور ما دین اصلی مردم محسوب میشود و اکثریت جامعه پیرو این دین هستند بدیهی است که آداب و رسوم و قوانین کشور برگرفته از این دین باشد هرچند گاه ممکن است در مسیر برداشت احکام از دین اسلام کوتاهی، قصور، اعمال سلیقه، مصلحت اندیشی، کج فهمی و... اتفاق افتاده باشد. به همین دلیل تمام حکومت‌هایی که بعد از اسلام در ایران به قدرت رسیده‌اند خود را مدافع و مجری احکام اسلام معرفی میکردند هرچند که در غالب موارد این ادعا صرفاً برای فریب مردم بوده است و قصد اصلی آنان حفظ و استمرار حکومت خودشان بوده است.

توجه به احکام اسلام در قانون نویسی‌های جدید نیز مورد توجه قرار گرفت هرچند چهارچوبه قوانین از کشورهای اروپایی گرفته شد ولی سعی شد مواد آن حتی المقدور با احکام اسلامی منطبق شود این تلاش بعد از پیروزی انقلاب اسلامی با جدید و دقت بیشتری ادامه یافت و حتی برخی از قوانین که قبل از اسلام بدون در نظر گرفتن احکام اسلامی تدوین شده بود مورد بازنگری قرار گرفت.

یکی از احکامی که قبل از انقلاب مورد توجه شدید مذهبیان بود به خاطر غفلت از آن انتقادات جدی به حکومت وارد میکردند «مساله حجاب» بود و حکومت وقت را به خاطر عدم توجه به حجاب و رواج بی‌حجابی مورد حمله قرار میدادند از این رو بعد از انقلاب یکی از اولین موضوعاتی که مورد توجه اندیشمندان قرار گرفت موضوع حجاب بود. گروهی از نظریه پردازان به دلیل حضور گسترده زنان در فعالیتهای اجتماعی و دست و پا گیری حجاب از همان نخستین روزهای پس از انقلاب با قانونی کردن این امر مخالف بودند و در مقابل هم گروهی به دلیل ماهیت اسلامی انقلاب و اهداف دینی آن و اینکه حجاب هم یکی از احکام اسلام است بر قانونی کردن این موضوع اصرار داشتند.

در طول چهل سالی که از انقلاب میگذرد تقابل این دو دیدگاه همیشه مطرح بوده است. برای روشن شدن موضوع ضرورت دارد که نخست نگاهی به منابع دینی داشته باشیم و ببینیم که حجاب در منابع دینی به چه صورتی مطرح شده است. از آنجا که منابع فقهی شیعی چهار منبع است پس باید حکم حجاب در این چهار منبع مورد بررسی و بازبینی قرار گیرد و جوانب و حکم فقهی آن ترسیم شود.

۲-۱- حجاب در قرآن

قرآن به عنوان کلام خداوند و مهمترین منبع احکام اسلامی در آیات متعددی به موضوع حجاب پرداخته است. نوع و نحوه توجه قرآن به این موضوع خود پیامهای مهمی به دنبال دارد؛ قرآن گاه به نوع و چگونگی رابطه بین مردان و زنان با نامحرمین میپردازد و آنان را به رعایت حدود فرامیخواند و از اعمالی که عفت و پاک دامنی شان را تهدید نماید بر حذر میدارد و دعوت به تقوا میکند و برایشان از پاک‌ی دل سخن میگوید، از اعمال و گفتار تحریک آمیز پرهیز میدهد، تصاویر آلوده جاهلی را یادآوری میکند و زشتی آنها را گوشزد میکند، گاهی هم به چگونگی و نوع پوشش اشاراتی دارد. توجه به برخی از این آیات میتواند ما را با نگاه قرآن به پوشش و حجاب بیشتر آشنا کند:

۲-۱-۱- آیه ۳۰ سوره نور

قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِكَ أَزْكَى لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ
به مردان باایمان بگو: دیده فرو نهند و پاکدامنی ورزند که این برای آنان پاکیزه‌تر است زیرا خدا به آنچه می‌کنند آگاه است.

۲-۱-۱-۲- شأن نزول

در مورد شأن نزول این آیه روایت شده است:

جوانی از انصار در مدینه با زنی روبرو شد و در آن زمان، زنان مقنعه خود را به پشت گوشه‌هایشان قرار میدادند، چهره آن زن نظر آن جوان را به خود جلب کرد و چشم خود را به او دوخت، هنگامی که آن زن گذشت، جوان همچنان آن زن را نگاه میکرد تا آنکه وارد کوچه تنگی که آن را کوچه بنی فلان میگفتند شد و باز همچنان به پشت سر خود نگاه میکرد، ناگهان صورتش به دیوار خورد و تیزی استخوان یا قطعه شیشه‌ای که در دیوار بود، صورتش را شکافت، هنگامی که زن گذشت، جوان به خود آمد و دید خون از صورتش جاری است و به لباس و سینه‌اش میریزد. جوان با خود گفت: به خدا قسم من خدمت پیامبر(ص) میروم و ماجرا را به او میگویم. در این حال جبرئیل نازل شد و این آیه را فرو آورد.^۱
روایت دیگری نیز در ذیل این آیه روایت شده است:

ام سلمه گوید: در نزد رسول خدا بودم میمونه نیز در نزد او بود ابن ام مکتوم خواست داخل شود و این بعد از فرمان حجاب بود رسول خدا گفت حجاب گیرید گفتیم یا رسول الله مگر او نابینا نیست؟ ما را نمیبیند رسول خدا گفت: آری او نابیناست آیا شما هم او را نمیبینید؟^۲

۲-۱-۱-۲- برخی از نکات تفسیری این آیه

۱. مخاطب این آیه مومنان قرار گرفته‌اند و این میتواند نشانهای بر این مطلب باشد که غض بصر از علامات ایمان است. و کسی که چنین رعایتی ندارد از دایره مومنین خارج خواهد بود.
۲. غض و غمض تفاوت ظریفی دارند: راغب در مفردات آورده است: الغض: «النقصان من الطرف و الصوت» کم کردن نگاه و صدا؛ و در مورد غمض گفته است: «و غمض عینه و أغمضها وضع احدی جفنتیه علی الاخری ثم يستعار للتغافل والتساهل» پلک‌ها را روی هم نهاد آن گاه کنایه قرار داده شده برای تغافل و تساهل.^۳

^۱ الکافی (ط - الإسلامية)، ج ۵، ص: ۵۲۱، این حدیث در منابع عامه نیز به طرق مختلف روایت شده است به عنوان نمونه بنگرید: الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور، ج ۵، ص ۴۰.

^۲ الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، ج ۳، ص: ۲۲۹

^۳ المفردات ذیل واژه.

بنابراین در این آیه قرآن نمیگوید مؤمنان باید چشمهایشان را فروبندند، بلکه میگوید: باید نگاه خود را کم و کوتاه کنند، گرچه متعلق دیدن در آیه ذکر نشده ولی با توجه به سیاق آیه که مربوط به حجاب است به خوبی روشن میشود که منظور نگاه نکردن به زنان نامحرم است. شأن نزول این آیه نیز این مطلب را تایید میکند.

۳. درباره «مِن» در «مِن أَبْصَارِهِمْ» اقوال مختلفی آمده است، برخی معتقدند «مِن» زائده است^۱ همانند گروهی هم معتقدند: «مِن» تبعیض است.^۲ گروهی نیز آن را ابتداء غایت میدانند.^۳

به نظر می رسد تبعیض از میان تفاسیر دیگر صحیحتر است، برای اینکه غض بصر از همه چیز واجب نیست همانا واجب از محرمات است.

۴. اینکه در مورد «أَبْصَار» کلمه «مِن» آمده ولی در فروج نیامده؟ نظر به اینکه نگهداری از فرج در تمام حالات واجب است لذا اصل در عورات عدم جواز است مگر در موارد استثنائی اما در نظر عکس است یعنی اصل در آن جواز است مگر در موارد استثنائی بدین جهت است که در مورد حفظ عورات «مِن» تبعیضیه را نیآورده ولی در مورد حفظ دید این کلمه را آورده است.^۴

۵. فرق بین عین و بصر: عین، عضو مخصوص بدن آدمی است که با به کارگیری آن رؤیت و دیدن حاصل می شود لیکن بصر همان دیدن است که از افعال روح آدمی است و در آیه مورد بحث قرآن به مؤمنین تکلیف میکند که از برخی از دیدنیهای خود، جلوگیری کنند.

۶. منظور از حفظ فروج چیست؟ فرج در لغت، به معنی شکاف میان دو چیز است مثل شکاف دیوار^۵، سپس آن را کنایه برای عورت قرار دادند. منظور از حفظ فروج، به طوری که در روایات وارد شده است پوشانیدن آن از نگاه کردن دیگران است.

در حدیثی از امام صادق (ع) آمده است: هر آیه که در قرآن سخن از حفظ فروج میگوید، منظور حفظ کردن آن از زناست جز این آیه که منظور از آن حفظ کردن از نگاه دیگران است.^۶

۷. ذَلِكَ أَزْكَى لَهُمْ: «ذَلِك» به چشم پوشی از محرمات اشاره دارد و این کار برای نفس پاکیزه تر و به پرهیزکاری نزدیکتر و از گناهان دورتر است.^۷ بنابراین حفظ دیده از مصادیق بارز پرهیزکاری محسوب میشود.

^۱ قرطبی، الجامع لاحکام القرآن، ج ۱۱، ص ۲۲۲.

^۲ ابوالفتوح رازی، روض الجنان و روح الجنان، ج ۸، ص ۲۰۵؛ زمخشری، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، ج ۳، ص ۲۲۹.

^۳ طوسی، التبیان، ج ۷، ص ۴۲۷.

^۴ مغنیه، التفسیر الکاشف، ج ۵، ص ۶۷۷؛ فخر رازی، التفسیر الکبیر، ج ۷، ص ۲۵۹؛ زمخشری، الکشاف، ج ۳، ص ۲۲۹.

^۵ راغب اصفهانی، مفردات الفاظ قرآن، ص ۳۸۸.

^۶ حویزی، تفسیر نورالثقلین، ج ۳، ص ۵۸۸.

^۷ مغنیه، التفسیر الکاشف، ج ۵، ص ۴۱۴.

۲-۱-۲- آیه ۳۱ سوره نور

وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَعْضُنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ آبَائِهِنَّ أَوْ آبَائِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي أَخَوَاتِهِنَّ أَوْ نِسَائِهِنَّ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُنَّ أَوِ التَّابِعِينَ غَيْرِ أُولَى الْأَرْبَةِ مِنَ الرِّجَالِ أَوِ الطِّفْلِ الَّذِينَ لَمْ يَظْهَرُوا عَلَىٰ عَوَاتِ النِّسَاءِ وَلَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنَ زِينَتِهِنَّ وَتَوْبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعًا أَيُّهُ الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ

و به زنان باایمان بگو دیدگان خود را از هر نامحرمی^۱ فرو بندند و پاکدامنی ورزند، زیورهای خود را آشکار نگردانند مگر آنچه که طبعاً از آن پیداست و باید روسری خود را بر سینه خویش افروا^۲ اندازند و زیورهایشان را جز برای شوهرانشان یا پدرانشان یا پدران شوهرانشان یا پسرانشان یا پسران شوهرانشان یا برادرانشان یا پسران برادرانشان یا پسران خواهرانشان یا زنان^۳ همکیش^۴ خود یا کنیزانشان یا خدمتکاران مرد که از زن^۵ بی - نیازند یا کودکانی که بر عورت‌های زنان وقوف حاصل نکرده‌اند آشکار نکنند و پاهای خود را^۶ آبه گونه‌ای به زمین^۷ نکوبند تا آنچه از زینتشان نهفته می‌دارند معلوم گردد ای مؤمنان همگی از مرد و زن^۸ به درگاه خدا توبه کنید امید که رستگار شوید.

۲-۱-۲- برخی از نکات تفسیری این آیه

۱. وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا: در این فراز بعد از تکلیف بانوان به نگاه نکردن به مردان نامحرم و حفظ عورت‌هایشان از نگاه آنان، به آنها دستور میدهد که زینت‌هایشان را که نوعاً از دیده‌ها پنهان است آشکار نکنند و در معرض دید نامحرمان قرار ندهند مگر آنها که خود به خود آشکارند و مستور نگاه داشتن آنها موجب زحمت است.

همانطور که میدانیم زینت به اسباب و عوامل زیبایی گفته میشود از این رو زینت در این آیه را دو نوع میتوان تفسیر کرد نخست زیبایی‌های ذاتی خود شخص مواردی چون موی قشنگ، چهرهی زیبا، چشمان دلربا، اندام متناسب، گردن بلورین و... و دیگر زیباییهای آرایشی و پیرایشی مانند آرایش چشم، لباس، خضاب، انگشتری، النگو، جواهرآلات و... حال در این آیه کدامیک از این دو مراد است؟ به عبارت دیگر خداوند دستور به پوشاندن کدام نوع زینت داده است؟ در این مورد نظرات مختلفی ارایه شده است:

برخی از مفسران مانند فخر رازی معتقد به عمومیت زینت هستند^۱ و برخی دیگر مانند زمخشری آن را مخصوص امور عارضی میدانند. زمخشری در مورد کلمه زینت که در این آیه آمده میگوید: زینت، چیزی است که زن به وسیله آن خود را آرایش میکند مانند طلا یا سرمه یا خضاب که طبق نص آیه آشکار کردن آنها برای بیگانه بلا مانع است و زینت باطنی مانند دستبند، پایبند، بازوبند، گردنبند، گوشواره و...

^۱ فخر رازی، التفسیر الکبیر، ج ۶، ص ۲۶۲.

که زن حق ندارد این نوع زینتها را جز برای گروه‌ها و محارم یاد شده در آیه آشکار نماید. سپس اضافه میکند: اینکه در آیه حکم حرمت آشکار کردن زینت باطنی آمده نه مواضع آن، برای مبالغه در مصون نگهداشتن و پوشاندن آن قسمت‌ها ی از بدن است زیرا وقتی که آشکار کردن این زینتها که در مواضعی از بدن قرار دارند جائز نباشد، آشکار کردن خود آن مواضع، به طریق اولی جائز نخواهد بود.^۱ این گروه زینت را بر معنای حقیقی آن حمل نموده اند. لیکن برخی دیگر از مفسران زینت را در آیه به مواضع زینت از قبیل ذراع، ساق، بازو، گردن، گوش و... تفسیر کرده اند.^۲

گرچه سه نظر فوق ظاهراً با هم متفاوت هستند ولی ثمره عملی هر سه نظریه یکسان خواهد بود به این معنی که چه زینت را به معنای حقیقی آن حمل کنیم و یا آن را بر مواضع زینت حمل نمائیم پوشاندن اندام‌ها و محل‌هایی که زینت بر آنها تعلق گرفته الزامی خواهد بود به عنوان مثال شایع‌ترین مکان آرایش شده خانم‌ها معمولاً زینت چشمی است بنابراین این آیه طبق هر سه نظریه دستور به پوشاندن چشم را میدهد و طبق این آیه استفاده از پوشیه و روبنده الزامی خواهد بود و اگر مجوزهای موجود در برخی از روایات نبود فقهاء عظام به موجب این آیه فتوی به وجوب روبنده میدادند همچنانکه برخی از فقهاء در طول تاریخ نیز چنین فتاویی داده‌اند.

۲. وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ: «يَضْرِبْنَ» یعنی بیندازند^۳ «خُمُر» جمع خمار، یعنی آنچه سر را بپوشاند.^۴ (جُيُوب) جمع جیب، یعنی یقه پیراهن و در آیه مراد، سینه است.^۵

این فراز از آیه چگونگی پوشاندن برخی از مواضع زینت مانند موی سر، گوشه‌ها، سینه و گردن را تعلیم میدهد، قبلاً بیان شد که رسم زنان دوران جاهلی چنین بود که روسریهای خود را به پشت گوشه‌هایشان میافکندند و در نتیجه مو و گوشه‌ها و سینه و گردن آنان آشکار میشد، این بخش از آیه این رسم جاهلی را محکوم میکند و تعلیم میدهد که روسریها باید بر روی گریبان افکنده شود تا مواضع یاد شده مستور بماند.^۶ و اگر این فراز از آیه نمی‌آمد ممکن بود این توهم پیش آید که آشکار کردن مواضع یاد شده از زینت ظاهره است و بلا مانع است از اینرو این قسمت از آیه هم تعلیم چگونگی ستر بعضی از مواضع زینت باطنی است و هم دفع توهم جواز رسم جاهلی را در بر دارد.

۳. وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ آبَائِهِنَّ أَوْ أَبْنَائِهِنَّ أَوْ إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي أَخْوَانِهِنَّ أَوْ نِسَائِهِنَّ أَوْ... خداوند بعد از الزام بر پوشاندن با این فراز مواردی را که این الزام

^۱ زمخشری، الکشاف، ج ۳، ص ۲۳۰.

^۲ مغنیه، التفسیر الکشاف، ص ۴۱۵ و عتیق نیشابوری، تفسیر سوراآبادی، ج ۳، ص ۱۲۷؛ طبرسی، مجمعالبیان، ج ۱۷، ص ۱۲۷؛ طباطبائی، المیزان، ج ۱۵، ص ۸۲؛ زحیلی، التفسیر المنیر، ج ۱۸، ص ۲۱۶.

^۳ مغنیه، التفسیر الکشاف، ص ۶۷۸.

^۴ راغب اصفهانی، مفردات الفاظ قرآن، ص ۱۶۰؛ فخر رازی، التفسیر الکبیر، ص ۲۶۲؛ زحیلی، التفسیر المنیر، ج ۱۸، ص ۲۲۶؛ شیخ طوسی، التبیان، ص ۴۳۰.

^۵ فخر رازی، التفسیر الکبیر، ج ۶، ص ۲۶۲ و قرطبی، الجامع لاحکام القرآن، ج ۱۲، ص ۲۳۰.

^۶ مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ص ۴۴۰؛ زمخشری، الکشاف، ج ۳، ص ۲۳۱؛ فخر رازی، التفسیر الکبیر، ج ۶، ص ۲۶۲.

برداشته میشود بیان میکند. و مواردی از محارم را برمی‌شمرد که رعایت پوشش نسبت به اینها موجب عسر و حرج است همچنین مواردی را بیان میکند که در مورد آنان فلسفه حجاب و پوشش منتفی است و در حق آن‌ها جاری نیست مانند «غیر اولى الاربة» و یا اطفال غیر ممیز، که نداشتن پوشش موجب فساد نخواهد بود.

۴. یکی از مواردی که رعایت حجاب در برابر آنان ضرورت نداشت «نِسَائِهِنَّ» بود، در این که مراد از آن چه کسانی هستند اقوال مختلفی وجود دارد:

قول اول: نظر اکثر مفسران این است که منظور، زنان مسلمان و مؤمنه هستند که زنه‌ای مسلمان میتوانند زینت و بدنشان را - به جز عورت - برای آنان آشکار کنند چرا که همجنس آنها و همکیش آنها هستند و اما نسبت به زنان کافر، آشکار کردن زینت و مواضع آن جائز نیست، در برخی روایات آمده اگر زنان مسلمان پیش روی زنان نا مسلمان لخت شوند، آنان این کار را نزد شوهران خود توصیف می‌کنند.^۱

قول دوم: منظور از (نِسَائِهِنَّ) زنان همجنس آنها هستند خواه مسلمان باشند و خواه کافر.^۲
قول سوم: مؤلف روائع البیان به نقل از مودودی میگوید: مراد از (نِسَائِهِنَّ) زنانی هستند که با زنان مؤمنه از لحاظ خلیات و آداب و فرهنگ همسوئی دارند. خواه مسلمان باشند خواه ذمیه.^۳
از میان این سه قول اول او مقبولیت بیشتری دارد.

۵. درباره «مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُنَّ» نیز نظرات مختلفی وجود دارد: برخی از مفسران برای آن معنی عام قائل شده‌اند و آن را به معنی غلامان دانسته‌اند.^۴ در برابر گروهی این جمله را مخصوص کنیزان شمرده‌اند.^۵ درباره هر دو قول روایات و مرجحاتی و مویداتی وجود دارد نظر دوم در بین فقهای شیعه مشهورتر است. از آنجا که امروزه موضوع عبد و کنیز وجود خارجی ندارد از پرداختن به آن خود داری میکنیم.

۶. «التَّابِعِينَ غَيْرِ أُولَى الْأَرْبَةِ مِنَ الرَّجَالِ»: (اربة) از ماده (أرب) چنانچه راغب در مفردات آورده: به معنی شدت حاجت است که آدمی برای رفع آن چاره جویی می‌کند.^۶ در اینکه مراد از این گروه چه کسانی هستند، میان مفسرین اختلاف است: زمخشری میگوید مراد افراد طفیلی هستند که در خانه دیگران برای سیر کردن شکم خود و ارائه خدمات مختصر، زندگی می‌کنند و نیازی به اعمال غریزه جنسی ندارند.^۷

^۱ مغنیه، التفسیر الکاشف، ج ۵، ص ۴۱۸؛ قرطبی، الجامع لاحکام القرآن، ص ۲۳۳، طباطبائی، المیزان، ص ۸۲؛ طبرسی، مجمع البیان، ص ۱۲۸.

^۲ فخر رازی، التفسیر الکبیر، ص ۲۶۳.

^۳ صابونی، روائع البیان، ج ۲، ص ۱۶۳.

^۴ قرطبی، الجامع لاحکام القرآن، ج ۱۲، ص ۲۳۳؛ فخر رازی، التفسیر الکبیر، ج ۶، ص ۲۶۳.

^۵ مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ص ۴۴۱؛ مغنیه، التفسیر الکاشف، ج ۵، ص ۴۱۸؛ زمخشری، الکشاف، ج ۳، ص ۲۳۰؛ نجفی، جواهرالکلام، ج ۲۹، ص ۹۰.

^۶ راغب اصفهانی، مفردات الفاظ قرآن، ص ۱۱.

^۷ زمخشری، الکشاف، ج ۳، ص ۲۳۲.

بعضی آنها را افراد ابله میدانند چنان که در برخی روایات نیز چنین آمده است: «هو الاحمق الذی لا یأتی النساء» و یا از امام صادق علیه السلام آمده است: «الاحمق المولی علیه الذی لا یأتی النساء»^۱ برخی دیگر آنان را افرادی میدانند که به دلایل جسمانی مثل پیری، خواجهگی و یا به دلیل سبک عقلی و جنون نسبت به زنان تمایلی ندارند.^۲ در هر صورت این جمله شامل همه انواع یاد شده می شود که بودن آنها در محیط خانواده و دیدن بی حجاب زنان فتنه و فساد را در پی ندارد از این رو حجاب در برابر آنها لازم نیست.

۷. «أَوِ الطِّفْلِ الَّذِینَ لَمْ یَظْهَرُوا عَلَی عَوْرَاتِ النِّسَاءِ»: با این عبارات ضرورت حجاب در برابر اطفال نیز استثناء شده است. لفظ «الطفل» در این عبارت مفرد به کار رفته ولی «ال» موجود در آن برای بیان جنس است و شامل جنس کودکان است و هر انسانی را که عنوان طفل بر او صادق باشد را در بر میگیرد و از سوی دیگر «ال» معنی استغراق را نیز دارد و شامل همهی اطفال میشود. و تعبیر «لَمْ یَظْهَرُوا» گاهی به معنای «لَمْ یَطَّلِعُوا» به کار میرود یعنی «آگاهی ندارند» در این مفهوم مراد اطفالی هستند که از مفهوم شهوت و تلذذ جنسی چیزی نمی داند و گاهی به معنای «لَمْ یَقْدِرُوا» استفاده میشود یعنی توانایی بر اعمال غریزه جنسی ندارند.^۳ در هر دو صورت، منظور این است که آن اطفال، چون به مرحله تمییز و اعمال غریزه جنسی نرسیده اند از این رو حجاب از آنها لازم نیست.^۴

۸. «وَلَا یَضْرِبْنَ بَأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا یُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ»: در مطالب قبلی بیان شد که در زمان جاهلیت زنان خلخال میپوشیدند و برخی از زنها برای جلب توجه پاهای خود را محکم به زمین میزدند، تا خلخالهایشان تکان بخورد و صدای آنها مردان را به هیجان بیاورد. بنابراین خدا آنان را از کار نهی کرد. این فرمان اشاره به این نکته دارد که زن نباید کاری کند که شهوت را تحریک و احساسات خوابیده مردان را بیدار کند.^۵

شاید بتوان از این تعبیر استفاده کرد و هر کاری را که موجب جلب توجه مردان شود را ممنوع دانست استفاده از کفشهای صدادار و پاشنه‌های فلزی لباس هایی با رنگهای جیغ و جذاب از این جمله هستند. از سوی دیگر با توجه به این تعبیر مفهوم حجاب فراتر از پوشش بدن و زینت خواهد بود و هر عملی که جلب توجه نامحرم را به دنبال داشته باشد را نیز شامل خواهد شد.

^۱ فیض کاشانی، تفسیر صافی، ج ۲، ص ۱۶۷.

^۲ مغنیه، التفسیر الکاشف، ج ۵، ص ۴۱۸.

^۳ مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱۴، ص ۴۵۳.

^۴ صابونی، روائع البیان، ج ۲، ص ۱۴۶ و مغنیه، التفسیر الکاشف، ج ۵، ص ۴۱۸؛ قرطبی، الجامع لاحکام القرآن، ج ۱۲، ص ۲۳۶؛ طبرسی، مجمع البیان، ص ۱۲۹؛ طباطبائی، المیزان، ج ۱۵، ص ۸۲.

^۵ قرطبی، الجامع لاحکام القرآن، ج ۱۲، ص ۲۳۷؛ مغنیه، التفسیر الکاشف، ج ۵، ص ۴۱۸، مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱۴، ص ۴۵۴؛ زمخشری، الکشاف، ج ۳، ص ۲۳۳.

۹. «تُوبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعًا أَيُّهَ الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ»: در این فراز خداوند بر مطالب قبلی تاکید میکند و از کسانی که به هر دلیل در این مورد غفلت داشته‌اند می‌خواهد که توبه کنند. از آنجا که توبه به عنوان پشیمانی از ترمرد در برابر فرامین الهی است و هرگونه ترمرد نیز گناه محسوب میشود میتوان گفت که بی توجهی به پوششی که خداوند درخواست کرده گناه بزرگی است که باید از آن توبه کرد و در ادامه تعبیر «لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» به کار میرود که کمی نگران کننده است به این صورت که اگر هم از این گناه توبه کنید باز خداوند تضمین قطعی بر پذیرش توبه و رستگاری توبه کنندگان در این مورد نمیدهد و با تعبیر «لعل» و «شاید» و «امید است» از رستگاری آنان یاد میکند.

۲-۱-۳- آیه ۵۹ سوره احزاب

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِأَزْوَاجِكَ وَ بَنَاتِكَ وَ نِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَى أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ وَ كَانَ اللَّهُ غَفُوراً رَحِيماً.

ای پیامبر به زنان و دختران و به زنان مؤمنان بگو پوششهای خود را بر خود فروتر گیرند این برای آنکه شناخته شوند و مورد آزار قرار نگیرند [به احتیاط] نزدیکتر است و خدا آمرزنده مهربان است.

۲-۱-۳- شأن نزول

درباره شأن نزول این آیه روایات مختلفی وجود دارد:

۱. زنان آزاد و کنیز، شب هنگام برای دستشویی به گودالها و بین درختان خرما می‌رفتند و فرقی بین زنان آزاد و کنیز نبود. در مدینه فاسقانی بودند که به آزار و اذیت کنیزکان می‌پرداختند و چه بسا زنان آزاد را نیز آزار می‌دادند. هنگامی که به آنان گفته شد: این زن آزاد بوده و چرا با او به ناشایست برخورد کرده اید، میگفتند: گمان کردیم که کنیز است. از این روی به زنان آزاد دستور داده شد: پوشش و شکل لباس خود را تغییر دهند که از کنیزکان باز شناخته شوند و با حشمت و ابهت جلوه کنند تا کسی بر آنان طمع نرزد.^۱

۲. همچنین گفته شده، سبب نزول آیه این بود که: زنان برای گزاردن نماز، پشت سر رسول خدا(ص) از منزل خارج می‌شدند و شب هنگام که برای گزاردن نماز مغرب و عشاء و صبح، به سوی مسجد روان می‌شدند، جوانان بر سر راه آنان می‌نشستند و به آزار و اذیت زنان نماز گزار می‌پرداختند. در این هنگام این آیه شریفه را نازل شد.^۲

^۱ آلوسی، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، ج ۱۲، ص ۱۲۷؛ سیوطی، الدر المنثور، ج ۵، ص ۲۲۱.

^۲ بحرانی، الحدائق الناضرة فی احکام العترة الطاهرة، ج ۳، ص ۳۳۹.

۳. همچنین گفته شده زنان پیامبر(ص) شب هنگام برای برآوردن نیازهای خود از منزل خارج می شدند، گروهی از منافقان به آزار و اذیت آنان می پرداختند. به منافقان اعتراض شد، آنان جواب دادند: ما تنها متعرض کنیزکان می شویم. آن گاه این آیه نازل شد.^۱

بر اساس شأن نزولهای مطرح شده میتوان گفت که مبنای اصلی این آیه برای تبیین فلسفه حجاب ایجاد تمایز و شناخته شدن بین زنان آزاد و کنیزان است و در ماجرای سوم تمیز بین زنان و دختران رسول خدا با سایر زنان است هر دو نکته میتواند بیان تبعیض شمرده شود و این با روح عدالت اجتماعی اسلام ناسازگار است. در حالی که حجاب برای زدودن مفاصل اجتماعی و ایجاد امنیت برای تمام زنان است نه فقط طبقه خاصی از زنان یا خانواده خاص.

در نقد و بررسی روایت اول می توان گفت: این روایت از کلبی نقل شده است، کلبی متوفای سال ۱۴۶ قمری است و خود شخصا زمان پیامبر را درک نکرده است؛ از این رو روایاتش یا مرسل است و یا داستانهای خود ساخته چرا که او سندی برای کلماتش ذکر نمی کند و حتی سند را به کسانی که در زمان نزول آیه وجود داشته اند متصل نکرده است که حداقل اعتبار را دارا باشد، محدث قمی در الکنی و الالقاب وی را از مفسرین به رأی معرفی می کند^۲ و شیخ طوسی در تبیان تفسیر وی را شخص بی اعتبار میداند.^۳ علاوه بر ضعف سند که در این روایات وجود دارد، اشکالات محتوایی دیگری نیز وجود دارد که عمدترین آن تبعیض و تمایز بین زن آزاد و کنیز در علّت و فلسفه حجاب است؛ به برخی از این اشکالات محتوایی را مرور میکنیم:

۱. اشکال اول: اسلام مخالف هر نوع از فسق و فجور است در هر کجا و از سوی هر کس که باشد از این رو خواه فسق، زنا، و مقدمات آن بر یک زن آزاد پیاده شود یا بر کنیز، مذموم و ناپسند است و لذا کسی که مرتکب این عمل شود، زانی محسوب شده و مجازات میشود و در اصل عقوبت بین آزاد و کنیز هیچ تفاوتی نیست. و هرگز معنی ندارد که گفته شود فسّاق آزادند برای کنیزان تا هر بلایی که میخواهند بر سر آنها بیاورند ولی برای زنان آزاد نیستند؛ همچنین اسلام درصدد قلع و قمع کردن و کندن ریشه های جاهلیت از نظر فحشاء و منکرات است در هر کجا و از هر کسی که بوده باشد؛ چه در دستورات وجوبی و چه در دستورات مستحب و این نوع سخنان که شبیه ترین چیزها به هوسبازی و ترویج فحشاء و منکرات است با دوره های جاهلیت متناسب است نه با دوره های اسلامی.

۲. اشکال دوم: هرگز قابل پذیرش نیست که فسّاق اگر بتوانند زنان آزاد را از کنیزان تشخیص بدهند دست از زنان آزاد برخواهند داشت، مگر آنچه عامل تحریک فسّاق به دست درازی به سوی زنان میشود فرقی در زنان آزاد و کنیز دارد آیا زنان آزاد مهیج تر کنیزان هستند؟ آیا جاذبه جنسی زنان آزاد با کنیزان متفاوت است؟ چگونه ممکن است فسّاق تمایلات جنسی خود را تنها متوجه کنیزان کنند؟ مگر شهوات

^۱ سیوطی، الدر المنثور، ج ۵، ص ۲۲۱.

^۲ محدث قمی، الکنی و الالقاب، ج ۳، ص ۱۱۷.

^۳ طوسی، التبیان، ج ۱، ص ۶.

افراد تابع حریت و مملوکیّت، آزادی و بردگی است؟ شهوت برانگیزنده آن چیزهای دیگری است که در آن تفاوتی بین آزاد و کنیز نیست. بنابراین هرگز ممکن نیست قرآن از این حقیقت غافل باشد و هرگز نمیتوان آیات قرآن کریم را حمل بر معانی غیر عقلانی نمود.

۳. اشکال سوم: تعبیراتی که در آیات حجاب در سوره احزاب و نور آمده دیده میشود به شکلی است که همه مؤمنان را در بر میگیرد و در هیچیک تعبیر «حرّه» و «آمه» (آزاد و کنیز) دیده نمیشود و حکم به یکی از این دو تخصیص داده نشده است و این [اطلاق و عمومیت در احکام و عدم تخصیص] مناسب با شخصیت قرآن و رسالت جهانی اسلام است.

۴. اشکال چهارم: در دو سوره احزاب و نور و آیات مربوط به حجاب چند تعبیر وجود دارد که همه این تعبیرات یک هدف اصلی را دنبال میکنند، و آن هدف چنانکه قبلاً اشاره کردیم قلع و قمع فساد و از بین بردن بی بندو باریهای دوره جاهلیت است تا از این طریق مفساد جاهلانه را از دلها و جامعه ریشه کن کند. در همین راستا در سوره احزاب درباره حجاب زنان پیغمبر اکرم صلی الله علیه و اله وسلم و برخورد اصحاب با آنان میخوانیم: «ذَلِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَ قُلُوبِهِنَّ»^۱؛ یعنی: اگر چیزی از آنان میخواستید، از پشت حجاب طلب کنید که موجب این میشود که هم قلوب شما و هم قلوب زنها از پلیدیهای دل و وسواس شیطانی و آلودگیهایی که بر دل عارض میشود، پاکتر بماند. در آیه مورد بحث نیز میفرماید: «ذَلِكَ أَذْنَىٰ أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ»^۲ یعنی: اگر همسران رسول خدا جلّ باب خود را محکمتر بگیرند کمترین حالت ممکن برای شناخته شدن است تا اینکه به این بیان که حجاب، برای آن است که آنها کمتر شناخته شوند تا مورد اذیت قرار نگیرند؛ طبعاً اگر کمتر شناخته شوند، دل کمتر آلوده میشود و کمتر تصمیمات آلوده گرفته می شود؛ زیرا آن تصمیمات آلوده سببش آلودگی دل است و میدانیم به دنبال تصمیمات آلوده، اعمال کثیف و زشت بروز خواهد آمد کرد. این همان نکتهی مهمی است که در سوره نور نیز به آن اشاره شده بود «ذَلِكَ أَزْكَىٰ لَهُمْ»^۳. به این معنی که «غض بصر» و «حفظ فروج» که در آن آیه به مؤمنین دستور داده شده بود اسباب پاکی بیشتری برای آنان میشود از اینجا میتوان نتیجه گرفت که در همه آیات مربوط به حجاب یک هدف دنبال می شود و آن، پاکی مؤمنین از آلودگیهای درونی دل است و قرآن این نکته را به عنوان راز دستور حجاب قرار داده است، نه اینکه بخواهد تمایزی بین زنان آزاد و کنیزان قرار دهد زیرا که در این جهت هیچ فرقی میان زنان آزاد و کنیز نیست.

^۱ الاحزاب: ۵۳.

^۲ الاحزاب: ۵۹.

^۳ النور: ۳۰.

۵. اشکال پنجم: بسیاری از آیات قرآن کریم و روایات رسیده از معصومین علیهم السلام و نیز سیره و رفتار عملی پیامبر اکرم (ص) بیانگر نهایت شفقت و مهربانی نسبت به بردگان و نیز نهایت حمایت و جانبداری از آنان و رعایت و حفظ حقوق آنها است. البته توضیح علت پذیرش برده داری از سوی اسلام نکات مهمی را در بر میگیرد که از حوصله این نوشتار خارج است.

۲-۳-۱-۲- نکات تفسیری آیه

۱. «يُدْنِينَ عَلِيَهُنَّ مِنْ جَلَابِيِبِهِنَّ»: «يُدْنِينَ» از اِدْنَاء به معنی نزدیک کردن است، قطعاً معنای لغوی آن، در اینجا منظور نیست بلکه منظور از آن، این است که زن، به گونهای جلباب را به خو بگیرد که جایی از سر و گردن و بدنش دیده نشود. ^۱ همچنین «مِنْ» در این عبارت برای تبعیض است. ^۲ یعنی قسمتهای مختلف جلباب را بگیرد و معنای جلباب و تفاسیر مختلف آن را هم در بخشهای قبلی بیان کردیم.

بنابراین از تعبیر فوق و جوب پوشاندن سر و سینه و امثال اینها را میتوان برداشت نمود اما استنباط و جوب پوشاندن صورت و دستان از این تعبیر - چنان که بعضیها استفاده کردند، ^۳ - کمی مشکل است. زیرا همچنانکه در آیه ۳۱ سوره نور دیدیم تعبیر «أَلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا» وجود داشت اگر این تعبیر را به منزله تخصیص بدانیم دست و صورت از مواردی است که معمولاً آشکار است و پوشاندن آنها موجب عسر و حرج خواهد بود پس ضرورتی بر پوشش آنها نیست البته این در صورتی است که در دست و صورت زینت و آرایشی استعمال نشده باشد، بدیهی است که با توجه با آیه ۳۱ سوره نور که دستور پوشاندن زینت ها را داده است اگر در دست و صورت زینت و آرایشی به کار رفته باشد لازم است پوشانده شوند.

۲. «ذَلِكَ أَدْنَىٰ أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذِينَ»: «ذَلِكَ» اشاره به عمل ادناء و نزدیک کردن قسمتهای جلباب و ستر بدن زنان است. ^۴ همچنین در تفسیر «أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذِينَ» گفته شده است: با توجه به اینکه در آن زمان معمول بوده است که کنیزان بدون پوشیدن سر و گردن از منزل بیرون میآمدند، و از آنجا که از برخی از افراد جامعه از نظر اخلاقی وضع خوبی نداشتند گاهی بعضی از جوانان هرزه مزاحم آنها میشدند، در اینجا به زنان آزاد مسلمان دستور داده شد که حجاب اسلامی را کاملاً رعایت کنند تا از کنیزکان شناخته شوند و بهانههای برای مزاحمت به دست هرزهگان ندهند. ^۵

البته در این مورد تفاسیر دیگری نیز وجود دارد برخی گفته‌اند مراد از «أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذِينَ» این است که این نزدیکتر است که شناخته شوند به ستر و صلاح تا مورد اذیت قرار نگیرند. ^۶

^۱ زحیلی، التفسیر المنیر، ج ۲۲، ص ۱۰۶.

^۲ فیض کاشانی، تفسیر صافی، ج ۲، ص ۳۶۶.

^۳ مغنیه، التفسیر الکاشف، ج ۶، ص ۳۹۴.

^۴ زحیلی، التفسیر المنیر، ج ۲۲، ص ۱۰۸.

^۵ زحیلی، التفسیر المنیر، ج ۲۲، ص ۱۰۸؛ طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۸، ص ۱۸۱.

^۶ به نقل طبرسی، مجمعالبیان، ج ۸، ص ۱۸۱.

۳. وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا: با اضافه شدن این فراز در آخر آیه، شاید بتوان گفت: خداوند با این تعبیر به زنان با ایمانی که قبل از نزول این آیه رعایت حجاب نمیکردند امیدواری میدهد که آنها را مورد رحمت و غفران خود قرار خواهد داد.

۲-۱-۴- آیه ۵۳ سوره احزاب

وَإِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَسَأَلُوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ ذَلِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَقُلُوبِهِنَّ
و چون از زنان [پیامبر] چیزی خواستید از پشت پرده از آنان بخواهید این برای پاک‌ی دل‌های شما و آنها بهتر است.

۲-۱-۴- برخی از نکات تفسیری این آیه

۱. گرچه این آیه به سبب ذکر واژه «حجاب» در آن به «آیه حجاب» معروف شده است اما کلمه حجاب در آن به معنی مصطلح حجاب و پوشش زنان نیست بلکه به معنی پرده و مانع است و مخاطب آن ایمان آوردگان و اصحاب پیامبر هستند و نحوه ملاقات آنان را با زنان پیامبر بیان میکند.

۲. یکی از بحث‌های مهم پیرامون این آیه این است که آیه اختصاص به همسران پیامبر دارد یا شامل همه زنان میشود؟ به عبارت دیگر آیا باید تمام ملاقات‌های مردان و زنان نامحرم از پشت پرده باشد یا اینکه ضرورت وجود پرده اختصاص به زنان پیامبر داشت؟

اگر این حکم را یک حکم عمومی بدانیم و شامل همه زنان جامعه شود این به معنی حذف زنان از سطح جامعه و از فعالیت‌ها اجتماعی خواهد بود و زنان ملزم به پرده نشنی میشود در حالی که چنین وضعیتی قطعاً موجب عسر و حرج برای تمام افراد جامعه و مخصوصاً زنان خواهد بود و میدانیم که عسر و حرج هم در احکام اسلامی منتفی است. «بنا بر این اسلام به زنان مسلمان دستور پرده‌نشینی نداده، آنچه در باره زن مسلمان لازم است داشتن همان پوشش اسلامی است، ولی زنان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به خاطر وجود دشمنان فراوان و عیب‌جویان مغرض چون ممکن بود در معرض تهمت‌ها قرار گیرند و دستاویزی به دست سیاه‌دلان بیفتد این دستور خاص به آنها داده شد و یا به تعبیر دیگر به مردم داده شده که به هنگام تقاضای چیزی از آنها با آنها از پشت پرده تقاضای خود را مطرح کنند.»^۱

۳. شاید بتوان در این آیه برای تعبیر «حجاب» مفهوم مجازی قائل شد، به این صورت که مراد از وجود حجاب و پرده وجود جسم خارجی نیست بلکه توجه و رعایت محدوده و شئون ارتباط با زنان است همان چیزی که عرفاً رعایت حریم و حرمت گفته میشود حجاب به این معنی، هم مفهوم رعایت پوشش فقهی، و هم مفهوم رعایت ادب و احترام متقابل را در بر میگیرد. اگر این معنی را بگیریم دیگر ضرورتی ندارد که

^۱ تفسیر نمونه، ج ۱۷، ص: ۴۰۳.

آیه را اختصاصی همسران پیامبر بدانیم و یک حکم کلی و عمومی در سطح جامعه محسوب میشود و بسیار هم منطقی خواهد بود. ادامه آیه هم میتواند مؤیدی بر این معنی باشد. «ذَلِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَ قُلُوبِهِنَّ» رعایت حجاب به معنایی که گفته شد و شامل پوشش فقهی و رعایت حرمت و احترام برای پاکی دل هر دو طرف؛ زنان و مردان است و کاملاً هم نکته منطقی است.

۲-۱-۵- آیه ۶۰ سوره نور

وَ الْقَوَاعِدُ مِنَ النِّسَاءِ اللَّاتِي لَا يَرْجُونَ نِكَاحاً فَلَيْسَ عَلَيْهِنَّ جُنَاحٌ أَنْ يَضَعْنَ ثِيَابَهُنَّ غَيْرَ مُتَبَرِّجَاتٍ بِزِينَةٍ وَأَنْ يَسْتَعْفِفْنَ خَيْرٌ لَهُنَّ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ

و زنان از کارافتاده ای که امید به ازدواج ندارند، گناهی بر آنان نیست که لباس‌های (رویین) خود را بر زمین بگذارند، به شرط این که در برابر مردم خودآرایی نکنند؛ و اگر خود را بپوشانند برای آنان بهتر است؛ و خداوند شنوا و داناست.

۲-۱-۵-۱- مروری کوتاه بر تفسیر این آیه

مراد از «القواعد» کسانی هستند که به دلیل سالخوردگی تحرک لازم را نداشته و غالباً در جای خود نشست‌هاند، و به تعبیر فارسی «زمینگیر» شده‌اند. این آیه به منزله استثناء بر حکم حجاب محسوب میشود به این صورت که زنان پیر و سالخورده را از این حکم مستثنی می‌شمرد و در معرفی این افراد می‌گوید: «زنانی که امیدی به ازدواج ندارند» البته در نگاه نخست شاید به نظر برسد که عنوان «امید ازدواج نداشتن» مجمل است چرا که ممکن است به دلیل شرایط خاص اجتماعی و خانوادگی زنی علی‌رغم اینکه در سنین جوانی است امید به ازدواج نداشته باشد. اما با توجه به مفهوم «القواعد من النساء» این اشکال برطرف خواهد شد و منظور زنانی خواهند بود که به دلیل پیری و کهنسالی دیگر امید ازدواج ندارد، یا به عبارت دیگر میتوان گفت: این افراد دیگر جدابیت جنسی به عنوان یک زن را ندارند و مهیج نیستند. این استثناء دو شرط دارد:

نخست تحقق عنوان: یعنی وصف پیری و سالخوردگی و امید ازدواج نداشتن.

دوم: «غَيْرَ مُتَبَرِّجَاتٍ» بدون اینکه چنین زنانی قصد تبرج داشته باشند.

در این آیه با تحقق دو شرط فوق اجازه کاهش حجاب و پوشش داده شده است و کنار نهادن قسمتی از پوشش برایشان مجاز شمرده شده است. در ادامه آیه به نکته مهمی اشاره میکند: «وَأَنْ يَسْتَعْفِفْنَ خَيْرٌ لَهُنَّ» یعنی علی‌رغم اینکه چنین جوازی صادر شده است ولی باز بهتر است که عفت پیشه کنند و حجاب کامل داشته باشند و از کاستن حجاب خود داری کنند. و این میتواند به خاطر آن باشد که از نظر اسلام هر قدر زن جانب عفاف و حجاب را رعایت کند پسندیده‌تر و به تقوا و پاکی نزدیکتر است.

در پایان آیه به عبارت «وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ» برمیخوریم. چرا خداوند در اینجا شنوا و دانا خود را یادآوری میکند؟ بالا رفتن سن و زمینگیر شدن به معنی نابودی کامل تمایلات جنسی نیست شاید بتوان گفت: از

آنجا که ممکن است بعضی از زنان سالخورده از این آزادی و جواز سوء استفاده کنند، و با مردان به گفتگوهای نامناسب بپردازند و سعی در فریب و دلربایی داشته باشند در آخر آیه خداوند به عنوان یک اخطار یادآوری می‌فرماید: که «خداوند شنوا و دانا است» و به آنچه می‌گویید و می‌شنوید و در دل دارید و یا در اندیشه می‌پرورانید، علم دارد.

۲-۱-۵-۲- معنی تبرج

برای روشن شدن احکام و جایگاه حجاب در قرآن باید مفهوم تبرج نیز روشن شود این کلمه و مشتقات آن در آیات مربوط به حجاب در دو آیه و سه مورد به کار رفته است.

لغت پژه معروف خلیل بن احمد فراهیدی در این باره می‌گوید: «هنگامی که زن زیبایی گردن و صورت خویش را آشکار سازد گفته می‌شود «تَبَرَّجَتْ» که همراه آن زیبایی نگاه در چشمان او نیز دیده می‌شود.»^۱ ابن درید نیز می‌گوید: گفته می‌شود «تبرجت المرأة» زمانی که زیباییهای خویش را آشکار کند.^۲ جوهری نیز آورده است «و التبرج آشکار کردن زن است زیباییهای خود را برای مردان»^۳ ابن فارس مینویسد: «آشکار کردن زیباییهای زن توسط اوست»^۴. راغب اصفهانی نیز آورده است: «تبرجت المرأة، یعنی در آشکار ساختن زیبایی، خود را به آن ستارگان شباهت رسانید. و گفته شده: تبرجت به معنای این است که زن از برج، یعنی قصر خویش ظاهر شده است.»^۵

لغت شناسان فارسی زبان نیز عبارتی نزدیک به این مفهوم درباره تبرج دارند، دهخدا نوشته است: «تبرج: تَبَرُّوْ بَرُّوْ ... خود را آراستن، تبرج زن؛ نمودن زینت خود مردان را، نشان دادن زینت و محاسن خود مردان را»^۶ (دهخدا)

در جمع بندی سخنان اهل لغت می‌توان گرفت: تبرج جلوه گری زنان و به رخ کشیدن و آشکار کردن زینت‌ها و جذابیت‌های زنانه و دلربایی از مردان است، راه رفتن با ناز و عشوه و تبختر، پوشیدن لباس‌های نازک یا چسبان و رنگهای جیغ و محرک، و... روشن است که چنین رفتاری در زمینه سازی فساد اجتماعی و تحریک شهوانی مردان و لرزاندن دل افراد و ایجاد لغزش و سقوط در ورطه گناه می‌تواند بسیار اثر گذار باشد. بنابراین وقتی خداوند زنان را از چنین رفتاری نهی میکند در واقع از مفسده انگیز بودن این کار خبر میدهد.

^۱ العین: ۱۴۶/۱.

^۲ ابن درید، کتاب جمهره اللغة ج ۱، ص ۲۶۵.

^۳ الصحاح اللغة: ۲۹۹/۱.

^۴ معجم مقاییس اللغة ج ۱، ص ۲۳۸.

^۵ راغب اصفهانی، مفردات الفاظ القرآن، ص ۴۱.

^۶ لغت نامه دهخدا مدخل تبرج.

گرچه نهی از تبرج در کنار دعوت به حجاب مطرح میشود ولی میتوان گفت که تبرج عنوان مستقلی از حجاب هست به این معنی که گاه ممکن است تبرج با حفظ پوشش هم انجام شود به این صورت که زنی هیچ قسمت از بدن خود را نمایان نکند ولی پوشش و زینتی داشته باشد یا رفتاری انجام دهد که آن لباس و زیورآلات و یا آن رفتار تبرج محسوب شود.

۲-۱-۶- آیه ۳۲ و ۳۳ سوره احزاب

یا نِسَاءَ النَّبِيِّ لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِنَ النِّسَاءِ إِنِ اتَّقَيْتُنَّ فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَعْرُوفًا^۱ وَ قُرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى
ای همسران پیامبر، شما همچون یکی از زنان معمولی نیستید اگر سرِ پروا دارید پس به ناز سخن مگویید تا آنکه در دلش بیماری است طمع ورزد و گفتاری شایسته گویند. و در خانه‌هایتان قرار گیرید و مانند روزگار جاهلیتِ قدیم زینتهای خود را آشکار مکنید.

۲-۱-۶- مروری بر تفسیر این آیات

این آیه گرچه مستقیماً بر نحوه پوشش و حجاب دلالتی ندارد ولی چگونگی برخورد و رویارویی مردان و زنان را با یکدیگر تبیین میکند و در اینباره نکاتی را تذکر میدهد و رعایت نکات مطرح شده را لازمه تقوا پیشگی بر می‌شمرد.

مخاطب آیه در درجه اول همسران پیامبر هستند و انتساب آنان به پیامبر حساسیت و توجه اجتماعی بالایی را به سوی خود جلب میکند و اعمال آنان زیر ذره بین نگاه مردم است از این رو شایسته است که نظارت بیشتری بر اعمال و رفتار خود در سطح جامعه داشته باشند و یکی از این موارد توجه به نحوه برخورد آنان با مردان نامحرم است. از آنجا که خداوند در مورد آنان هیچ اغمازی نداشته و محدودیتهایی را بیان میکند به طریق اولی این موارد در مورد سایر زنان نیز باید رعایت شود همچنین با توجه به قانون اشتراک در تکلیف نیز میتوان گفت گرچه همسران پیامبر مخاطب در این آیه هستند، ولی این حکم شامل تمامی زنان است. از سوی دیگر در جایی که زنان پیامبر که معمولاً زنان پیر و سالخورده بودند و زندگی ساده‌ای داشتند چنین مورد هشدار و عتاب قرار می‌گیرند و از آنان خواسته میشود که هرگز با کرشمه و ناز سخن نگویند، زنان جوان و زیبا باید احتیاط بیشتری به خرج دهند.

«لَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ»: سخن را نازک نکنید و به گونه هوس‌انگیز و با ادا و اطوار با مردان صحبت نکنید بلکه کاملاً به طور معمولی و مناسب و سنگین و شایسته سخن بگویید.

«فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ» چنین سخن گفتن زنان باعث طمع افراد مریض خواهد شد. روشن است که مراد از طمع، طمع به فساد است. و مراد از مرض آلودگی‌های روحی و معنوی و تمایل به گناه که ممکن است با درجاتی در همه افراد وجود داشته باشد. در جایی که امکان طمع درباره همسران پیامبر وجود دارد بدیهی است که جسارت درباره سایر زنان امکان بروز بیشتری پیدا میکند.

«طمع» معمولاً به تمایلات بیش از حد و افزون طلبی و درخواستهای غیر مجاز اطلاق میشود و این کلمه حاوی بار منفی است و در واقع با این کلمه خداوند موضع خود را نسبت این افراد بیان میکند. در این آیه از نگاه ناپاک و هوس آلود افراد تعبیر به «مرض» شده است، که این تعبیر نکته ظریفی میتواند باشد و نشانگر این است که افرادی که چنین تمایلاتی دارند و در جامعه به چشم چرانی و هوس بازی نسبت به زنان دارند در واقع مریض هستند.

در این آیه تعبیر «الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ» گفته شده و «الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ...» گفته نشده است، مفرد به کار رفتن «الَّذِي» میتوان قرینهای باشد بر این که خدوند نگاه بیمار را حتی درباره یک شخص هم نمیپذیرد تا چه رسد به افراد متعدد.

گرچه افرادی که چنین تمایلات و انحرافات دارند و به تعبیر این آیه دچار بیماری روحی و معنوی هستند و مریض محسوب میشوند، در عین حال نباید آتش شهوت آنان را با سخنان نازنین و هوسانگیر شعله ور ساخت، در این آیه زنان از ایجاد چنین زمینه‌هایی نهی شده‌اند.

«وَقُلْنَ قَوْلًا مَعْرُوفًا» در ادامه خداوند بعد از نهی زنان از گفتار هوس انگیز، درخواست میکند که با مردان به صورت «قول معروف» سخن بگویند. مراد از قول معروف سخنان سنگین و شایسته است. از آنجا که این تعبیر در مقابل تعبیر «نازک سخن گفتن» قرار گرفته است میتوان گفت هرگونه سخن محترمانه و با وقار و متین و به دور از تحریک و وسوسه و مؤذبانه را شامل میشود.

«وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ» طبق این تعبیر خانه نشینی برای زنان یک اصل اولیه محسوب میشود و تا زمانی که ضرورتی ایجاب نکند باید در کنج خانه ها ماند اما اشکالی که مطرح میشود آن است که آیا امروزه با گسترش زمینه‌های شغلی و نیاز بیش از پیش حضور زنان در عرصه‌های اجتماعی آیا همچنان این موضوع یک اصل میتواند محسوب شود؟

باید توجه داشت که اگر کار زن در خارج از خانه با وظایف زنان و مادرانه او منافات نداشته باشد و در تربیت فرزندان و اداری امور منزل مشکلی ایجاد نشود کار او در خارج از منزل اشکال ندارد ولی در صورت بروز مشکل کار زن در خارج از منزل توجیهی ندارد فرض کنیم اگر مرد و زن هر دو خارج از منزل مشغول کار باشند و فرزند را به شیرخوارگاه، مهد کودک، یا هر مکان و شخص دیگری بسپارند، و وقتی بعد از یک روز پرکار طاقت فرسا هر دو خسته و کوفته به خانه برمیگردند به دلیل خستگی مفرط نتوانند به فرزندان خود اظهار محبت کنند و یا اشتغال آنان موجب کوتاهی در تربیت آنها شود. چه اتفاقی خواهد افتاد؟

متأسفانه برخی توصیه اسلام بر اولویت حضور زن در خانه را نوعی تحقیر او قلمداد کرده‌اند درحالی که هرگز چنین نیست در نگاه اسلام زن علی‌رغم حضور در کنج خانه مشغول جهاد است تربیت صحیح فرزند و ایجاد محیط گرم و با نشاط برای همسر و فرزندان پاداش جهاد دارد.

«تَبْرَجَ الْجَاهِلِيَّةُ الْأُولَى» قبلا درباره مفهوم تبرج سخن گفتیم و عصر جاهلیت نیز روشن است و برخی از زنان در دوره جاهلیت اقدام به تبرج میکردند در این آیه از عصر جاهلی تحت عنوان «الْجَاهِلِيَّةُ الْأُولَى» یاد شده است؛ جاهلیت اول، این تعبیر سؤالاتی به ذهن میآورد و آن اینکه آیا عصر جاهلیت دوم نیز وجود دارد؟ اگر وجود دارد این عصر در چه زمانی است؟ آیا ممکن است زمان ما جاهلیت دوم باشد؟ روشن است که مفهوم جاهلیت در نبود علم خلاصه نمیشود، گرچه دنیای امروز دنیای علم و دانش و فناوری است اما فاکتورهای عصر جاهلی را نیز در آن میتوان یافت. برای شناخت این فاکتورها میتوان نگاهی کوتاه به جاهلیت قبل از اسلام داشت. وقتی آن دوره توجه میکنیم پنج ویژگی برجسته خودنمایی میکند:

- ۱- خون ریزی، قبایل عرب با یک بهانهی بسیار کوچک خون ریزی گستردهای به راه میانداختند. کشتار و خون ریزی امروزه نیز جریان دارد حتی بسیار بیشتر و دلخراشتر از آن دوره چرا که در آن دوره تا حدودی به زنها و کودکان رحم میکردند ولی امروزه همه را می کشند
 - ۲- برهنگی و بد حجابی برخی از زنان نیز از ویژگی این دوره است که قرآن از آن به «تبرج» یاد کرده است و متأسفانه برهنگی در عصر ما از زمان جاهلیت هم بدتر و گسترده تر و کثیف تر است تا جایی که برخی از اشکال آن هرگز در آن زمان مرسوم نبوده است.
 - ۳- رواج فحشاء و وجود مراکز فساد؛ در آن دوره زنان آلودهای بودند که بر سردر خانه‌هایشان علائم و پرچم هایی نصب میکردند تا تابلویی برای کار کثیف آنان باشد و با کمال تأسف امروزه چنین مکانهایی حتی در کشورهای اسلامی به صورت علنی و قانونی وجود دارد.
 - ۴- زنده به گور کردن دختران، گرچه امروزه شاید هیچ دختری زنده به گور نشود ولی سقط جنین به صورت رسمی و غیر رسمی آمار بسیاری دارد گسترش مواد شیمیایی نابارور کننده فروان است و علی رغم دست آوردهای گسترده پزشکی آمار زوج‌های نابارور بسیار بالاست همه این موارد را میتوان در شمار قتل فرزندان به حساب آورد.
 - ۵- اعتقاد به خرافات، یکی از برجسته‌ترین ویژگی عصر جاهلیت اعتقاد به خرافات عجیب و غریب، و باورهای بی منطق است. امروزه هم علی رغم تمام رشد یافتگی بشر با خرافه‌هایی روبرو هستیم مثلاً اعتقاد و استفاده از فال قهوه که غالباً در میان زنان به اصطلاح «کلاس بالا» شایع است یا شیوه نمادها و تعالیم و افکار شیطان پرستی از آن جمله هستند.
- با دقت و تامل در این پنج ویژگی مهم و برجسته عصر جاهلی و پیجویی آن در دوره معاصر میتوان گفت که جهان معاصر نیز علی رغم تمام پیشرفتهای علمی در فرهنگ جاهلی غوطه ور است. و عصر ما جاهلیت دوم یا سوم و... است و این آیه به کار بردن کلمه «الاولی» در واقع یک پیشگویی میکند و آن اینکه عصر جاهلی در آینده قابل تکرار است و حداقل در مورد تبرج زنان که موضوع مورد بحث ماست این پیشگویی به وضوح قابل مشاهده و لمس است و تبرج‌های زنانه روز به روز گسترده‌تر و فریبنده‌تر میشود و با کمال تأسف جوامع اسلامی و مخصوصاً جامعه ما نیز رفته رفته به آن آلوده میشود و مراکز

فرهنگی عملاً دفاعی در برابر آن انجام نمیدهند.
در یک نگاه کلی به مجموع این آیات میتوان گفت مفهوم حجاب و عفاف بسیار گسترده از پوشش ظاهری است و پوشش ظاهری تنها بعد بسیار کوچکی از این حوزه است.

۲-۱-۷- ترتیب نزول آیات حجاب

یکی از مهمترین مباحث علوم قرآنی ترتیب آیات است، به عبارت دیگر آیا ترتیب فعلی آیات در داخل سوره‌ها همچنان ترتیب قرار گرفتن سوره‌ها در قرآن همان ترتیب نزولی آنان است یا خیر؟ این موضوع یک بحث بسیار گسترده‌ای است که ما قصد ورود به آن را نداریم فقط میخواهیم بدانیم که آیات حجاب به همان ترتیبی که در قرآن وجود دارند نازل شده‌اند؟ بر طبق کتب علوم قرآنی سوره احزاب قبل از سوره نور نازل شده است. به این صورت که سوره احزاب نودمین و سوره نور یکصد و سومین سوره نازل شده معرفی شده‌اند^۱ اما این بدین معنی نیست که تمام آیات سوره احزاب قبل از سوره نور نازل شده باشند با مراجعه به کتابهای علوم قرآنی میبینیم که آیه احزاب بعد از آیه نور نازل شده است.^۲ در سوره نور به زنان پارسا و مؤمن فرمان می‌دهد چشمان خود را از نگاههای ناروا فروگیرند، اندام خویش را بپوشانند، زینت و آرایش خود را به جز آنجا که ناگزیر آشکار شود، بر بیگانه آشکار نسازند، سینه و دوش خود را به مقنعه بپوشانند و... با توجه به این دستورات قرآن میتوان گفت: لباس رایج و معمول زنان آن دوره تا قبل از نزول این آیه کل بدن زن را نمی‌پوشانده است. پس این آیه در اولین مرحله به اصلاح این موضوع میپردازد و مواضعی را که به طور طبیعی پوشانده نمیشده و زینت زنان در آن آشکار است دستور به پوشاندن میدهد همچنین گویا خمار در زمان نزول این آیه لباس کاملی نبوده است از این رو با نزول آیه جلباب خداوند پوشش گسترده‌تر از خمار را بیان کرد تا به وسیله آن کل بدن زن را بپوشاند. با توجه به این نکته باید گفت سوره احزاب محدودهای فراتر از سوره نور را بیان میکند چرا که جلباب شامل خمار هم می‌شود ولی خمار شامل جلباب نمی‌شود.

^۱ معرفت، التمهید، ص ۱۰۷-۱۰۶.

^۲ سال نزول آیات ۳۴-۱ سوره نور سال ۵ هجرت است و بقیه آیات سوره نور سال ۱۰ هجرت نازل شده است. بخشی از آیات سوره احزاب مدنی هستند که در سال ۶ و ۵ هجری نازل شده‌اند که عبارتند از آیات ۳-۶، ۹-۱۶، ۴۰-۱۷، ۵۲-۴۸، ۶۲-۵۶، ۷۳-۶۹ (واحدی نیشابوری و سیوطی، شأن نزول آیات، ص ۴۵۸)

۲-۱-۸- رنگ حجاب در قرآن

ظاهر آیات حجاب در قرآن بر رنگ خاصی دلالت ندارد و صرفاً به پوشش اشاره شده است اما با دقت در برخی از این واژه‌ها خود کلمه «جلباب» است. در مفهوم این کلمه علاوه بر اندازه و نحوه پوشش رنگ نیز

وجود دارد و جلباب به پوشش سیاه رنگ گفته می‌شده است. در سنن ابی داود آمده است: وقتی آیه «يُدْنِينَ عَلَيْهِنَ مِّنْ جَلْبَابٍ» نازل شد، زنه‌ای انصار از خانه‌هایشان خارج شدند در حالی که پوشش مشکی داشتند، گویی بالای سر آنها کلاغ نشسته بود.^۱

علاوه بر این لغت پژوهان نیز هنگام بحث از ریشه جلباب تصریح کرده اند که یکی از معانی جَلَب، سیاهی است. مثلاً «جلب الیل» به معنی سیاهی شب آمده است. در بسیاری از کتابهای لغوی و تفسیری، شواهدی از شعرهای عرب نقل شده که جلب در آنها به معنی سیاهی به کار رفته است.

همچنین بسیاری از کتابهای تفسیری مثل کشف، بر این نکته توجه کرده‌اند و بعضی از شواهد شعری که جلب در آنها به معنی سیاهی به کار رفته است را نقل کرده‌اند.^۲

علاوه بر مفهوم جلباب که در آن سیاهی نهفته است یکی دیگر از دستورات این آیات نهی از تبرج و جلوه‌گری بود و حجاب به هر رنگ دیگری باشد تا حدودی تبرج و جلوه‌گری خواهد داشت تنها در صورتی که این پوشش به رنگ سیاه باشد لباس زنان تبرجی نخواهد داشت.

برخی با تمسک به روایاتی که در نهی از سیاه پوشی رسیده است بر این نکته اشکال کرده‌اند. در پاسخ به این اشکال باید گفت:

اولاً: روایاتی که از ظاهر آنها کراهت پوشش سیاه استفاده می‌شود از نظر سند ضعیف هستند. و هیچ راهی بر جبران ضعف سند آنها وجود ندارد از این رو قابل استناد نیستند. صاحب جواهر نیز به ضعف سندی روایات این باب تصریح کرده است.^۳ و وجود ضعف سند این روایات اساساً دیگر نوبت به بررسی دلالت آنها نمی‌رسد.

دوم: این روایات در بین فقهاء هرگز شهرت فتوایی نداشته‌اند و مورد عمل واقع نشده‌اند سوم: برخی برای گریز از این موضوع به «تسامح در ادله سنن» استناد کرده‌اند و آن اینکه معمولاً فقهاء در ادله مستحبات و مکروهات تسامح به خرج می‌دهند و به ضعف سندی توجه نمی‌کنند. در پاسخ باید گفت مبنای «تسامح در ادله سنن» مورد قبول همه فقهاء نیست و اصلاً منطقی هم نیست گذشته از این تسامح در ادله سنن جایی است که قرینهای خلاف آن نباشد.

^۱ ابو داود، سنن، کتاب لباس النساء، ج ۲، ص ۳۸۲.

^۲ زمخشری، الکشاف عن حقائق التنزیل و عیون الاقوال فی وجوه التأویل، ص ۲۷۴.

^۳ نجفی، جواهر الکلام، ج ۸، ص ۲۳۳.

۲-۱-۹- احکام برداشت شده از آیات حجاب

- بعد از بررسی آیات حجاب فهرست وار میتوان احکام زیر را از آیات بیان نمود:
۱. مردان و زنان هر دو باید تقوا پیشه کنند و چشمان و سایر اندامشان را از حرام کنترل کنند.
 ۲. آشکار کردن زینت چه زینت ظاهری و چه زینت باطنی حرام است.
 ۳. نگاه کردن به زینت حرام است
 ۴. اظهار زینت زنان مسلمان به زنان مسلمان مباح است اما در برابر زنان غیر مسلمان حرام است.
 ۵. نگاه کردن به زنان در ضرورت هایی چون درمان مباح است.

۲-۲- حجاب در سنت

در سنت نیز به عنوان دومین منبع احکام فقهی ضرورت پوشش زن و حجاب مورد تأکید قرار گرفته است و روایات فراوانی درباره حجاب و محدوده آن و مباحث پیرامون نقل شده است. این روایات به صورتهای مختلفی قابل دسته بندی است:

۲-۲-۱- پرهیز از نگاه شهوانی

در روایات نگاه شهوانی به نامحرم چه از سوی زن باشد چه از سوی مرد، نهی شده است. ولی از آنجا که معمولاً زنان سست ایمن جلوهگری میکنند و مردان هوسران چشمچرانی، غالباً این روایت به نگاه مردان به زنان پرداخته‌اند.

۱. از امام صادق علیه السلام میفرماید: «نگاه شهوانی به نامحرم تیری، از تیرهای مسموم شیطان است، و چه بسا لحظهای نگاه که باعث حسرتی طولانی میشود»^۱.
۲. ام سلمه یکی از همسران پیامبر گوید: «من و میمونه نزد رسول خدا بودیم که ابن مکتوم نابینا بر ما وارد شد و این جریان بعد از نزول واجب شدن حجاب بود. ایشان به ما فرمودند: خود را از او پنهان کنید. گفتیم ای رسول خدا! او نابیناست و ما را نمیبیند؛ فرمود: آیا شما هم نابینا هستید و او را نمیبینید»^۲.

^۱ عن ابی عبدالله علیه السلام قال: «سمعتہ یقول النظره سهم من سهام ابلیس مسموم و کم من نظره اورث حسرتة طویلة.» (کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۵۹۹؛ مجلسی، بحارالانوار، ج ۱۰۱، ص ۴۰؛ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص ۱۹۱؛ فیض کاشانی، الوافی، ج ۲۲، ص ۸۵۹؛ خواجه‌نوی، الرسائل الفقهیه، ج ۱، ص ۳۷)

^۲ وعن ام سلمه قالت «كنت عند رسول الله ص وعند میمونه فاقبل ابن ام مکتوم و ذلك بعد ان امر بالحجاب فقال احتجبا فقلنا یا رسول الله اليس اعمی لا یبصرنا قال اعمیا وان اتما الستما تبصرانه.» (حرعاملی، وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص ۲۳۲؛ مجلسی بحارالانور، ج ۱۰۱، ص ۳۷).

۳. از امام رضا علیه السلام نقل شده که فرمود: «نگاه کردن به موی سر زنان، چه شوهردار و چه بی شوهر حرام است؛ زیرا سبب برانگیخته شدن غریزه ی شهوت مردان می شود و این برانگیختگی، آنان را به فساد و انجام کارهای حرام و نازیبا میکشاند؛ چنانکه نگاه کردن به قسمتهای دیگر بدن زن نیز همین حکم را دارد»^۱.

۴. در روایت دیگری پیامبر خدا فرمود: «به یقین هر کس به خانه همسایه‌اش سرک بکشد و شرمگاه مردی یا موی سر و بدن زنی را نگاه کند، خداوند او را همراه منافقان داخل در جهنم میکند»^۲.

۲-۲-۲- پرهیز از نشان دادن آرایش به نامحرم

روایاتی که آرایش و زینت کردن زن برای مردان بیگانه را حرام شمرده‌اند نیز فراوان هستند:

۱. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم زنان را از آرایش کردن برای غیر شوهرشان نهی میکرد و میفرمود: «هر کس چنین کند، خداوند حق دارد او را به آتش جهنم بسوزاند»^۳.

۲. در روایت دیگری رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم مشاهدات و شنیده‌های خود را هنگام معراج بیان میکند، میگوید: افرادی را در حال عذاب دیده است یکی از آنان زنی بوده که گوشت بدن خود را میخورد است و توضیح این کار میگوید: «اما آن زنی که گوشت بدن خود را میخورد، به این دلیل بود که بدنش را برای نامحرم آرایش میکرد»^۴.

۳. همچنین در روایت دیگری پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به زنی به نام حولاء فرمود: «ای حولاء! زینت و آرایش خود را به غیر همسرت نشان نده»^۵.

۲-۲-۳- نهی از پوشیدن لباس مهیج

در روایات متعددی از پوشیدن لباسهای مهیج و فتنهانگیز نهی شده است:

۱. امیرالمؤمنین علیه السلام میفرماید: «رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم زن را از پوشیدن لباسی که او را مشهور و انگشتنما کند و از زینت کردن به زیوراتی که صدا ایجاد می کند (و سبب جلب توجه

^۱ «عن محمد بن سنان عن الرضا عليه السلام فيما كتبه اليه من جواب مسائله و حرّم النظر إلى شعور النساء المحجّوبات بالأزواج و غيرهن من النساء لما فيه من تهيج الرجال و ما يدعوا التهيج إلى الفساد و الدخول فيما لا يحل و لا يحمل أجمل و كذلك ما أشبه الشعور إلا الذي قال الله تعالى و القواعد من النساء اللاتي لا يرجون نكاحاً فليس عليهن جناح أن يضعن ثيابهن غير الجلباب و لا بأس بالنظر إلى شعور». (حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۱۹۳).

^۲ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۱۹۴.

^۳ نهی ان تزینن لغیرزوجها فان فعلت کان حقاً علی الله عز وجل ان یحرقها بالنار. «(حر عاملی، وسائل الشیعه، ص ۲۳۱؛ مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۲۴۴).

^۴ «واما التي كانت تأکل لحم جسدها فإنها كانت تزین بدنہا للناس». «(حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۲۱۳).

^۵ یا حولاء! لا تبدی زینتک لغیر زوجک؛ (نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۲۴۲).

نامحرم می شود) نهی کرده است.^۱

۲. حکم بن مسکین گوید: «سعیده» و «منه» خواهران محمد بن ابی عمیر برای من نقل کردند که ما بر امام صادق علیه السلام وارد شدیم و پرسیدیم: آیا جایز است زن به زیارت برادر مسلمانش برود؟ فرمود: بله. پرسیدم آیا میتواند با او دست بدهد و مصافحه کند؟ فرمود: از روی لباس مانعی ندارد. (در این هنگام) یکی از آنها گفت: این خواهر من به زیارت برادر مسلمانش می‌رود؛ امام (به او) فرمود: وقتی به زیارت برادر مسلمانت می‌روی، لباس رنگارنگ نپوش.»^۲

۳. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در روایتی فرمود: «هر کس به همسرش اجازه دهد با لباس های نازک و مهیج در بین مردمان حاضر شود، خداوند او را به آتش جهنم می‌افکند.»^۳

۲-۲-۴- امر به پوشش

در روایات فراوانی به زنان فرمان بر حجاب و پوشش داده شده است:

۱. فضیل بن یسار گوید: «از امام صادق علیه السلام پرسیدم: آیا آرنجهای دست زن، بخشی از زینت اوست که خداوند در قرآن فرموده: زنان زینت خود را آشکار نکنند مگر برای شوهرانشان؟ فرمود: بله و تمام بدن زن غیر از صورت و دستها تا مچ، زینت او شمرده میشود.»^۴

۲. ام سلمه گوید: «وقتی آیه «يَدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ» نازل شد که (زنان) روسریهای بلند خود را بر خویش فرو افکندند، زنان انصار هنگام خروج از منزل، سرهای خود با پوششی سیاه مانند کلاغ میپوشاندند.»^۵

۳. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم میفرماید: «هر زنی که مقنعه خود را در غیر خانه ی شوهرش در آورد، پرده حجابش را دریده است.»^۶

۴. امام صادق علیه السلام میفرماید: «بر دختری که به سن حجاب میرسد روزه و حجاب واجب است.»^۷

^۱ نوری، همان، ج ۱۴، ص ۲۸۰؛ تمیمی مغربی، دعائم الاسلام، ج ۲، ص ۲۱۵.

^۲ عن الحكم بن مسكين قال: «حدثتني سعيدة و منه اختا محمد بن ابی عمیر بیاع السابری قالتا دخلنا علی ابی عبدالله ع (فقلنا تعود المرأة اخاها قال نعم قلنا تصافحه قال من وراء الثوب قالت احدهما ان اختی هدیه تعود اخوتها قال اذا عدت اخواتك فلا تلبسی المصبغه.» (کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۵۲۶).

^۳ مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۲۴۲.

^۴ عن الفضیل بن یسار قال: «سالت ابا عبدالله ع عن الذراعین من المرأة هما من الزینة التي قال الله تبارک و تعالی -ولا یبدین زینتهن الا لیعولتهن قال نعم وما دون الختمار من الزینة وما دون السوارین» (کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۵۲۰).

^۵ ام سلمه میگوید «لما نزلت (يَدْبِينَّ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ) خَرَجَ نِسَاءً لِلْأَنْصَارِ كَأَنَّ عَلَى رُؤُوسِهِنَّ الْغُرَبَانَ مِنَ الْأَكْسِيَّةِ.» (ابوداود، سنن، ج ۴، ص ۶۱).

^۶ قال رسول الله ص: «ایما امرأة وضعت خمارها فی غیر بیت زوجها فقد هتکت حجابها» (نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۲۸۰).

^۷ بصیر عن ابی عبدالله ع انه قال: «علی الجاریه اذا حاضت الصیام و الخمار.» (حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۴۱۰).

۵. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم میفرماید: «بهترین زنان شما زنی است که بسیار پوشیده باشد، نزد اقوامش عزیز و محترم باشد، با شوهرش فروتن باشد و برای او خودآرایی و تبرج داشته باشد و در برابر غیر شوهرش عقیف باشد»^۱
۶. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم درباره عذاب زن گناهکار در روز قیامت میفرماید: «اما زنی که به موی سرش آویزان بود، به این دلیل بود که مویش را از نامحرم نمیپوشاند»^۲
۷. رسول مکرم اسلام صلی الله علیه و آله و سلم در ضمن حدیثی طولانی، به زنی به نام حولاء فرمود: «ای حولاء! بر زن جایز نیست ساعدها و پاهایش را برای مردی جز شوهرش نمایان کند و اگر چنین کند، همواره در لعنت و خشم اوست و خدا بر او غضب میکند و فرشتگان نیز بر او لعنت می فرستند و خدا برای او عذاب دردناکی مهیا می کند»^۳
۸. امام صادق علیه السلام فرمود: «بر زن مسلمان صحیح نیست روسری و پیراهنش به گونهای باشد که او را نپوشاند»^۴
۹. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بدحجابی را سبب فساد اخلاق معرفی نموده، میفرماید: «زن اندامی شهوت انگیز دارد همین که از خانه خارج شود شیطان او را در بر میگیرد»^۵

۲-۳- عقل

عقل یکی از منابع مهم فقهی است و نقش مهمی در استنباط احکام دارد. گذشته از نصوص شرعی اعم از آیات و روایات به کمک عقل نیز میتوان وجوب و ضرورت رعایت حجاب را اثبات نمود. اینکه گزینه جنسی در انسان فعال است و ممکن است انسان را به کارهای ناشایست وادار کند حقیقتی است هیچ کس نمیتواند منکر آن شود ابتدایی ترین راهی که به کمک عقل برای کنترل این گزینه میتوان یافت جلوگیری از تحریک و طغیان آن است.

^۱ قال رسول الله ص : « ان من خیر نسائکم ...الستیره العزیز فی اهلها الذلیلہ مع زوجها الحصان عن غیر» (نوری، مستدرک الوسائل ، ج ۱۴، ص ۱۶۷ و حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص ۲۱۴).

^۲ « اما المعلقه بشعرها فانها کانت لا تغطی شعرها من الرجال » (مجلسی، همان، ج ۱۰۰، ص ۲۴۷)

^۳ «یا حولاء! لا یجل لامرأه ان تظهر معصمها و قدمها لرجل غیر نعلها و إذا فعلت ذلک لم تزل فی لعنة الله و سخطه و غضب الله علیها و لعنتها ملائکة الله و أعد لها عذاباً ألیماً (نوری، مستدرک الوسائل ، ج ۱۴، ۲۴۲).

^۴ و روی الكلینی فی الصحیح أو الحسن عن الحلبي عن ابی عبد الله (علیه السلام) قال: « لا یصلح للمرأة المسلمة ان تلبس من الخمر و الدروع ما لا یواری شیئا. » (بحرانی، الحدائق الناضرة فی احکام العترة الطاهرة، ج ۷، ص ۲۵).

^۵ قال رسول الله صلی الله علیه و آله: المرأة « عورة، و أنها إذا خرجت من بیتها استشرها الشیطان. » (علامه حلی، تذکره الفقهاء، ج ۴، ص ۲۳۸).

بدیهی است که رعایت حجاب زمینه این تحریک را از بین میبرد و به دنبال آن از طغیان این غریزه جلوگیری میکند. و این نکته به کمک عقل روشن میشود و با استدلالات عقلی به سادگی میتوان به آن دست یافت.

علاوه بر اصل حجاب عقل بر لزوم دعوت به حجاب و کنترل آن از سوی مراجع ذیربط نیز گواهی میدهد.

۲-۴- مروری بر برخی از دیدگاه‌های فقهی در مورد حجاب

با توجه به آیات و روایات موجود درباره حجاب همچنین دلیل عقل، در اصل حجاب و ضرورت پوشش زن اختلافی میان فقهاء نیست و این حکم یکی از ضروریات دین اسلام شمرده میشود. توجه به برخی از دیدگاه‌ها در این مورد مخصوصاً دیدگاه‌های جنجالی پیرامون حواشی حجاب میتواند نگرش بهتری به موضوع ایجاد کند.

۲-۴-۱- پوشش زن هنگام نماز

هنگام نماز ویژگی خاصی دارد از این رو در لباس و پوشش نمازگزار چه مرد باشد و چه زن باید نکاتی رعایت شود بخشی از این نکات مربوط به نحوه پوشش زن در حالت نماز است که شباهت خاصی به حجاب زن در حالت عادی دارد و این تشابه باعث شده برخی افراد نادان ضرورت حجاب برای زن را مخصوص هنگام نماز بدانند. شاید وضعیت حجاب زنان مسیحی هنگام دعا در کلیسا در رواج این برداشت نامناسب بی تأثیر نباشد. باید توجه داشت که آیات و روایاتی که درباره پوشش زن وجود دارد همانگونه که برخی از آنها را مرور کردیم کلی بوده و جدا از دلایل پوشش در نماز هستند این دلایل ناظر به حضور با حجاب زن در اجتماع و در روبرویی با نامحرمان هستند. البته بین نحوه پوشش در نماز با نحوه پوشش در مواجهه با نامحرم شباهتهایی وجود دارد.

علامه حلی مینویسد: (هنگام نماز) تمام بدن زن جز چهره، باید پوشیده شود.^۱ البته نظرات نادری هم وجود دارد که حتی چهره و دستها نیز باید هنگام نماز پوشانده شود.

^۱ علامه حلی، تذکره الفقهاء، ج ۲، ص ۴۴۶.

۲-۴-۲- پوشش در برابر چه کسانی؟

زن باید در برابر مرد نامحرم بالغ حجاب داشته باشد طباطبایی یزدی در این مورد مینویسد:
نگاه کردن به زن بیگانه همچنین نگاه کردن زن به مرد بیگانه بدون ضرورت جایز نیست گروهی صورت و دست ها را استثناء کرده اند و نگاه به آن در صورت نبود ریبه و قصد لذت مجاز شمرده‌اند و نیز گفته شده جواز در این دو یک مرتبه است و تکرار نگاه جایز نیست و بهتر است احتیاط شود و نگاه به صورت مطلق ممنوع شود.^۱

پوشیدن بدن از نامحرم غیر بالغ ممیز به جز قرص صورت و دستها تا مچ بخصوص پسر بچه‌های که نزدیک بلوغ است واجب است.^۲ زن باید بدن و موی خود را از مرد نامحرم بپوشاند و بهتر آن است که بدن و موی خود را از پسری هم که بالغ نشده ولی خوب و بد را میفهمد بپوشاند.^۳

^۱ (مسأله ۳۱): لا يجوز النظر إلى الأجنبية و لا للمرأة النظر إلى الأجنبية من غير ضرورة، و استثنى جماعة الوجه و الكفین فقالوا بالجواز فيهما مع عدم الریبة و التلذذ، و قيل بالجواز فيهما مرة و لا يجوز تكرار النظر. و الأحوط المنع مطلقاً؛ العروة الوثقی (للسید الیزدی)، ج ۲، ص: ۸۰۳.

^۲ خوئی، رساله توضیح المسائل، ص ۴۲۳.

^۳ صافی گلپایگانی، رساله توضیح المسائل، ص ۳۷۹.

فصل سوم

مباحث چالشی پیرامون حجاب

از نخستین روزهایی که مسأله حجاب در جامعه اسلامی مطرح شد چالشهایی به دنبال داشت. نفس هوسران برخی از مردان و زنان، حاضر به پذیرش این حکم نبودند و هر روز به دنبال طرح اشکالات و توجه دادن به نکاتی بودند که به گونهای از این امر شانه خالی کند یا آن را خلاصهتر و محدودتر کنند. همچنانکه میبینیم حکم حجاب که یک حکم الهی در تمام ادیان بوده در ادیان دیگر آنچنان تحلیل رفت و مورد تحریف واقع شد که امروزه چیزی از آن دیده نمیشود. این مقاومت ها از زمان رسول خدا مطرح بوده است و بعد از او نیز با طرح اشکالاتی سعی کرده اند این حکم را به حاشیه برانند و فقهاء نیز به ناچار وارد این بحثها شدهاند و چه بسا برخی نیز نخواستند و ندانسته سوء تفاهمهایی از برخی آیات و روایات پیدا کرده باشند و گاه فتاوی نادر و شاذی هم صادر کرده باشند در ادامه سعی خواهیم کرد به برخی از این چالشها به پردازیم که عمده بحث نیز پیرامون مهمترین چالش پیرامون حجاب و آن الزام حکومت بر حجاب خواهد بود.

۳-۱- حجاب، مخصوص همسران پیامبر!؟

از آنجا که خطاب برخی از آیات حجاب همسران پیامبر هستند این شبه مطرح شده است و برخی از افراد جاهل با تمسک به ظاهر آن آیات و خطاب آن آیات سعی کردهاند با طرح این اشکال افراد ساده دل را بفریبند. هنگام بررسی آیات حجاب به این نکته نیز اشاراتی داشتیم، اکنون میتوان در رد این اشکال به صورت فهرست وار چند مورد را یادآوری کرد:

۳-۱-۱- توجه به شأن نزول آیات حجاب

در بررسی مستندات قرآنی یکی از نکات مهم توجه به شأن نزول آیه و اتفاقات و مباحث پیرامون آیه هنگام نزول آن و رویکرد مردم آن عصر به آیه مورد بحث است.^۱ وقتی اتفاقات تاریخی و شأن نزول پیرامون این آیه را بررسی میکنیم میبینیم اصحاب و مردمان هم عصر پیامبر هیچکدام از این آیات برداشت انحصار حجاب در همسران رسول خدا را نداشتهاند حتی کفار و مخالفان نیز چنین مفهومی را برداشت نکردهاند و تلقی عموم مردم حتی مخالفان این بوده که این آیات، حجاب و پوشش را برای عموم زنان مطرح میکنند.

^۱ برای ملاحظه شأن نزول این آیات میتوان به کتب تفسیری شیعه و عامه مراجعه کرد از آن جمله مجمع البیان طبرسی، ترجمه فارسی، ۵۴۶/۱۱، و تفسیر ابوالفتح رازی: ۱۷۵/۱۵ و سایر کتب تفسیری مراجعه کرد.

۳-۱-۲- توجه به آیات دیگر حجاب

گرچه مخاطب برخی از آیات حجاب همسران پیامبر هستند اما مخاطب برخی دیگر عموم مومنین هستند مثل آیهای که دستور به پرهیز از تبرج میدهد یا آیهای که دستور به چشم پوشی از نا محرمان را دارد اگر آن آیات را اختصاص به همسران بدانیم با این آیات تعارض پیدا خواهد کرد همچنین اگر آیاتی را مخاطب آن همسران پیامبر هستند کنار بگذاریم باز آیات دیگری خواهند بود که حجاب را برای عموم زنان مطرح میکنند بنابراین هرگز نمیتوان آن آیات را اختصاص به همسران پیامبر دانست.

۳-۱-۳- توجه به فلسفه حجاب

فلسفه یک حکم عمومی زمانی قابل تحقق است که آن حکم اجرای عمومی داشته باشد و همگان یا اکثریت جامعه بدان پایبند باشند. فلسفهای که از حکم حجاب وجود دارد با اختصاص حجاب به همسران پیامبر هرگز در جامعه توان تحقق نخواهد یافت و عملی نخواهد شد. همسران پیامبر افراد معدودی بودند که صدها سال پیش زندگی میکردند و بعد از فوت آنان مفهوم حجاب در جامعه چه جایگاهی خواهد داشت؟ آیا نبود حجاب و رواج بی بند وباری جامعه را به تباهی سوق خواهد داد؟ قرآن در همان آیه فلسفه حجاب را پاکی دل هم برای زنان و هم برای مردان معرفی میکند، آیا پاکی دل مخصوص همسران پیامبر است و سایر زنان به پاکی دل نیازی ندارند؟ بدیهی است پاکی دل و سلامت روحی و روانی ضرورتی است که در مورد همه افراد جامعه وجود دارد. از این رو حجاب هم باید برای همه افراد جامعه باشد. شهید مطهری در این مورد مینویسد:

اگر بگوییم خداوند این دستور را تنها برای همسران پیامبر بیان نموده نتیجه این می شود که علت این حکم نیز که تزکیه قلوب است مختص به ایشان است.^۱

۳-۱-۴- روایات پیرامون حجاب

علاوه بر آیات حجاب، روایات فراوانی درباره حجاب و ضرورت و محدودهی آن در متون حدیثی شیعه و عامه وجود دارد. و قبلاً تعدادی از آنان را به عنوان نمونه مطرح کردیم. این روایات به منزله تفسیر قرآن و مبین آیات حجاب محسوب میشوند. تمام آن روایات حجاب را برای عموم افراد جامعه مطرح کرده‌اند.

^۱ مرتضی مطهری، مسأله حجاب، قم انتشارات صدرا، چاپ دوم، ۱۳۶۹، ص ۸۱.

۳-۱-۵- سبب نزول عامل تخصیص!؟

در موارد متعددی از آیات قرآن میبینیم حکمی درباره گروهی نازل شده است اما هرگز دلالت ندارد که این حکم اختصاص به آن فرد یا گروه داشته باشد. هیچ یک از احکام قرآنی که در شأن نزولهای مختلفی صادر شده‌اند اختصاص به آن گروه ندارند مگر اینکه دلیلی بر تخصیص وجود داشته باشد.

۳-۱-۶- حکم فقهی خاصی برای افراد خاص

در میان احکام فقهی اسلام هیچ گروه و خانواده‌های احکام فقهی اختصاصی ندارند تنها شخص پیامبر اختصاصات فقهی خاصی دارد مثلاً در تعداد همسران دایم یا خوردن بعضی از مواد غذایی و... و به جزء پیامبر هیچ شخصی حکم فقهی اختصاصی ندارد و هیچ یک از فقهاء شیعه یا عامه حکم اختصاصی برای همسران پیامبر قائل نشده‌اند پس حکم حجاب گرچه در برخی از آیات خطاب به همسران پیامبر صادر شده است ولی عمومیت دارد.

۳-۱-۷- برداشت مشهور علما از آیات حجاب

مشهور فقهاء و مفسران شیعه و عامه از این آیات ضرورت حجاب برای عموم زنان جامعه را برداشت کرده‌اند کسی آن آیات را به همسران اختصاص نداده است. افرادی که در سالهای اخیر و در میان معاصرین چنین نظریه‌های را مطرح کرده‌اند افرادی هستند که مطالعات اسلامی کاملی نداشته و از چگونگی ورود به مباحث تفسیری و استنباطات قرآنی بی اطلاع هستند.

۳-۲- حجاب مخصوص زنان عصر پیامبر است!؟

این اشکال نیز به منظور تضعیف حجاب از سوی برخی مطرح شده است. وقتی اشکال قبلی توان اثبات نیافت این اشکال مطرح شده است طرفداران این اشکال هیچ دلیل محکمی برای اثبات نظریه خود ندارند و آنچه ارائه کرده‌اند توهماتی بیش نیست. بسیاری از نکاتی که در بحث قبل به عنوان دلایل رد این اشکال مطرح شد در اینجا نیز میتواند مورد توجه قرار بگیرد. علاوه بر آن نکات چند دیگر نیز ضروری است که مورد توجه قرار بگیرد.

۳-۲-۱- تعارض با خاتمیت

این اشکال ریشه در نفی خاتمیت پیامبر و دین اسلام دارد اگر محدودیت زمانی و جغرافیایی برای برخی از احکام اسلامی در نظر گرفته شود به معنی نفی خاتمیت پیامبر که در آیات و روایات فراوانی تصریح شده خواهد بود.

۳-۲-۲- عدم اختصاص احکام اسلامی به زمان خاص

دین اسلام محدود و مخصوص به مکان و زمان خاصی نیست. تعبیر «کافه الناس» در آیات و روایات متعددی دیده میشود از این رو احکام اسلامی هم مخصوص به زمان و دوره خاصی نیستند هیچ حکمی را نمیتوان یافت که مخصوص به زمان خاصی باشد البته عنصر زمان و مکان در احکام الهی موثر هستند اما این تأثیر به عنوان حکم ثانوی است نه حکم اولی مثلاً حکم اولیه اکل میت در همه زمانها و مکانها حرمت است اما حکم ثانویه آن در شرایط اضطرار و ضرورت اباحه خواهد بود حکم اولیه حجاب نیز در تمام ازمنه و امکانه وجوب است و در عین حال این وجوب ممکن است در شرایط خاصی و در زمانها و مکانهای خاصی به عنوان حکم ثانوی از بین برود.

۳-۳- جزیت صورت و دستان در حجاب

با توجه به آیات و روایاتی که به عنوان مستندات حجاب محسوب میشوند در این مورد دو دیدگاه شکل گرفته است: دیدگاه اول وجه و کفین (صورت و دستان) را جزء حجاب نمیداند و پوشاندن آن را به عنوان حجاب و ستر لازم و ضروری نمیشمرد دیدگاه دوم بر خلاف آن پوشاندن این دو موضع را نیز لازم میداند و جزء حجاب و ستر برمیشمرد. طرفداران این دو دیدگاه هر کدام برای اثبات نظر خود مستنداتی ارایه کردهاند:

۳-۳-۱- مستندات دیدگاه اول

طرفداران این دیدگاه برای اثبات نظر خود هم به آیات قرآن استدلال کردهاند و هم به روایات رسیده از معصومین علیهم السلام:

۳-۳-۱-۱- استدلال به قرآن

اگر به آیات حجاب توجه کنیم در همان آیه‌های که دستور به حجاب و پوشش و کنترل چشم میدهد استثنائی نیز مطرح میکند: «وَلَا يُدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا»^۱ در این تعبیر مکانهایی که معمولاً آشکار هستند از وجوب پوشاندن استثناء شده‌اند. و صورت و دستهای زنان معمولاً در عرف همه ملتها خارج از لباس و پوشش هستند. گروه مقابل به این استدلال پاسخ داده‌اند که این آیه درباره زینت است نه بدن و مواردی از زینت بانوان را که معمولاً پوشانده نمیشود و آشکار است را استثناء میکند. در پاسخ میتوان گفت اگر سخن شما را بپذیریم و این آیه درباره زینت باشد باز هم در نتیجه بحث تأثیری ندارد چراکه

^۱النور: ۳۱

نمایاندن زینت زن بر روی بدن حرام است نه خارج از بدن و اگر این آیه مجوزی بر نشاندن زینت باشد زینتهای بر روی بدن را بیان میکند و مجوزی برای عدم پوشش قسمتهایی از بدن که زینت دارند نخواهد بود که باز همان سخن ما خواهد بود.

۳-۱-۲- استدلال به روایات

در میان روایات رسیده از معصومین علیهم السلام روایاتی میتوان یافت که پوشاندن صورت و دستها را واجب نمیشمرد به عنوان نمونه به این روایات توجه کنیم:

(الف) مسعد بن زراره از حضرت صادق علیه السلام نقل میکند که وقتی از حضرت دربارهی زینتی که زن میتواند آشکار کند سؤال شد فرمود: چهره و دو کف دست.^۱

(ب) مفضل بن عمر سؤال کرد از امام صادق علیه السلام دربارهی زنی که در سفر بمیرد و مرد محرم یا زنی که او را غسل میدهد همراه او نباشد. فرمود: مواضع تیمّم او را باید غسل دهند ولی نباید بدن او را لمس کنند و نباید زیباییهای او را که خداوند پوشیدن آن را واجب فرموده است، آشکار کرد. پرسیدم چگونه عمل کنیم؟ فرمود اول باطن کف دست او را باید شست، سپس چهره و بعد پشت دستهایش را. این روایت تصریح دارد در اینکه چهره و کفین جزء قسمتهایی که پوشاندنش واجب گردیده است، نیست.^۲

(ج) علی بن جعفر از برادرش حضرت موسی بن جعفر علیه السلام میپرسد برای مرد چه مقدار جایز است به زنی که محرمش نیست نگاه کند؟ حضرت در جواب فرمود: چهره و کف و جای دستبند.^۳

(د) فضیل بن یسار میگوید از امام صادق علیه السلام پرسیدم که آیا ذراعهای زن از قسمتهایی است که باید از غیر محارم بپوشاند؟ فرمود بلی و آنچه زیر روسری قرار میگیرد باید پوشیده شود، و همچنین از محل دستبند به بالا باید پوشیده شود.^۴

۳-۳-۲- مستندات دیدگاه دوم:

این دیدگاه هرچند در مقام فتوا دیدگاه مشهوری نیست ولی علمای بزرگی چون فاضل مقداد^۵ و فیض کاشانی^۶ چنین دیدگاهی داشته اند همچنین در مقام عمل بسیاری از علماء احتیاطاً این نحوه از حجاب را پیشنهاد کرده اند و در طول تاریخ نیز بانوان متدین بدان رفتار کرده اند و صورت و دستان را نیز از نامحرم میپوشانده اند.

^۱ حمیری، قرب الإسناد، ج ۱، ص ۴۰.

^۲ کلینی، الکافی، ج ۳، ص ۱۵۹.

^۳ حمیری، قرب الإسناد، ج ۲، ص ۱۰۲.

^۴ کلینی الکافی، ج ۵، ص ۵۲۰.

^۵ به نقل از: جواهر الکلام: ج ۲۹ ص ۷۷.

^۶ تفسیر صافی: ج ۲ ص ۳۶۶.

۳-۲-۱- مستندات قرآنی

در آیه ۵۹ سوره احزاب تعبیر «يُدْنِينَ عَلَيْهِنَ مِّنْ جَلَابِيبِهِنَّ» وجود دارد و این به معنی پوشاندن کامل صورت است. مرحوم فیض کاشانی در این مورد نوشته است: یغطین وجوههن و أبدانهن بملاحفهن إذا برزن لحاجة؛^۱

۳-۲-۲- مستندات روایی

طرفداران این دیدگاه برای اثبات نظر خود به روایاتی نیز استدلال کرده‌اند برخی از این روایات عبارتند از:

۱. کل شیء من المرأة عورة حتی ظفرها؛ تمام بدن زن عورت است حتی ناخن او، این روایات به این شکل در منابع شیعی وجود ندارد و علامه حلی آن را از مجامع حدیثی اهل سنت نقل کرده است. در منابع شیعی به صورت مرسل با این عبارت برخورد میکنیم: «المرأة کلها عورة»^۲؛ تمام زن عورت است، و از آنجا پوشش عورت واجب است این تعابیر گویای آن است که تمام قسمتهای بدن زن باید پوشیده شود.
۲. روی أن الخثعمیة أتت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فی حجة الوداع تستفتیه فی الحج و کان الفضل بن عباس ردف النبی صلی الله علیه و آله و سلم، فأخذ ينظر إلیها و أخذت تنظر إلیه فصرف النبی صلی الله علیه و آله و سلم وجه الفضل عنها و قال رجل شاب و امرءة شابة فخشیت أن یدخل بینهما الشیطان.^۳

زنی از قبیله خثعم در حجه الوداع نزد رسول خدا آمد درباره حج چیزی بپرسد و فضل بن عباس هم کنار رسول خدا نشسته بود، پس به آن زن نگاه کرد او هم به فضل نگاه کرد، پیامبر صورت فضل را برگرداند و گفت مرد جوان و زن جوان میترسم که شیطان بین آن دو داخل شود.

طرفداران دیدگاه لزوم پوشیده نگه داشتن صورت بر این حدیث اینگونه استدلال کرده‌اند که باید آن زن صورت را میپوشانده و چون نپوشانده رسول خدا چنین برخوردی کرده و این سخن را گفته است، اما سوی دیگر مخالفین نیز به این حدیث استدلال کرده‌اند که پوشاندن صورت لازم نبوده و الا این زن اینگونه خدمت رسول خدا نمیرسید و اگر هم رعایت نکرده بود رسول خدا به او تذکر میداد.^۴

^۱ الأصفی فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص: ۱۰۰۲.

^۲ تذکرة الفقهاء (ط - الحدیثة)، ج ۲، ص: ۴۴۶.

^۳ دعائم الإسلام، ج ۱، ص: ۱۰۳؛ بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۸۰، ص: ۱۸۰.

^۴ المبسوط فی فقه الإمامیة، ج ۴، ص: ۱۶۰.

^۵ مسالک الأفهام إلی تنقیح شرائع الإسلام، ج ۷، ص: ۴۷.

دلیل دیگر طرفداران این دیدگاه سیره است، آنان معتقدند سیره عملی متدینان از صدر اسلام تاکنون رعایت پوشش کامل از سوی بانوان و مستور ماندن کامل ایشان از نگاه نامحرمان بوده است مردان متدین و غیرتمند هیچگاه اجازه نمیدانند زنان و دخترانشان با چهره گشاده در کوچه و بازار ظاهر شوند. شهید ثانی در این مورد مینویسد:

«لاتفاق المسلمین علی منع النساء من أن یخرجن سافرات»^۱

مسلمانان بر این امر اتفاق دارند که از بیرون رفتن زنان با سر و روی برهنه جلوگیری نمایند. به نظر میرسد سیره مستمره به این شکل تحقق خارجی نداشته باشد البته سیره مسلمین بر حجاب بوده اما بر پوشش دستان و صورت نبوده است از این رو صاحب جواهر این استدلال را به چالش کشیده است.^۲ و خود شهید ثانی هم در ادامه سخن قبلی تعارض بین دو سیره بر پوشش و سیره بر عدم پوشش دست و صورت را مطرح میکند.^۳

۳-۴- الزام به حجاب درباره زنان جامعه از سوی حکومت

حجاب یکی از احکام ضروری شریعت متعالی اسلام است و همه مذاهب اسلامی به ضرورت آن اعتراف دارند لذا برای تحقق این وظیفه دینی، باید سیاست گذاری‌های مخصوص به آن را پایه ریزی کرد و سپس پیاده نمود و بایسته است فرهنگ سازی لازم برای تحقق این واجب شرعی صورت پذیرد. فرهنگ سازی مناسب و صحیح و حساب شده در زمینه حجاب باعث می‌شود مردم با اعتقاد کامل حجاب را بپذیرند و با کمال طوع و رغبت آن را به عنوان یک هنجار اجتماعی به کارگیرند تا جایی که حتی زنان غیر مسلمانان نیز تشویق شوند و خود را ملزم به رعایت این هنجار اجتماعی بدانند.

بعد از انقلاب شکوهمند اسلامی و تشکیل حکومت اسلامی در کشور ما بدیهی بود که اصلیت‌ترین دغدغه‌های حکومت اسلامی پیاده کردن صحیح اسلام و دستورات دینی به صورت کامل در جامعه باشد و یکی از این موارد اصلاح پوشش زنان در سطح جامعه بود. طبیعی است که برخی از زنان این کار را محدود کردن خود و مزاحم آزادی فردی میدانستند و سعی داشتند که این حکم در سطح جامعه عملی نشود. برخی از افراد به اصطلاح روشن فکر نیز به تئوریزه کردن این دیدگاه میپرداختند که اصولاً آیا حکومت میتواند وارد این حوزه شود یا خیر؟ به عبارت دیگر حجاب یک موضوع فردی و شخصی است یا یک موضوع اجتماعی؟ از همان روزها نخستین تشکیل حکومت اسلامی این چالش مطرح شد و گاه و بیگاه پررنگ تر هم مورد بحث و جنجال قرار می‌گرفت در سالهای اخیر و با گسترش فضای مجازی و

^۱ همان.

^۲ جواهرالکلام: ج ۲۹ ص ۷۷.

^۳ مسالک الأفهام إلى تنقیح شرائع الإسلام، ج ۷، ص: ۴۷.

امکانات دیجیتالی و تنشهای سیاسی خاص این موضوع بیشتر مورد توجه قرار گرفت. بدیهی است که اگر الزام به رعایت حجاب از سوی حکومت اثبات شود هرگونه بی حجابی در سطح جامعه جرم محسوب خواهد شد و باید مجازاتهایی برای آن تعیین شود.

با مروری بر سخنان و نوشته‌های اندیشمندان مختلف اعم از موافقین و مخالفین در این مورد با سه دیدگاه و نظریه برخورد میکنیم:

۱. گروهی معتقدند اصل حجاب بعنوان وظیفه شرعی، واجب است و مانند هر واجب شرعی چه واجب فردی و چه واجب اجتماعی مخالفت و کنار گذاشتن آن حرام است لذا باید با بی حجابی برخورد نمود و از آن جلوگیری کرد و همچنین قوانین لازم را هم برای جلوگیری از هرج و مرج باید وضع نمود.

۲. گروه دوم معتقدند که اصل حجاب یا واجب نیست یا اگر هم واجب باشد یک وظیفه‌ای شخصی است. و در هر دو صورت الزام به حجاب جایز نیست، به باور این گروه همان گونه که الزام به بی حجابی و کشف حجاب صحیح نیست، الزام به حجاب هم صحیح نیست

۳. گروه سوم نگاه معتدل و میانهای دارند و معتقدند اصل حجاب، واجب است و فرهنگ سازی لازم و فعالیت‌های تبلیغی برای آگاه سازی مردم نسبت به این وظیفه لازم است ولی نفس رعایت نکسردن حجاب، کیفی را به دنبال نمی‌آورد لذا جرم انگاری آن صحیح نیست و نمی‌توان کسی را بر ترک واجبی چون حجاب مجازات کرد. و تنها در صورتی می‌توان حجاب را الزامی دانست که بی حجابی عفت عمومی جامعه را جریحه دار کند و حجاب هنجار و بی حجابی ناهنجار اجتماعی و نه شرعی به حساب آید.

۳-۴-۱- دلایل دیدگاه اول

طرفداران این دیدگاه برای اثبات نظر خود چند دلیل ارائه کرده‌اند:

۳-۴-۱-۱- امر به معروف و نهی از منکر

بی شک «امر به معروف» و «نهی از منکر» دو واجب الهی هستند که آیات و روایات فراوانی درباره وجوب آنها در دست است. و طبعاً یکی از وظایف حکومت اسلامی نیز فراهم کردن زمینه‌ها اجرایی و عملی این دو واجب است از آنجا که رعایت حجاب یک معروف و بی حجابی یک منکر است ضروری است که حکومت اسلامی در مورد حجاب نیز ورود پیدا کند و بی حجابی برخورد کند.

درباره ضرورت و وجوب «امر به معروف» و «نهی منکر است» بحثی وجود ندارد و برای آن سه مرحله: «انکار قلبی» «تذکر زبانی» و «استفاده از قدرت» شمرده شده است. اینکه در مرحله سوم استفاده از قدرت مطرح میشود نشان می‌دهد که در اسلام استفاده از اجبار در اجرای احکام شرعی جایز است البته به رعایت مقدمات و شرایط لازم نکته مهم دیگر این است که عموم فقهاء استفاده از قدرت را مختص به

حکومت دانسته‌اند و تعبیر «مبسوط الید» به کار بردن نیز از همین جا ناشی می‌شود و این نکته نشان می‌دهد استفاده از قدرت در امر به معروف و نهی از منکر از وظایف حکومت است از سوی دیگر دامنه گستردگی موضوع امر به معروف و نهی از منکر عام است و تمام وظایف شرعی از جمله حجاب را هم شامل می‌شود.

چگونگی عملیاتی کردن امر به معروف و نهی از منکر مبحث خاص فقهی دارد که از موضوع بحث ما خارج است اما آنچه در اینجا می‌توان گفت این است که فقیه جامع الشرایط برای تبیین این امر و جلوگیری از وقوع و شیوع منکر اعمال هرگونه مجازاتی را صلاح بداند می‌تواند حکم کند. در اجرای امر به معروف و نهی از منکر یک اصل اساسی وجود دارد که در اینجا نیز مورد باید توجه قرار گیرد و آن اصل «الایسر ثم الایسر» است یعنی به ترتیب از آسان به مشکل باید پیش رفت. یعنی اگر با سخن گفتن مشکل حل می‌شود دیگر اقدام عملی لازم نیست و در اقدامات عملی نیز از کمترین و ساده‌ترین باید شروع کرد و اگر نتیجه نداد به تدریج باید سراغ مجازات سنگین‌تر رفت.

۳-۴-۱-۲- جایگاه ولایتی ولی فقیه

از آنجا که نظام اسلامی با تکیه بر ولایت و حاکمیت فقیه مشروعیت پیدا میکند و فقیه به عنوان عالیترین مقام حکومتی اختیاراتی دارد یکی از این اختیارات مجازات متخلفین است و بی‌حجابی نیز یک تخلف است بنابراین ولی فقیه می‌تواند حکم به الزام حجاب دهد و برای متخلفین مجازات تعیین کند. گفته شده یکی از وظایف هر حکومتی برقراری نظم و آرامش و امنیت در جامعه است و یکی از عوامل ایجاد امنیت و برقراری نظم، تدوین صحیح قوانین برای اجرای احکام مربوط به انتظام امور جامعه و مجازات خطاکاران است. از آنجا که در نظام ولایت فقیه، فقیه مسئول به اجرا در آمدن احکام اسلامی است و حجاب نیز یکی از این احکام است، فقیه وظیفه دارد برای الزام به حجاب قوانینی را تدوین نماید که مردم را به حجاب ملزم نماید و در صورتی که افرادی از این قانون تخطی نمایند آنها را تعزیر نماید. چرا که طبیعی‌ترین حق فقیه در این نظام حق قانونگذاری و همچنین نظارت بر اجرای قوانین برای تحقق احکام اسلامی در جامعه مسلمان هاست. لذا حجاب شرعی هم که یکی از احکام اسلامی است و از این قاعده مستثنی نمی‌باشد و جایز بلکه لازم است فقیه برای تحقق حجاب شرعی در جامعه قوانینی را وضع نماید و متخلفان را مجازات نماید.

به عبارت دیگر حکومت دینی دو دسته وظیفه بر عهده دارد یکی از وظایفی که در حکومت‌های عقلایی بر دوش حکومت‌ها می‌آید که همان نظم بخشیدن به اداره‌ی امور مردم و تامین معیشت و حفظ آرامش و تامین امنیت و دفاع از جان و مال و ناموس مردم است.

دوم وظایفی که در راستای دینی بودن حکومت بر عهده‌ی حاکم و حکومت دینی می‌آید که همان سیاستگذاری در سطح کلان و ارشاد و هدایت افراد جامعه بسوی کمال واقعی و فطری می‌باشد. الزام به حجاب و مجازات متخلفین در هر دو گروه جا دارد به این بیان که بی‌حجابی در جامعه اسلام یک بی‌نظمی و ناهنجاری محسوب می‌شود پس باید حکومت با آن مقابله کند همچنین حجاب یک تکلیف

دینی است پس باید حکومت دینی به دنبال عملی کردن آن باشد. حکومت دینی و ولی فقیه در سطح برنامه ریزی و سازمان دهی وظیفه دارد بیشترین تلاش خود را به رفع موانع هدایت و برداشتن عوامل فساد و انحراف، به کار ببندد

۳-۴-۱- عقل، سیره عقلاء و عرف

در هر جامعه‌های سیره و روش عقلا بر جلوگیری از اختلال نظام و تأمین مصالح عمومی استوار است. کاملاً روشن است که بی‌حجابی یک ناهنجاری اجتماعی است و موجب تحریک جنسی افراد جامعه و دامن زدن به فساد و انحراف خواهد بود. و با گسترش آن امنیت روحی و روانی افراد به خطر می‌افتد و اختلاف خانوادگی و فساد اخلاقی به شدت بروز می‌کند. بدیهی است در جایی که موضوعی موجب اختلال نظام جامعه شود عقلا از حق جامعه دفاع می‌کنند و بر استیفای مصالح ایستادگی می‌کنند. هر جامعه‌ای برای حفظ انتظام و دستیابی به اهداف خود باید برای متخلفان مجازات تعیین و اعمال کند. در مورد جرایمی که شرع برای آن مجازات ثابتی تعیین کرده؛ جای تعیین مجازات مجدد نیست ولی در دیگر موارد، این سیره عقلایی که شارع هم آن را رد نکرده است، مبنای عمل خواهد بود.

۳-۴-۲- نقد دلایل دیدگاه اول

مخالفان دیدگاه اول دلایل این گروه را مورد نقد قرار داده‌اند و مطالبی را بیان کرده‌اند هرچند بر خود این نقدها نقد جدی وارد است، ولی لازم است که بر این نقدها مروری داشته باشیم:

۳-۴-۲-۱- نقد دلیل اول

دلیل اول طرفداران الزام بر حجاب امر به معروف و نهی از منکر بود و مخالفان در نقد این دلیل چند نکته را یادآور شده‌اند:

۱. معلوم نیست که حجاب یک معروف باشد و بی‌حجابی یک منکر. نهی از منکر در جایی است که آن موضوع بسیار زشت مشمئزکننده باشد. قرآن کریم برخی مصداق‌های آن مانند لواط، زورگویی، تجاوزگری و فحشا را معرفی کرده و فضای فهم این موضوع را برای ما گشوده است تا بدانیم منکر در جایی است که در جوامع، زشتی آن برای همه روشن و ناظر به حقوق و امور اجتماعی جامعه معین باشد. از سوی دیگر همه محرمات منکر نیستند و همه واجبات، نیز معروف نیستند. واجبات و محرماتی از این قبیل است که خوبی و بدی آنها در جامعه به خوبی معرفی شده باشند و مطلوبیت و شناخت آنها در نظر عامه مردم آشکار باشد. بعبارت دیگر، هنجار و ناهنجار دانستن کار خوب و بد، به فهم و رویکرد جامعه وابسته است و در صورتی شکل می‌گیرد که پشتوانه اجتماعی و عقلایی پیدا کند. این حرکت در صورتی است که فهم اجتماعی بر آن مترتب شود و تنها واجب و حرام بودن کافی نیست.

جواب: این نقد ناشی از عدم درک صحیح از مفهوم «معروف» و «منکر» است. هیچ اندیشمند اسلامی چنین تعریفی از «معروف» و «منکر» ارائه نکرده است. قطعاً تمام واجبات الهی معروف هستند و تمام حرامهای الهی نیز منکر، و اقبال و ادبار و رویکرد و تشخیص مردم در این مورد تاثیری ندارد چراکه مردم بسیاری از فلسفه احکام الهی را نمیدانند ولی علی رغم این ندانستن ملزم به رعایت آن هستند.

۲. ظاهراً لفظ امر و نهی در آیات و روایات، ناظر به قول و کلام است و اقدامات عملی را شامل نمیشود. در آیات زیادی، امر کردن و نهی کردن با واژه دعوت آمده است، در آیات دیگر نیز همگی در سیاق بیان و ذکر است و اقتضای ظاهر لفظ امر و نهی همین معنا را دلالت دارد.

جواب: این تبیین از معروف و منکر نیز پشتوانه علمی ندارد و تمام فقهاء در بیان مراحل امر به معروف و نهی از منکر، علاوه بر مراتب لفظی اجرای مراتب عملی را نیز بیان کرده‌اند. انگیزه بسیاری از قیامها علیه ستمگران در تاریخ اسلام «امر به معروف و نهی از منکر» بوده است آیا اقدامی عملیتر از قیام میتوان یافت؟ به فرض اینکه آن قیامها را مشروع ندانیم اما نمیتوانیم قیام علیه ظلم را یک اقدام امر به معروفی و نهی از منکری ندانیم.

۳. منکر در جایی است که انجام دهنده آن، آن را آگاهانه و با قصد گناه انجام دهد و با علم و آگاهی سمت آن برود. محقق حلی در تعریف معروف و منکر گفته است:

«المعروف هو كل فعل حسن اختص بوصف زائد على حسنه إذا عرف فاعله ذلك أو دل عليه والمنكر كل فعل قبيح عرف فاعله قبحه أو دل عليه.»^۱

معروف هر کار نیکویی است که افزون بر وصف نیک بودن، انجام دهنده باید آن را بشناسد و بداند که کار خوب است و منکر نیز هر کار زشتی است که که فاعل آن زشت بودن آن بشناسد اگر کسی به زشتی کاری که انجام میدهد آگاه نباشد و از زیان آن باخبر نشده باشد، چگونه می‌توان او را نهی از منکر کرد و از کاری که او منکر نمی‌داند، بازداشت. در جامعه ای که افراد زیادی در آن زندگی می‌کنند که از منکر بودن بی‌حجابی با خبر نیستند و بی‌حجابی را از باب جلوه نمایی غریزی و طبیعی خود می‌دانند و نه یک کار زشت و ناپسند، چگونه میتوان نهی از منکر نمود؟ از این رو الزام بر رعایت حجاب در جایی صادق است که پیش از آن فرهنگ سازی شده باشد و مردم از زیان بی بند و باری و مفسده انگیزی آن آگاه باشند.

جواب: گرچه مقدمه این نقد و نکته‌های که در تعریف معروف و منکر بیان شده سخن صحیحی است اما مدعای شما را ثابت نمیکند امروزه در جامعه اسلامی پذیرفته نیست کسی معروف بودن حجاب و منکر بودن بی‌حجابی را نداند. از طرف دیگر اینکه درباره گسترش حجاب باید فرهنگ سازی کرد منافاتی با الزام بر حجاب و مجازات متخلفین ندارد.

^۱ شرائع الإسلام فی مسائل الحلال والحرام، ج ۱، ص: ۳۱۰.

دستور و حکم هیچکس جز خدا بر انسان نفوذ ندارد و پیروی از آن واجب نخواهد بود. خداوند چون فیض هستی به او برمی‌گردد و هستی بخش جهان است، سخن او مطاع است؛ ولی دیگران هیچ ولایتی ندارند مگر اینکه مردم خود، کسی را پذیرفته باشند و انتخاب کرده و به او حق داده باشند که در کارهای معینی دخالت کند. بنابراین، باید ببینیم که آیا خداوند به پیامبر و ائمه و در مرحله بسیار پایین‌تر، به ولی فقیه چنین اجازه‌های داده است که در هر کاری از جمله در کارهای فردی و خصوصی و حتی اجتماعی و احکام الهی که مرتبط میان آفریده و آفریدگار است؛ دخالت کند یا دخالت در محدودهای و با روشی معین است؟

بی‌شک، حکومت دینی افزون بر کارهایی که عقلای جهان در نظم و اداره امور و تامین معیشت و حفظ آرامش و امنیت و دفاع انجام می‌دهند، به این جهت که دینی است، وظیفه دارد در شکل کلان، جامعه را در روند درست و سالمی قرار دهد و زمینه‌های هدایت‌پذیری انسان‌ها را فراهم آورد و موانع آن را از میان بردارد. حکومت دینی و ولی فقیه، در سطح برنامه‌ریزی و سازماندهی وظیفه دارد و مردم به او حق می‌دهند بیشترین تلاش خود را به رفع موانع هدایت و برداشتن عوامل فساد و انحراف، مانند فقر و تبعیض و بی‌عدالتی و حفظ کرامت انسانی و تامین آزادی معطوف دارد و شرایط گرایش مردم به طرف حق، نیکی و درستی را فراهم آورد. با این حال، نمی‌تواند در تمام واجبات و ترک محرمات، به اجبار رفتار کند. به دیگر سخن، خداوند چنین حق و ولایتی را به چنین حکومتی نداده است که با وضع قوانین محدودکننده، با مجازات و ترس، مردم را به انجام تکالیف دینی وادارد و اگر کسانی تکالیف دینی را انجام ندادند، به استناد قوانین معینی، آنها را تنبیه و مجازات کند. برای نمونه، اگر کسی نماز نمی‌خواند، آنها را به خواندن نماز وادار سازد، اگر روزه نمی‌گیرند؛ تکلیف کند روزه بگیرند؛ اگر ازدواج نمی‌کنند، اجبار به ازدواج کند یا اگر لباس، مسکن و غذایی می‌خواهند، از آن منع کند یا به خوردن نوعی غذا و پوشاک و مسکن الزام کند. اینها بدان دلیل است که ولایت آنها اطلاق ندارد و شامل هر نوع اختیاری نمی‌شود.

جواب: این نقد در مرحله اول مبتنی بر عدم پذیرش ولایت فقیه و در مرحله دوم با پذیرش ولایت فقیه مبتنی بر محدود کردن اختیارات ولی فقیه است. بحث در مرحله اول خارج از موضوع این نوشتار است و امروزه ولایت فقیه به عنوان یک اصل مورد پذیرش همه فقهای شیعه است. اما در مرحله دوم چگونه میتوان برای کسی ولایتی در حفظ نظم در جامعه قائل شد و در عین حال او را از اقدام عملی در این مورد منع کرد؟ اگر شما می‌گویید حکومت دینی باید زمینه هدایت و رشد معنوی افراد جامعه را فراهم کند و از طرف دیگر بی‌بند وباری و رواج فحشاء و شهوات با رشد معنوی منافات دارد پس به سخن خود شما باید حکومت اسلامی زمینه‌های گسترش شهوات را در جامعه کنترل کند و کنترل حجاب و الزام بر

رعایت آن و پیگرد و مجازات متخلفین قطعا در این مقوله قرار میگیرد.

۳-۲-۴-۳- نقد دلیل سوم

دلیل سوم موافقان الزام استفاده از عقل و سیره عقلا و نظامات عرفی بود. مخالفان الزام بر حجاب بر این دلیل موافقان از چند جهت نقد وارد ساخته‌اند:

۱. عقل و عرف و همچنین سیره عقلا در این مورد نسخه واحدی ندارد، چه حدی از بی حجابی ناهنجاری اجتماعی شمرده میشود؟ آیا نمایان شدن مقداری از مو، برهنه بودن قسمتی از سر، نمایان شدن قسمتی از بدن و پاها یکسان است یا متفاوت؟ رعایت نکردن حجاب حتی شامل مقداری از مو و نمایان شدن دست و پا هم می‌شود، مگر اینکه بی حجابی را به جایی مقید کنید که به تحریک جنسی یا اختلاف خانوادگی و فساد اخلاقی بیانجامد، این در صورتی است که اگر تابع دلیل شرعی باشید، رعایت نکردن حجاب حتی در جایی که به طور معمول موجب تحریک نشود و اختلاف خانوادگی را ایجاد نکند، باز فعل حرام است در حالی که سیره عقلا ناظر به این مقدار نیست. دلیل آن نیز این است که رعایت نکردن حجاب، حداقل آن در کشورهای دیگر و حتی کشورهای مسلمان، اختلاف خانوادگی را ایجاد نمی‌کند. جواب: در این نقد شما مغالطه‌های نهفته است، نتیجه بی حجابی امری نسبی است و در افراد و مکانها و شرایط مختلف یکسان نیست و اینکه در شرایطی جامعه‌های بی حجابی فساد به دنبال نداشته باشد نمیتواند مجوز آن باشد به عنوان مثال گذشتن از چراغ قرمز خطرناک است اما اینکه در جایی و شرایط خلوت خیابان موجب خطر نشد نمیتواند مجوز این کار باشد. آنچه در دستورات دینی مهم است تسلیم بودن و تابع بودن در برابر دستورات الهی است. آیا ما روزه میگیریم که سالم بمانیم یا روزه میگیریم چون خدا گفته است؟ به عبارت دیگر روزه را «قربه الی الله» میگیریم یا «قربه الی السلامه». در ساختار ولایی عقل تسلیم بودن و اطاعت را سفارش میکند نه تمرد و توجیه تراشی

۲. عقلا در جایی از راه الزام و اجبار طرفداری می‌کنند که همه راهها را پیموده و هیچ نتیجه‌ای به دست نیاورده باشند. برای نمونه، دولت‌ها برای اجرای برنامه‌های خود نیازمند داشتن بودجه و گرفتن مالیات از مردم هستند با این حال، از روش الزام مستقیم استفاده نمی‌کنند و تمام راه‌های مطالبه را بکار می‌گیرند تا بطور غیر مستقیم به مقصد خود برسند. آنگاه اگر تمام راهها به نتیجه نرسید، مراتب الزام را از خفیف‌ترین تا شدیدترین آن می‌پیمایند. بنابراین، در جایی که تخلف موجب نقض قانون و اختلال در جامعه شود و تنها راه جلوگیری از آن مجازات باشد، ممکن است سیره این را اجازه دهد. اگر با این حال، تخلفی موجب نقض انتظام جامعه نشود و اصولا هر تخلفی نقض نیست، چنین سیره‌ای در کار نیست. برای مثال، دروغ گفتن موجب نقض انتظام نیست که هر کس که دروغ گفت، کیفر ببیند. در این میان، اگر دروغ شخص موجب وحشت عمومی شود و خسارت و زیان زیادی به جامعه وارد سازد، سیره عقلا بر کیفر متخلف و دروغگو است.

جواب: برخورد با بی حجابی هم دقیقا به همین شکل باید صورت بگیرد. اما جامعه که یک فرد نیست. هزاران نفر در یک جامعه زندگی میکنند و ممکن است برخی از این افراد به هر دلیل دچار بی حجابی شوند و باید با آنان از آسان به مشکل و از لفظ و تذکر لفظی تا مقابله عملی و مجازات برخورد نمود. ممکن است در شرایطی که شخصی علی رغم تمام تذکرات و هشدارها همچنان بر بی حجابی اصرار میکند که باید با برخورد فیزیکی شود و در همین زمان شخص دیگری نخستین حضور بی حجابی را داشته باشد که صرفا باید تذکر زبانی دریافت کند.

اما این سخن که «اصولا هر تخلفی نقض نیست» سخن غیر منطقی و غیر قابل قبولی است هر تخلفی نقض قوانین اجتماعی بوده و ناهنجاری محسوب میشود که صد البته تمام نقضها و تخلفها و ناهنجاریها در یک سطح نیستند و مقابله با آنها هم یکسان نیست. گاه نقض در حدی است که میتوان با تساهل و تسامح با آن برخورد نمود و از آن اغماض کرد ولی گاهی باید به شدت با آن مقابله شود.

۳. وقتی امری عقلایی باشد و الزام بر آن نیز از راه عقل ثابت شده باشد، باید آن عمل در نظر عقلا نیز چنین پیامدی داشته باشد. در حالی که در این مورد عقلا از آن جهت که عاقل هستند، بی حجابی را موجب اختلال نظام جامعه نمی دانند و در نظر جوامع بسیاری، رعایت نکردن حجاب اختلال ایجاد نکرده است. برای نمونه، در مناطق روستایی و عشایری ایران که زنان بخشی از مو و سر و دست خود را بیرون میگذارند، یا پاهای خود را برای کار در شالیزار بالا می زنند، اینکار موجب اختلاف خانوادگی، فساد اخلاقی و اختلال در نظام جامعه نشده است و عقلا نیز برای پیشگیری آن از راههای الزامی قدم بر نمی دارند.

جواب: هر محیطی شرایط خاص خود را دارد. اینکه در محیطهای روستایی که افراد به دلیل پایبندی به برخی از آداب و رسوم سنتی چون نان و نمک، عرق قومی، و... از خیانت اجتناب میکنند و مشکلی پیش نمی آید دلیل این نیست که این بی حجابی موجب تحریک مردان آنان نیز نشده باشد از سوی دیگر وضعیت و شرایط و آداب و رسوم یک محیط روستایی و عشایری اصلا با محیط شهری قابل مقایسه نیست. در محیطهای شهری معمولا بی حجابی با آرایش و تبرج و عشوهگری همراه میشود و فسادانگیزی بیشتری پیدا میکند.

۴. در میان متشرعه از زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم تا امروز چنین سیره ای وجود نداشته است که برای هر معصیتی، مجازات تعیین کنند و برای هر رفتار اختلال آمیزی، تعزیر در نظر بگیرند. دلیل یاد شده در جایی نقل نشده است که در زمان پیامبر یا ائمه، کسی را بخاطر رعایت نکردن حجاب تعزیر کرده باشند تا رد نکردن آنان، حجت و دلیل بر سیره امضایی باشد. چنین سیره ای به طور خاص درباره حجاب نبوده است. تا نشان داده نشود که عقلا رویه ای عمومی نسبت به کارهای فردی دارند و سیره آنان نیز چنین است، نمی توان اثبات کرد که سیره عقلا چیست. عبارت دیگر، باید ثابت شود که عقلا در یک جا نسبت به مسئله ای حساسیت دارند و برای آن مجازات می کنند. در حال حاضر،

عقلا نسبت به اموری مانند حجاب حساسیتی ندارند و آن را اختلال در نظام نمی‌دانند. در گذشته هم در هیچ حکومتی نیامده است که برای ترک حجاب؛ مجازات تعیین کرده باشند.
جواب:

اول: توجه به حجاب و تقبیح و نکوهش بی‌حجابی به صورت سیره مستمره در میان متشرعه جریان داشته است.

دوم: لازمه مجازات بی‌حجابی وجود حکومت مبسوط الید است. در طول تاریخ موارد متعددی وجود دارد که حدود تعطیل شده‌اند و اجرا نشده‌اند تا چه رسد به تعزیرات، در زمان پیامبر احکام تدریجی نازل می‌شده‌اند و چه بسا به دلیل شرایط خاصی حدود اجرا نشده است حکم شرب خمر طی چندین مرحله ابلاغ شده‌است. امیرالمؤمنین علیه السلام نیز در طول حکومت خود درگیر جنگ و مسایل نظامی بوده‌اند. سوم: در هیچ زمانی گستاخی در مورد بی‌حجابی تا این حد شدید نبوده و در صورت بروز معمولاً با تذکر شفاهی حل می‌شده و عناد و لجاجتی اتفاق نمی‌افتاد که کار به مجازات بکشد.

چهارم: وقتی می‌خواهیم از سیره عقلا در یک موضوعی صحبت کنیم باید عقلایی ملاک باشند که با آن موضوع آشنا و مانوس باشند؛ عقلایی که درد دین ندارند و چطور می‌توانند در مورد یک موضوع دینی اظهار نظر کنند کسی که خودش حساسیتی نسبت به حجاب ندارد بدیهی است که بی‌حجابی را ناهنجاری نخواهد دید شما باید جامعه عقلایی متدین ساکن در کشور اسلامی را مد نظر قرار دهید.
پنجم: اینکه در گذشته هیچ حکومتی برای ترک حجاب مجازات تعیین نکرده است ادعایی است که باید ثابت شود و با فرض ثبوت هم دلیل نمیشود که حکومت اسلامی هم به این موضوع ورود پیدا نکند.

۳-۴-۳- دلایل دیدگاه دوم

طرفدان این دیدگاه گروه‌های مختلفی هستند و هرکدام بر اساس مبانی خود دلایلی ارائه کرده‌اند و چه بسا دلیل یک گروه را گروه دیگر قبول نکنند. به طور کلی و فارغ از دسته بندی‌های سیاسی و اعتقادی که بین مخالفان الزام حکومت بر حجاب وجود به طرح برخی از این دلایل می‌پردازیم.

۳-۴-۳-۱- تعارض الزام بر حجاب با خصوصی بودن حجاب

حکومت برای ایجاد نظم در سطح اجتماع و در بین مردم ایجاد شده است و هیچ حکومتی حق ورود به موضوعات شخصی و فردی افراد جامعه را ندارد. حجاب و پوشش نیز از این مقوله است و یک موضوع کاملاً شخصی محسوب می‌شود بنابراین حکومت حق ورود و دخالت در آن را ندارد تا چه رسد به اینکه بر پوشش خاصی فرمان دهد.

جواب: در جواب این استدلال می‌توان گفت: یقیناً شرع از آن جهت که قوانین وضع شده از سوی آفریننده انسان است حق ورود به تمام حیطه‌ها را دارد هم حیطه‌های فردی و هم حیطه‌های اجتماعی در موضوع مورد بحث هم یقیناً شرع حق ورود دارد از طرف دیگر گرچه حریم خصوصی مباحث خاص به خود را

دارد ولی تلقی عمومی حقوق دانان در کل دنیا این طور نیست که مسئله پوشش افراد به طور مطلق از مسائل حریم خصوصی باشد و به همین دلیل در کشورهای مختلف قوانین مختلفی برای پوشش وضع شده است و وضع چنین قوانینی به این معناست که مسئله حجاب از مسائل حریم خصوصی قلمداد نمی‌شود.

۳-۴-۳- تعارض فلسفه حجاب با الزام به حجاب

فلسفه حجاب با الزام به حجاب تعارض دارد. فلسفه حجاب این است که اخلاق جنسی سامان بگیرد و التذاذ جنسی از سطح جامعه رخت بندد و داخل خانواده شود و این فلسفه‌ای است که نمی‌شود آن را با زور و الزام جا انداخت. اگر بخواهیم با الزام این را درست کنیم نتیجه این می‌شود که عده‌ای حجاب را رعایت می‌کنند ولی پایبند به فلسفه حجاب نیستند و بی‌عفت‌تر از بی‌حجاب‌ها هستند. فلسفه حجاب این است که علاقه به حجاب از درون زنها بجوشد و با الزام نتیجه عکس خواهد داشت. جواب: مطلبی که گفته شد میتواند یکی از فلسفه‌های حجاب باشد ولی آیا این کار صد در صد عملی است؟ آیا ممکن است که ما جامعه‌ای ایجاد کنیم که همه مردم به حدی از عقل و شعور برسند که شهوات را کنار بگذارند و در مقابل شهوات مقاومت تام داشته باشند؟ از طرف دیگر جامعه‌ی مفروض که از درون آن التزام به احکام بجوشد با قانونی بودن الزام به حجاب امکان تحقق بیشتری دارد تا جامعه‌ای که قانون حجاب در آن وجود نداشته باشد. همچنین اگر الزامی به حجاب در جامعه نداشته باشیم حتی اگر عده کمی ملتزم به این حقیقت نباشند، همین عدم التزام یک عده، بقیه را به این سمت خواهد کشاند که آن‌ها هم التزام نداشته باشند. چنین شکلی از آزادی یک جذبه‌ای دارد که همه به آن کشش دارند. اگر سخن شما که می‌گویید که با الزام به حجاب نمی‌شود مصالح را استیفاء کرد درست باشد، آیا با عدم الزام جامعه به حجاب میتواند؟

۳-۴-۳- تعارض ایمان افزائی اسلام با الزامات حکومتی

دولت اسلامی باید ایمان افزاء باشد و نه ظاهرگرا، با الزام بر حجاب افرادی که ایمان و اعتقادی به حجاب ندارند تظاهر به حجاب خواهند کرد. جواب: ماهیت ایمان یک موضوع صرفاً قلبی نیست، روایات متعددی وجود دارد که عمل را جزء ایمان یا اصل ایمان حساب کرده‌اند. شخصی از امام صادق (علیه السلام) پرسید: «أَلَا تُخْبِرُنِي عَنِ الْإِيْمَانِ أَمْ قَوْلٌ هُوَ وَ عَمَلٌ أَمْ قَوْلٌ بِلَا عَمَلٍ فَقَالَ الْإِيْمَانُ عَمَلٌ كُلُّهُ»^۱؛ آیه به من خبر نمیدهی که ایمان قول و عمل است یا عمل بدون قول؟ امام گفت: تمام ایمان عمل است. آن طور که در این روایت آمده است همه و کل

^۱ الکافی (ط - الإسلامیة)، ج ۲، ص: ۳۴.

ایمان عمل شمرده شده است.

حتی اگر ما مسئله حجاب را یک عمل فردی بدانیم، بین تعبدیات و توصلیات فرق است و حجاب از مسائل توصلی است و عمل توصلی نیاز به نیت و ایمان ندارد.

۳-۴-۴- حجاب ضروری دین نیست

تمام مباحثی که در دین مطرح هستند جزء ضروری دین نیستند و حکومت اسلامی نمیتواند الزامی بر چیزی که ضروری دین نیست داشته باشد.

جواب: برای ضروری دین تعریفهای مختلفی ارائه شده است مرحوم بجنوردی مینویسد:
و المراد بثبوتها من الدین أنه لا یحتاج إثبات أنه من الدین إلى نظر و استدلال، بل یعرف کونه من الدین کل أحد، إلا أن یكون جدید الإسلام بحيث لا علم و لا اطلاع له علی أحكام الإسلام و لا علی عقائده، أو عاش فی بلد بعید عن بلاد الإسلام و لا تردّد له إلى بلاد المسلمین، و لا معاشره له معهم.^۱
منظور از ضروری دین چیزی است که جزء دین بودنش نیازی به استدلال و دقت نداشته باشد و جزء دین بودنش را هر مسلمانی میدانند مگر تازه مسلمانی که آگاهی و اطلاع به احکام و عقائد اسلامی نداشته باشد یا در منطقهای باشد که دور از شهرهای اسلامی است و با مسلمانان رفت و آمد و معاشرت هم ندارد.
بنابراین نمیتوان حجاب را ضروری دین ندانست تمام مسلمانان و هرکسی کمی با مسلمین نشست و برخاست داشته باشد میدانند که ثبوت وجوب حجاب در اسلام بدیهی است بنابراین این دلیل از اساس مردود خواهد بود.

۳-۴-۴- بررسی دیدگاه سوم

طرفداران دیدگاه سوم در واقع خواسته‌اند نوعی آشتی بین این دو دیدگاه برقرار کنند و نظر سومی را به عنوان نظر میانه مطرح کنند. این افراد اصل وجوب و لزوم حجاب را پذیرفته‌اند و پیشنهاد داده‌اند که برای نهادینه کردن حجاب در جامعه به جای جرمانگاری و تعیین مجازات از ابزار فرهنگی و تبلیغ استفاده شود، و تنها در صورتی می‌توان حجاب را الزامی دانست که بی‌حجابی عفت عمومی جامعه را جریحه دار کند و حجاب هنجار و بی‌حجابی ناهنجار اجتماعی و نه شرعی به حساب آید.
این دیدگاه از چند جهت جای بحث دارد ما منکر این نیستیم که برای تبلیغ و ترویج حجاب باید از ابزار فرهنگی استفاده نمود اما باید بدانیم که این ابزار همیشه و نسبت به همه افراد جامعه پاسخگو نیست و همیشه افرادی وجود دارند باید با الزام و قانون با آنان برخورد شود. از سوی دیگر شما گفتید که تنها در صورتی که بی‌حجابی عفت عمومی را جریحه دار کند و بی‌حجابی ناهنجاری اجتماعی باشد میتوان الزام بر حجاب داشت؛ آیا در جامعه امروزی ما به زعم شما بی‌حجابی ناهنجار شکنی نیست؟ آیا اکنون و با این تیرج زنان در سطح جامعه عفت عمومی جریحه دار نشده است؟

^۱ القواعد الفقهية (للبجنوردی، السيد حسن)، ج ۵، ص: ۳۶۷.

۳-۴-۱- بررسی حقوقی جرم انگاری رعایت نکردن حجاب شرعی

در برخی از کشورها در مورد پوشش افراد جامعه مقرراتی وضع شده است و حکومت‌ها هم مجری این قوانین هستند در این قوانین گاه برای پوشش افراد خاصی از جامعه طرح و رنگ و ویژگی خاصی مقرر شده است مثلاً برای پوشش دانشجویان مقرراتی وضع نموده‌اند، چرا که امروزه ثابت شده نوع پوشش افراد در نوع رفتار آنان و واکنش آنها موثر است. از این رو در جمهوری اسلامی نیز که پایه‌ی آن برمبانی دینی بنیان نهاده شده و قوانین آن برگرفته از فقه شیعه است تمام تلاش براین بوده که قوانین مطابق شرع وضع شود، درباره پوشش بانوان در سطح جامعه قوانینی وجود دارد.

در ماده‌ی ۶۳۸ قانون مجازات اسلامی آمده است:

«هرکس علناً در انظار و اماکن عمومی و معابر تظاهر به عمل حرامی نماید علاوه بر کیفر عمل، به حبس از ده روز تا دو ماه یا تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم میگردد و در صورتی که مرتکب عملی شود که نفس آن عمل دارای کیفر نمی‌باشد ولی عفت عمومی را جریحه دار نماید فقط به حبس از ده روز تا دو ماه یا تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم خواهد شد.»

تبصره: «زنانی که بدون حجاب شرعی در معابر و انظار عمومی ظاهر شوند به حبس از ده روز تا دو ماه یا از پنجاه هزار تا پانصد هزار ریال جزای نقدی محکوم خواهند شد.»

گرچه در متن این ماده بر بی‌حجابی به عنوان جرم تصریح نشده است و عناوینی چون «تظاهر بر عمل حرام» و «جریحه‌دار کردن عفت عمومی» به کار رفته است که این عناوین مصادیق متعددی در جامعه میتوان داشته باشد، اما در تبصره ذیل این ماده با صراحت بی‌حجابی در انظار و اماکن عمومی به عنوان جرم یاد شده و برای آن مجازات تعیین شده است. این ماده چالشهای گسترده‌ای در میان صاحب نظران و حقوقدانان داشته است.

شاید از آنجا که در جامعه امروزی کلمه «حجاب» و «بی‌حجابی» از واژه‌های پرکاربرد است و همگان با معنی و مفهوم آن آشنا هستند هیچ قانونی کیفیت و چگونگی حجاب تعریف نشده است طبعاً بی‌حجابی و بد حجابی نیز تعریف شفافی نخواهد داشت. در چنین مواردی قانون راه را باز گذاشته و مراجعه به فتاوی مشهور راهگشا خواهد بود بنابراین در تبصره این ماده هرگونه اخلاق و کنار نهادن حجاب شرعی مطابق با فتاوی مشهور فقهاء مصداق بی‌حجابی خواهد بود.

برای فهم بهتر مبانی جرمانگاری بی‌حجابی در این ماده ضروری است که به چند مطلب توجه کنیم:

۳-۴-۲- رابطه حرام بودن و جرم بودن

شکی نیست که حجاب در شریعت اسلامی واجب است و ترک آن حرام اما سخن در این است که آیا ارتکاب هر حرامی جرم نیز محسوب میشود؟ به این معنی که آیا مرتکب هر حرامی در این دنیا نیز مجازات میشود؟ و طبق احکام فقهی آیا حکومت میتواند برای ارتکاب همه‌ی حرام‌ها قانون جزایی

وضع نماید؟

برخی از فقها به این پرسش جواب مثبت داده‌اند صاحب جواهر در این مورد مینویسد: «لا خلاف و لا إشكال نسا و فتوی فی أن كل من فعل محرما أو ترك واجبا و كان من الكبائر فللإمام تعزيره بما لا يبلغ الحد و تقدیره إلى الامام و لكن لا يبلغ به حد الحر»^۱ اختلاف و اشکالی از نظر نص و فتوا در این نیست که هر کس که حرامی را انجام دهد یا واجبی را ترک کند که از کبائر باشد امام میتواند او را به اندازه‌های که به حد نرسد تعزیر کند و اندازه تعزیر به عهده امام است فقط کمتر از حد باشد.

مشابه این جمله در نوشته‌های بسیاری از فقیهان وجود دارد تعبیر «لا خلاف و لا إشكال نسا و فتوی» بسیار مهم است و نشانگر یک اتفاق نظر عمومی و گسترده در بین فقیهان است و همه بر این امر فتوا داده‌اند. از آنجا که حجاب یک واجب است و بی‌حجابی حرام، طبق این عبارت که به منزله یک قانون کلی است، بی‌حجابی جرم تلقی شده و قابل مجازات است.

البته این تذکر لازم است که تعزیر همه جا مساوی با شلاق نیست ممکن است بنا بر تشخیص حاکم به صورت‌های دیگر مانند جریمه نقدی، حبس، یا هر روش دیگری که حاکم برای تادیب صلاح میداند اعمال شود.

گاهی با گناهی برخورد میکنیم که بعد اجتماعی ندارند از این رو چنین مواردی علی‌رغم گناه بودن در برابر قانون جرم تلقی نمیشوند مثلا کینه‌توزی تا زمانی که به اقدام عملی نیانجامد گناه است ولی جرم تلقی نمیشود یا سوء ظن گناه است ولی تا زمانی که به اقدام عملی نرسد جرم محسوب نمیشود. کاملا روشن است که ماهیت بی‌حجابی به گونهای است که با چنین مواردی تفاوت اساسی دارد و در جایی محقق میشود که اقدام عملی عالمانه باشد و همینطور در خارج از منزل که بعد اجتماعی نیز پیدا میکند. از این رو قطعا بی‌حجابی گناهی است که جرم هم محسوب میشود.

۳-۴-۴-۳- چستی تعزیر

مجازات تعیین شده برای بی‌حجابی در ماده ۶۳۸ قانون مجازات اسلامی و تبصره‌ی ذیل آن تعزیر است. تعزیر چگونه مجازاتی است؟ و شامل چه جرمهایی میشود؟

در تعریف تعزیر گفته‌اند مجازات و اهانتی که در قوانین شرعی غالبا برای آن اندازه تعیین نشده است.^۲ ابن زهره گفته است: «تعزیر در برابر هر عمل زشت و اخلال در امر واجبی است که شارع برای آن مجازاتی تعیین نکرده است.»^۳

در آیات و روایات فراوانی توصیه به اقامه حدود شده و آن را واجب شمرده‌اند تعزیر نیز از بسیاری جهات با حد شباهت دارد از این رو فقهاء اقامه تعزیر را نیز مانند حدود واجب شمرده‌اند. آیت صافی گلپایگانی

^۱ جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، ج ۴۱، ص: ۴۴۸.

^۲ مسالک الافهام: ج ۱۴ ص ۳۲۵.

^۳ و اعلم أن التعزیر يجب بفعل القبیح و الاخلال بالواجب الذی لم یرد الشارع بتوظیف حدّ علیه، غنیة النزوع، ص ۴۳۵.

نوشته است: «ظاهر الأدلة أن التعزير واجب كالحد»^۱؛ ظاهر ادله نشانگر وجوب تعزیر است مانند وجوب حد. بنابر مطالب گذشته بی‌حجابی از مواردی است که باید مورد تعزیر واقع شود و ماده مذکور به درستی برای این جرم مجازات تعزیر را مشخص کرده است و از آنجا که بی‌حجابی اشکال و شرایط مختلفی دارد و از سوی افراد مختلفی ممکن است بروز کم و کیف تعزیر به عهده حاکم خواهد بود.

۳-۴-۴-۴- چرایی جرم‌انگاری بی‌حجابی

از آنجا که طبق اعتقادات ما وضع احکام شرعی تابع مصالح و مفاسد است در وضع قوانین نیز قانون گذار مصالح و مفاسدی را در نظر گرفته است. در قوانین مربوط به حجاب چه قوانین عمومی و چه قوانینی که مربوط به ادارات یا سازمانهای خصوصی یا دانشگاه‌ها میشود مصالحی در نظر گرفته شده است. جرم دانستن بی‌حجابی و تعزیر به خاطر آن چه مصلحت اندیشی‌هایی دارد و چه فوایدی برای جامعه به دنبال خواهد داشت.

الف. جلوگیری از اشاعه‌ی فحشا

بی‌شک رواج بی‌حجابی در جامعه موجب اشاعه فحشاست و قرآن این کار را به هر شکل و در قالب هر گناهی که باشد منع کرده است:

إِنَّ الَّذِينَ يُحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ آمَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ^۲

کسانی که دوست دارند زشت کاری در حق مومنان شایع شود، برای آنها در دنیا و آخرت عذابی پردرد خواهد بود.

طبرسی در تفسیر مجمع البیان ذیل آیه ۱۳۵ آل عمران معانی مختلفی را که برای فاحشه گفته شده است را آورده است:

- ۱- فاحشه یعنی زنا، و ستم بنفس یعنی دیگر گناهان (از سدی و جابر).
 - ۲- قاضی عبد الجبار بن احمد همدانی گوید که فاحشه گناهان کبیره است و ظلم بنفس گناهان صغیره.
 - ۳- علی بن عیسی گوید: فاحشه اسم هر گناه ظاهر و پنهانی است الا اینکه معمولاً جز در مورد کبیره اطلاق و استعمال نمیشود.
 - ۴- و گفته‌اند مراد از فاحشه فعل بد است و از ظلم گفتار بد.^۳
- شیخ طوسی نیز در تفسیر فحشا می‌گوید: «هو العظیم القبح فی الفعل و كذلك الفاحشه»^۴؛ فاحشه کار زشت بزرگ است.

^۱ التعزیر، أحكامه و حدوده، ص: ۲۶.

^۲ سوره نور، آیه ۱۹.

^۳ ترجمه مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۴، ص: ۲۵۹.

^۴ التبیان فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص: ۷۳.

سخنان این بزرگان را در یک تعبیر میتوان خلاصه کرد و آن اینکه فحشاء یعنی «گناه کبیره» و این آیه از هرگونه نشر و گسترش فحشاء نهی کرده است. و تعبیر همه فقهاء بی حجابی از مصادیق گناهان کبیره است بنابراین رعایت نکردن حجاب شرعی حرام است و از مصادیق اشاعه ی فحشاء محسوب میشود و اشاعه ی فحشاء مجازات دارد و جرم محسوب میشود.

ب. جریحه‌دار نمودن عفت عمومی

کلمه «عفت» مفهوم بلند و زیبایی دارد که ورود به کنکاشهای لغوی درباره آن از حوصله این نوشتار خارج است و تنها به این معنی عمومی که همگان بدان توجه دارند بسنده میکنیم که عفت یعنی «پاکی» و «پوشش درونی» و وقتی از «عفت عمومی» سخن میگوییم یعنی پاکی و سلامت معنوی جامعه، همان عامل ایجاد امنیت معنوی، همان عاملی که بستر مناسب برای رشد و بالندگی افراد جامعه را فراهم میکند، همان عاملی که باعث رواج پاکیزگی در جامعه میشود، همان عاملی که گناه و زشتی را در جامعه محدود و کم میکند. از این رو هر چیزی که به نوعی خدشه در عفت عمومی ایجاد کند عمل ناپسندی خواهد بود و موجب فساد در جامعه است و از دید همگان ناپسند تلقی خواهد شد و در واقع به نوعی به همه افراد جامعه لطمه خواهد زد. یکی از حکمتهایی که برای حجاب گفته شده همین است و حجاب برای تحکیم و تقویت این پاکی و پوشش درونی افراد جامعه وضع شده است و مقدمه و بستری است برای تقوا و سپس رشد و فلاح و رستگاری آنان و قطعاً بی‌حجابی و ظاهر شدن زنان با آن اوضاع و شرایط محرک در میان افراد جامعه و به تعبیر قرآن «تبرج» آنان موجب خدشه دار شدن و جریحه دار شدن و لطمه به عفت عمومی خواهد شد و هیچ مؤمن پاک نفسی این را نمیپسند مگر افرادی که «فی قلوبهم مرض» هستند.

ج. شمول الزام بر حجاب بر محیط‌های نیمه شخصی

در مباحث قبلی پس از بررسی نظرات و دیدگاه‌های مختلف دیدیم حکومت اسلامی میتواند الزام بر حجاب داشته باشد اما موضوعی که در سالهای اخیر بسیار پر چالش بوده این است که این الزام شامل داخل خودروها و محیط‌های نیمه شخصی هم میتواند باشد یا خیر؟ تبیین این موضوع در گرو آن است که چنین محیط‌هایی آیا مصداق حریم خصوصی هستند؟ که ورود به آنها در حالت عادی ممنوع است و تنها در شرایط خاصی و با مجوز قضایی میتوان ورود پیدا کرد یا از مصادیق محیط‌های عمومی محسوب میشوند. پس بهتر است مروری کوتاه بر مفهوم حریم خصوصی داشته باشیم:

۳-۴-۵- مفهوم حریم خصوصی

گرچه در نظامهای حقوقی باستان و در کشورهای مختلف رگه‌هایی از توجه به حریم خصوصی دیده میشود اما این اصطلاح را میتوان از دستاوردهای حقوق معاصر دانست که کم در مباحث حقوقی و دیدگاه‌های حقوق دانان مورد توجه قرار میگیرد و به مرور در قوانین اساس گنجانده میشود. امروزه تقریباً

در قوانین اساس همه کشور رعایت حریم خصوصی افراد و احترام به آن و عدم ورود بدون اجازه به آن مورد پذیرش و توصیه قرار گرفته است.

امروزه حق حریم خصوصی و احترام بدان به عنوان یکی از ملموس ترین و عینی ترین حقوق، برای هر فردی شناخته شده است. هر انسانی برای خودش محدوده خاصی از مکان، اشیاء و حتی افکار و آراء را به عنوان حریم خصوصی خویش تلقی میکند و انتظار دارد که دیگران سلطنت او را بر این محدوده محترم بشمارند و از ورود و دخالت و سرک کشیدن در این محدوده بدون رضایت او اجتناب کنند. عدم دخالت در زندگی خصوصی افراد و حفظ آزادی‌های مشروع انسان‌ها در قلمرو حریم خصوصی آن‌ها، از مهم ترین نکاتی است که اندیشمندان مختلف بدان توجه کرده‌اند. رعایت و احترام به زندگی خصوصی به عنوان یکی از آزادی‌های بنیادین نظام جزایی اسلام محسوب میشود که با حفظ کرامت انسانی نیز ارتباط تنگاتنگی دارد به این صورت که توجه و حمایت از کرامت انسانی نیازمند حمایت و احترام به حریم خصوصی است.

گرچه امروزه تعبیر «حریم خصوصی» فراوان در گفتگوها و نوشته‌های مردم و اندیشمندان حوزه‌های مختلف مورد استفاده قرار می‌گیرد ولی تعریف دقیق و کاملی از ارائه نشده است. ارائه تعریف مشخص و مورد قبول همه اندیشمندان از «حریم خصوصی» بسیار دشوارتر و پیچیده است و به شدت به فرهنگ و زمینه محیطی افراد و جوامع مختلف بستگی دارد. کاملاً روشن است در جایی که تعریف تخصصی سخت باشد باید به مفهوم عرفی این تعبیر توجه شود. شاید بتوان گفت: «حریم خصوصی بخشی از زندگی انسان و قلمرویی از اعمال، رفتارها و مختصات هر شخص است که برای عموم آشکار نبوده و اختصاصی خود اوست و وی نیز تمایل به ورود دیگران و افشای آن ندارد و عرفاً و قانوناً، هرگونه ورود، نظارت، کنترل و کسب اطلاع راجع به آن صرفاً باید با اذن شخص صاحب حق صورت گیرد.»

در منابع اسلامی نظیر کتاب و سنت احکام متعددی درباره جنبه‌های مختلف حریم خصوصی وجود دارد و در قوانین شرعی و نیز قوانین حقوقی حریم خصوصی افراد محترم شمرده شده است و برای آن قوانینی وضع شده است. هرچند اصطلاح «حریم خصوصی» در منابع اسلامی وجود ندارد ولی به صورت غیر مستقیم میتوان احکام آن را از مصادیق مختلف و موضوعات مشابه آن استنباط کرد. مباحثی چون: حق مالکیت، منع تجسس، اصل برائت، منع سوءظن و منع اشاعه فحشا و سب و هجو، قذف، سخن چینی و غیبت، منع نگاه ناروا، و ... از این موارد هستند است.

علامه مجلسی در بحار الانوار درباره حریم گفته است: «و حریم الرجل ما یحمیه و یقاتل عنه»^۱ و در مرآة العقول نیز گفته است: «الحریم ما یختص بالرجل، و لا یحل لغيره التصرف فیہ إلا بإذنه»^۲

^۱ بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۲۹، ص: ۲۸۶.

^۲ مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول، ج ۱۲، ص: ۱۷۸.

در اینکه چه اموری خصوصی هستند و چه اموری غیرخصوصی مرزبندی دقیقی وجود ندارد هرچند معمولاً عُرف در چنین مواردی میتواند راهگشا باشد ولی بهترین ملاک در این مورد خود فرد است، به عبارت دیگر افراد مختلف با توجه به روحیات و اخلاقیات و شرایط و اوضاع و احوال خود رویکردهای متفاوتی در این مورد دارند اما آنچه مسلم است هر فردی بخشی از امور زندگانیاش را تحت عنوان امور خصوصی از دیگر امورش جدا میکند. مهم ترین عاملی که می تواند مرز میان خصوصی و غیرخصوصی را مشخص سازد رضایت فرد است. البته اموری هم وجود دارند که در نظر عامه مردم از امور خصوصی محسوب میشوند و عرفاً محترم شمرده میشوند و نیاز به اعلام از سوی فرد نیست.

حریم خصوصی انسانها اشکال و مصادیق مختلفی دارد؛ منزل شخصی، نوع زندگی خصوصی، اطلاعات شخصی و ارتباطات خصوصی، اطلاعات خانوادگی، تصاویر شخصی، بایگانی‌های خصوصی، افکار و آراء و اندیشه‌های شخصی، و... از مهمترین مصادیق حریم خصوصی هستند.

روایاتی که درباره‌ی احترام به آبرو و حیثیت مؤمن، ممنوعیت تجسس و تفتیش، ممنوعیت ورود به منزل غیر بدون اذن، ممنوعیت استراق سمع، ممنوعیت غیبت و ممنوعیت اشاعه فحشا و هتک ستر وارد شده است که همگی بیانگر حساسیت شدید شارع مقدس بر حفظ حریم خصوصی اشخاص است.

۳-۴-۵-۱- حریم خصوصی در قوانین ایران

ضرورت رعایت حریم خصوصی افراد توسط نظام جمهوری اسلامی ایران با استناد به آیات قرآن از جمله آیات ۲۷ و ۲۸ سوره نور که اشاره به حریم خصوصی مکانی دارد و همچنین تاکید روایات بر ممنوعیت تجسس در امور دیگران روشن است. امام خمینی(ره) در تاریخ ۲۴ آذر سال ۱۳۶۱ فرمانی ۸ ماده‌ای خطاب به قوه قضاییه و تمام ارگان‌های اجرایی در مورد اسلامی شدن قوانین صادر کرد و در این فرمان ورود بدون اذن به منازل و محل کار افراد و شنود تلفن و گوش دادن به نوار و ضبط صوت دیگران به نام کشف جرم و تجسس در اسرار دیگران و افشای آن را ممنوع و جرم دانست. در اصول ۲۲، ۲۳ و ۲۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی نیز توجه به این حق را می‌توان به روشنی مشاهده کرد.

۳-۴-۵-۲- ویژگی‌های حریم خصوصی

با توجه به مطالب قبل درباره مفهوم حریم خصوصی مشخصه‌ها و ویژگی‌هایی میتوان برای آن بیان نمود:

الف) تعلق به فرد خاص

ب) داشتن مرز و محدوده مشخص

ج) عدم دست رسی آزاد دیگران

د) لزوم کسب اجازه ورود برای دیگران

حال با توجه به این ویژگی‌ها مکان‌های نیمه شخصی مثل داخل خودروها یا مشاعات آپارتمانها و مجتمع‌های مسکونی حریم خصوصی هستند یا خیر؟

تحقق دو ویژگی اول و دوم کاملاً محرز است اما در تحقق ویژگی سوم و چهارم تردید وجود دارد آیا همگان به قسمتهای عمومی و مشاعات یک مجتمع مسکونی دست رسی آزادانه دارند؟ آیا برای ورود یک فرد به قسمتهای عمومی مجتمع باید از همه صاحبان مشاعات کسب اجازه نمود؟ درباره فضای داخلی خودروها نیز این بلا تکلیفی وجود دارد از یک سو خودرو وسیله شخصی افراد است و مرز و محدوده مشخصی دارد اما از سوی دیگر علی رغم اینکه کسی نمیتواند بدون اجازه وارد آن شود ولی داخل آن برای همگان قابل مشاهده است و طبق قانون نمیتوان از نگاه افراد به داخل آن جلوگیری کرد یا شیشه ها را دودی نمود یا از پرده استفاده کرد. از این رو درباره حریم خصوصی بودن فضای داخلی خودرو اختلاف نظر جدی وجود دارد.

۳-۴-۶- حریم خصوصی و فضای داخلی خود رو

در مورد اینکه فضای داخلی خودرو مصداق حریم خصوصی هست یا خیر دو دیدگاه اصلی وجود دارد و طرفداران هر دو دیدگاه برای اثبات نظر خود دلایلی ارائه کردهاند:

۳-۴-۶-۱- دیدگاه اول: داخل خودرو و موارد مشابه آن حریم خصوصی هستند

برخی از حقوقدانان خودرو را نیز در زمره اشیاء متعلق به انسان دانسته و فضای داخل آن را حریم خصوصی تلقی میکنند و علی رغم صدور قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر و تبصره ذیل ماده ۵ که صراحت دارد داخل خودرو، مشاعات آپارتمان و... حریم خصوصی نیستند همچنان بر دیدگاه خود اصرار دارند و این ماده قانونی را نسنجیده میدانند و بر آن انتقاداتی وارد میکنند. و مستندات حقوقی قبل از تصویب قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر را منطقی تر میدانند برخی از این مستندات که داخل خودرو را حریم خصوصی میدانند از این قرار است:

۱. رای وحدت رویه ۷۹/۴۸۰-۱۷/۶/۱۳۸۰ که مقرر می دارد: «ضابطان قضایی در جرائم غیر مشهود از جمله تفتیش خودروهای اشخاص هر چند اجرای تحقیقات به طور کلی به آنها ارجاع شده باشد، حق ندارد بدون دستور موردی مقام قضایی به تفتیش بپردازند.»

۲. بند پ ماده ۱ آیین نامه انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات مصوب ۱۳۹۳ هیات وزیران: «حریم خصوصی: قلمرویی از زندگی شخصی فرد که انتظار دارد دیگران بدون رضایت یا اعلام قبلی وی یا به حکم قانون یا مراجع قضایی آن را نقض نکنند؛ از قبیل حریم جسمانی، وارد شدن، نظاره کردن، شنود و دسترسی اطلاعات شخصی فرد از طریق رایانه، تلفن همراه، نامه، منزل مسکونی، خودرو و آن قسمت از

^۱ هیات وزیران در جلسه ۲۱/۸/۱۳۹۳ به پیشنهاد شماره ۱۳۴۴۸۰/۱ مورخ ۱۰/۷/۱۳۹۲ وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی (با همکاری سایر دستگاه‌های ذی‌ربط) و به استناد ماده (۲۳) قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات مصوب ۱۳۸۸، آیین‌نامه اجرایی قانون یادشده را تصویب کرد.

مکان‌های اجاره شده خصوصی نظیر هتل و کشتی، همچنین آنچه که حسب قانون فعالیت حرفه‌ای خصوصی هر شخص حقیقی و حقوقی محسوب می‌شود؛ از قبیل اسناد تجاری و اختراعات و اکتشافات.

۳. اصل ۲۲ قانون اساسی: حیثیت، جان، مال حقوق، مسکن و شغل اشخاص مصون است مگر در مواردی که قانون تجویز کند

۴. ماده ۱۷ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی^۱: ۱. هیچ کس نباید در زندگی خصوصی و خانواده و اقامتگاه یا مکاتبات مورد مداخلات خودسرانه (بدون مجوز) یا خلاف قانون قرار گیرد و همچنین شرافت و حیثیت او نباید مورد تعرض غیرقانونی واقع شود. ۲. هر کس حق دارد در مقابل این گونه مداخلات یا تعرض‌ها از حمایت قانون برخوردار گردد.

۵. بند «ب» ماده ۱۹ اعلامیه اسلامی حقوق بشر^۲: هر انسانی حق دارد که در امور زندگی خصوصی خود (در مسکن و خانواده و مال و ارتباطات) استقلال داشته باشد و جاسوسی یا نظارت بر او و مخدوش کردن حیثیت او جایز نیست و باید از او در مقابل هر گونه دخالت زورگویانه در این شؤون حمایت شود.

۶. قسمت پایانی ماده ۲۴ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۷۸: تفتیش منازل، اماکن و اشیاء و جلب اشخاص در جرائم غیر مشهود باید با اجازه مخصوص مقام قضایی باشد هر چند اجرای تحقیقات بطور کلی از طرف مقام قضایی به ضابط ارجاع شده باشد.

۷. ماده ۵۵ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲: ورود به منازل، اماکن تعطیل و بسته و تفتیش آنها، همچنین بازرسی اشخاص و اشیاء در جرائم غیرمشهود با اجازه موردی مقام قضایی است، هر چند وی اجرای تحقیقات را به‌طور کلی به ضابط ارجاع داده باشد.

۸. ماده ۵۶ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲: ضابطان دادگستری مکلفند طبق مجوز صادره عمل نمایند و از بازرسی اشخاص، اشیاء و مکانهای غیرمرتبط با موضوع خودداری کنند.

برخی از مستندات فوق سخنان عام و کلی هستند که کسی با آن مخالفتی ندارد و در موضوع بحث نمی‌تواند مستند واقع شود مثل اصل ۲۲ قانون اساسی یا ماده ۱۷ میثاق بین‌المللی و در واقع فارغ از مدعای این گروه است و ربطی به بحث ندارد. البته باید توجه داشت که مستندات فوق از نظر حقوقی هیچکدام ارزش اجرایی در برابر تبصره ماده ۵ قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر مصوب ۹۴ ندارد و با آن متضاد هستند و باید گفت از نظر حقوقی قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر بر آیین نامه هیات وزیران و همچنین بر رای وحدت رویه دیوان عدالت اداری یا قوانین منسوخ تفوق

^۱ یکی از عهدنامه‌های سازمان ملل متحد بر پایه اعلامیه جهانی حقوق بشر است. این میثاق در ۱۶ دسامبر ۱۹۶۶ ایجاد شد و در ۲۳ مارس ۱۹۷۶ برابر ۳ فروردین ۱۳۵۵ لازم‌الاجرا شد. دولت ایران در تاریخ ۱۵ فروردین ۱۳۴۷ این میثاق را امضا و در ۱۷ اردیبهشت ۱۳۵۴ از تصویب گذرانده است و خود را به آن متعهد ساخته است.

^۲ اعلامیه اسلامی حقوق بشر یا اعلامیه حقوق بشر اسلامی یا اعلامیه قاهره درباره حقوق بشر در اسلام اعلامیه‌ایست که توسط سازمان کنفرانس اسلامی در ۱۴ مرداد ۱۳۶۹ (۵ اوت ۱۹۹۰) در شهر قاهره تصویب شد. این اعلامیه، خلاصه‌ای از نگاه اسلامی به حقوق بشر فراهم می‌کند. این اعلامیه معمولاً به عنوان واکنش اسلامی به اعلامیه جهانی حقوق بشر پس از جنگ جهانی دوم در سال ۱۹۴۸، تلقی می‌شود.

^۳ این ماده در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ حذف و برخی از محتوای آن در قالب ماده ۵۵ و ۵۶ گنجانده شده است.

دارد و به لحاظ زمانی نیز موخر بر آنهاست بنابراین هم از جهت جایگاه و هم از جهت صدور زمانی بر رای وحدت رویه و آیین نامه مصوب هیات وزیران حاکم است. کسانی که داخل خودرو را از مصادیق حریم خصوصی دانسته‌اند برای تاکید و تایید نظر خود استفتائاتی هم از برخی مراجع اخذ کرده‌اند:

آیت‌الله شبیری زنجانی در این رابطه می‌گوید: خودروی شخصی نیز احکام ملک را دارد، بنابراین هرگونه تصرف و تفتیش آن بدون اجازه مالک، فی حد نفسه جایز نیست. البته اگر مصلحت اهمی مانند جلوگیری از حمل و نقل اسلحه متوقف بر تفتیش باشد، تفتیش آن طبق نظر حاکم شرع بلامانع است. آیت‌الله مکارم شیرازی در این باره می‌گوید: «داخل خودرو جزو حریم شخصی است و دیگری حق ندارد به آن تجاوز کند، ولی جهات شرعی مانند حجاب و امثال آن باید در داخل اتومبیل رعایت شود. آیت‌الله نوری همدانی: «در فرض سوال، بلی خصوصی است و باید بر اساس مقررات حکومت اسلامی عمل شود.

مرحوم آیت‌الله موسوی اردبیلی: حریم خصوصی از کلمات قرآنی و روایی و فقهی نیست و چنانچه برای این عنوان احکامی در قانون قرار داده شده، سعه و ضیق معنای مذکور، از قانونگذار سوال شود.

۳-۴-۶-۲ دیدگاه دوم: داخل خودرو و موارد مشابه آن حریم خصوصی نیستند

برخی دیگر از حقوقدانان علی‌رغم اینکه خودرو را در زمره اشیاء متعلق به انسان میدانند اما آن را حریم خصوصی نمی‌دانند. به عبارت دیگر میان ملکیت خصوصی و حریم خصوصی تساوی قائل نیستند و معتقدند موارد متعددی ممکن است ملک یک شخص باشد ولی حریم خصوصی محسوب نشود. به عنوان مثال مالک یک فروشگاه که طبق قوانین کشور و با اخذ مجوزهای قانونی لازم اقدام به دایر کردن این فروشگاه نموده، هرگز نمیتواند محوطه داخلی فروشگاه را حریم خصوصی بداند البته داخل فروشگاه قسمتهایی را میتواند به عنوان محل استراحت پرسنل یا هر کاربرد حریم خصوصی اعلام کند. قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر^۱ به این منازعات حقوقی پایان داده است: ماده ۵- در اجرای امر به معروف و نهی از منکر نمی‌توان متعرض حیثیت، جان، مال، مسکن، شغل و حریم خصوصی و حقوق اشخاص گردید، مگر در مواردی که قانون تجویز کند. تبصره- اماکنی که بدون تجسس در معرض دید عموم قرار می‌گیرند، مانند قسمتهای مشترک آپارتمان‌ها، هتلها، بیمارستان‌ها و نیز وسایل نقلیه مشمول حریم خصوصی نیست.

^۱ این قانون در تاریخ ۹۴/۱/۲۳ به تصویب مجلس شورای اسلامی و در تاریخ ۹۴/۲/۲ به تایید شورای نگهبان رسیده و در تاریخ ۹۴/۳/۲۰ در روزنامه رسمی منتشر شده است.

با تصویب و اجرای این قانون جرایمی که در داخل خودرو اتفاق میافتد از جمله جرایم مشهود محسوب شده و از شمول ماده ۵۵ قانون آیین دادرسی کیفری^۱ خارج میشوند. این اتفاق میتوان دست مجربان قانون را بازتر کند. و انتظار می رود که باعث کاهش بسیار گسترده چنین جرایمی شود. در عملیاتی کردن این قانون باید به دو نکته توجه داشت: نخست اینکه این قانون ناظر بر قسمت‌های آشکار خودرو است و بخش بسته و نامکشوف خودرو مانند داشبورد و صندوق عقب، واگن یدک را شامل نمیشود و از این قانون مستثنا هستند. و نکته دوم اینکه جرم بودن اتفاق مورد نظر از نظر قانون اثبات شده باشد. از این رو هر فعل یا ترک فعلی که در مقررات حاکم برای آن مجازات تعیین شده باشد، جرم است.

اگر کمی دقت کنیم خواهیم دید بی‌حجابی داخل خودرو یا مکانها دیگر نیمه شخصی هر دو شرط مذکور را دارد؛ هم در قسمت مشهود خودرو اتفاق افتاده است و هم جرم بودن آن طبق ماده ۶۳۸ قانون مجازات اسلامی و تبصره ذیل آن محرز است. بنابراین زنان بیحجاب و بدحجاب داخل خودرو را نیز میتوان تحت تعقیب قرار داد. اما از سوی دیگر رعایت حرمت و کرامت انسان ایجاب میکند که به مقررات کیفری به دیده احتیاط نگریده شود و مصادیق آن با دقت و احتیاط و آبروداری برگزیده شود. تا از جنجال و حاشیه سازی پرهیز شود و آرامش مردم و مراکز تجمع انسانها به هم نریزد. از این رو بهتر است حتی المقدور با آرامش و به ترتیب مراتبی که در اجرای امر به معروف و نهی از منکر در متون فقهی آمده و در قانون پیشبینی شده رفتار شود.

کسانی که داخل خودرو را حریم خصوصی میدانستند به فتاوی مراجع نیز استناد کرده بودند. اگر به استفتائاتی که از مراجع عظام نقل شد دقت شود خواهیم دید که این استفتائات به روشنی نمیتواند در موضوع بحث ما مستند موافقان بی‌حجابی داخل خودرو یا محیط‌های نیمه شخصی شود، آیت الله شبیری از مصلحت سخن گفته است و جلوگیری از بی‌حجابی و کمک به عفت عمومی یقیناً از مصالح عالییه است همچنین معظم له در این مورد نظر حاکم شرع را مطاع دانسته‌اند و نظر حاکم شرع هم بر مقابله با بی‌حجابی در همه مکانهای عمومی و شبه عمومی است. آیت الله مکارم شیرازی با صراحت از رعایت حجاب داخل خودرو سخن گفته است. آیت الله نوری همدانی نیز در این مورد به مقررات حکومت اسلامی ارجاع داده است و مرحوم آیت الله موسوی اردبیلی نیز موضوع را به قانونگذار واگذار کرده است.

۳-۴-۶-۳- نظر مختار

به نظر میرسد که این اختلاف ناشی از عدم شفافیت تطبیق حریم خصوصی در مورد خودرو هست. یک خود رو قسمتهای مختلفی دارد که برخی از آنها در معرض مشاهده دیگران هستند و قسمتهایی هم دارد که پنهان هستند مثل داخل صندوق یا داشبورد. فضای داخلی خود رو که در معرض دید همگان قرار

^۱ قانون آیین دادرسی کیفری ماده ۵۵ - ورود به منازل، اماکن تعطیل و بسته و تفتیش آنها، همچنین بازرسی اشخاص و اشیاء در جرایم غیر مشهود با اجازه موردی مقام قضایی است، هرچند وی اجرای تحقیقات را به طور کلی به ضابط ارجاع داده باشد.

دارد و طبق قانون هرگونه دودی کردن و پرده کشیدن بر آن ممنوع است را نمی‌توان حریم خصوصی به حساب آورد و هرگونه اتفاق در آن به منزله اتفاق در ملاء عام هست و مانند کسی که در بالکن خانه خود که مشرف بر شارع و خیابان و قابل مشاهده برای همگان است کاری انجام دهد. در اینجا نمیتوان گفت که این کار در حریم خصوصی انجام شده است اگر کسی در بالکن خانه‌اش اقدام به شرب خمر کند آیا پلیس میتواند دخالت کند؟ جواب کاملاً مثبت است. قسمت‌های قابل مشاهده خودرو نیز چنین هستند اما صندوق خودرو و داخل داشبورد حریم خصوصی محسوب میشوند هرگونه تفتیش و بازرسی از آنها نیازمند مجوز قضایی خواهد بود.

۳-۴-۷- جرم مشهود

در مباحث حقوقی و کیفری جرم بر اساس مبانی مختلف تقسیمات مختلفی پیدا میکند یکی از این تقسیمات تقسیم جرم بر مشهود و غیر مشهود است. جرایم بر اساس عنصر مادی و به اعتبار لحظه مشاهده، جرایم به مشهود و غیرمشهود تقسیم می‌گردند.

گرچه حقوقدانان در سعی کرده‌اند تعریف‌هایی از جرم مشهود ارایه کنند ولی از آنجا که تعریف کلمه «جرم» مشخص است و همچنین مفهوم کلمه «مشهود» نیز برای همگان روشن است نیازی به تعریف‌های پیچیده و تخصصی نیست و در یک عبارت بسیار ساده میتوان گفت مراد از «جرم مشهود» جرمی است که در برابر دیدگان مردم و به صورت قابل مشاهده اتفاق افتاده باشد. به عبارت دیگر وقتی عمل مجرمانه در امکان عمومی رخ دهد به صورتی که وقوع جرم توسط نیروهای انتظامی یا مردم دیده شود، «جرم مشهود» است. البته ماده ۴۵ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۴ نیز برای جرم مشهود ویژگی‌هایی بر می‌شمرد:

جرم در موارد زیر مشهود است:

الف- در مرئی و منظر ضابطان دادگستری واقع شود یا مأموران یادشده بلافاصله در محل وقوع جرم حضور یابند و یا آثار جرم را بلافاصله پس از وقوع مشاهده کنند.

ب- بزه دیده یا دو نفر یا بیشتر که ناظر وقوع جرم بوده‌اند، حین وقوع جرم یا بلافاصله پس از آن، شخص معینی را به عنوان مرتکب معرفی کنند.

پ- بلافاصله پس از وقوع جرم، علائم و آثار واضح یا اسباب و ادله جرم در تصرف متهم یافت شود و یا تعلق اسباب و ادله یادشده به متهم محرز گردد.

ت- متهم بلافاصله پس از وقوع جرم، قصد فرار داشته یا در حال فرار باشد یا بلافاصله پس از وقوع جرم دستگیر شود.

ث- جرم در منزل یا محل سکونای افراد، اتفاق افتاده یا در حال وقوع باشد و شخص ساکن، در همان حال یا بلافاصله پس از وقوع جرم، ورود مأموران را به منزل یا محل سکونای خود درخواست کند.

تبصره ۱- چنانچه جرائم موضوع بندهای (الف)، (ب)، (پ) و (ت) ماده (۳۰۲) این قانون به صورت مشهود واقع شود، در صورت عدم حضور ضابطان دادگستری، تمام شهروندان میتوانند اقدامات لازم را برای جلوگیری از فرار مرتکب جرم و حفظ صحنه جرم به عمل آورند.

مشخصه «الف» و «ب» و حتی مشخصه «ث» درباره بی حجابی داخل خودرو و مکانهای نیمه شخصی وجود دارد بنابراین بی حجابی در چنین حالتی از مصادیق جرم مشهود محسوب میشود و تبعاتی که قانون برای چنین جرمی در نظر گرفته درباره آن قابل پیاده شدن است.

۳-۴-۷-۱- اقدامات قضایی در جرم مشهود

از آنجا که جرم مشهود اهمیت خاصی دارد و مجرم در این جرم با جسارت و تجری خود علاوه بر ارتکاب جرم با این هنجارشکنی بر شأن و شعور بینندگان اعم ضابطین قضایی یا مردم توهین کرده است پیگیری این جرم از نظر قانون تفاوتی با جرایم غیر مشهود دارد.

ماده ۴۴ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۴: درباره جرایم مشهود، تمام اقدامات لازم را به منظور حفظ آلات، ادوات، آثار، علائم و ادله وقوع جرم و جلوگیری از فرار یا مخفی شدن متهم و یا تبانی، به عمل می آورند، تحقیقات لازم را انجام می دهند و بلافاصله نتایج و مدارک به دست آمده را به اطلاع دادستان می رسانند. همچنین چنانچه شاهد یا مطلع در صحنه وقوع جرم حضور داشته باشد؛ اسم، نشانی، شماره تلفن و سایر مشخصات ایشان را اخذ و در پرونده درج می کنند.

با توجه به موارد قانونی موجود در مورد جرم مشهود میتوان فهرست وار چند ویژگی را درباره این نوع از جرم بیان نمود:

۱. در حالت جرم مشهود، ضابطان دادگستری در امر تعقیب و تحقیق جرم مستقیماً شرکت و مباشرت دارند و این تکلیف تا مداخله مقام قضایی صالح نیز ادامه خواهد یافت در نتیجه ضابطین دارای اختیارات ویژه در خصوص برخورد با این دسته از جرایم خواهند داشت.

۲. رسیدگی به جرم مشهود خالی از تشریفات و فوق العاده است و به صورت فوری از طریق ضابطان دادگستری صورت می گیرد.

۳. در جرم مشهود، مرتکب جسارت بیشتری برای ارتکاب جرم دارد و به دنبال آن هم دلایل محکمتر و قوی تری نسبت به او وجود خواهد داشت.

۴. در جرایم مشهود اختیارات ضابطین در کشف جرم، جلب و تفتیش متهمان، تعقیب و تحقیق و حفظ آثار آن و جلوگیری از فرار متهم در بیشتر از جرایم غیر مشهود می باشد.

۵. در صورت عدم حضور ضابطان دادگستری، تمام شهروندان میتوانند اقدامات لازم را برای جلوگیری از فرار مرتکب جرم و حفظ صحنه جرم به عمل آورند.

همانطور که دیدیم مهمترین ویژگی جرم مشهود این است که به محض مشاهده باید ضابطان قضایی ورود پیدا کنند و مورد رسیدگی قرار دهند از آنجا که جرم مشهود بیانگر تجری و جسارت مرتکب است و

برای جلوگیری از استمرار آن ضروری است که ضابطین به فوریت اقدامات لازم را انجام دهند و هرگونه اهمال و کوتاهی در این مورد با فوریت برخورد ناسازگاری دارد. از سوی دیگر با توجه به تبصره ذیل ماده ۴۵ همین قانون در خصوص جرم مشهود نکته جالبی وجود دارد و آن اینکه اگر ماموران نیروی انتظامی در بعضی از موارد مشخص، در صحنه جرم مشهود حاضر نشوند یا دیر برسند، همه شهروندان می‌توانند نقش ضابط را بازی کنند یعنی براساس قانون همه شهروندان حاضر در صحنه جرم، مامور نیروی انتظامی می‌شوند و چون مامور شده‌اند، می‌توانند مرتکب جرم را بگیرند یا از فرار او جلوگیری کنند. از دیگر کارهایی که مردم می‌توانند انجام دهند حفظ صحنه جرم تا رسیدن ماموران نیروی انتظامی است.

۳-۴-۷-۲- بی‌حجابی داخل خودرو و مکان‌های نیمه‌شخصی و جرم مشهود

قبلاً درباره جرم بودن بی‌حجابی سخن گفتیم و دیدیم که بی‌شک این عمل علاوه بر موازین شرعی طبق قوانین موجود جرم است از طرفی چون در برابر دیدگان مردم انجام می‌گیرد ویژگی‌های جرم مشهود کاملاً بر آن منطبق است. بنابراین باید با آن از نظر حقوقی مثل یک جرم مشهود برخورد نمود:

۱. در مورد بی‌حجابی در داخل خودرو و مکان‌های نیمه‌شخصی ضابطان سریعاً باید وارد عمل شوند.
۲. باید سریع و خارج از تشریفات معمول رسیدگی شود.
۳. ضابطان برای ورود به این موضوع نیاز به اخذ مجوز جدیدی ندارند.
۴. ضابطان میتوانند وارد خودرو یا مکان وقوع جرم شوند.
۵. ضابطان میتوانند اقدام به بازداشت فرد مجرم کنند. و هرگونه فرار یا مقاومت یا درگیری و فاحشی نسبت به ضابطان موجب تشدید مجازات خواهد شد.
۶. ضابطان میتوانند به منظور جلوگیری از فرار متهم و نیز گسترش و انتشار جرم اقدام به توقیف خودرو یا قرنطینه کردن محل کنند.
۷. در صورت عدم حضور ضابطان دادگستری، تمام شهروندان میتوانند اقدامات لازم را برای جلوگیری از فرار مرتکب جرم و حفظ صحنه جرم به عمل آورند. این نکته میتواند به عنوان مجوز قانونی مردم برای برخورد با بی‌حجابی باشد.

نتیجه گیری

بعد از مطالعات و بررسیهایی که در این پژوهش منعکس بود میتوان به نتایج زیر رسید:

الف. الزام بر حجاب

همیشه و در هر جامعه ای افرادی یافت میشوند که به هر دلیل مسیر خود را از راه مستقیم و ایمن جدا میکنند و به هر دلیل نمیخواهند که هنجارهای اجتماعی و قانونی را محترم بشمارند قانون گزار در هر موردی باید اقدامات لازم برای کنترل این افراد اندیشیده باشد. حجاب نیز از این رویه مستثنا نیست گرچه در جامعه ما بانوان عقیف و با حجاب که به قداست و اهمیت حجاب واقف هستند و با رغبت کامل حجاب را رعایت میکنند، فراوان هستند، اما افرادی هم یافت میشوند که نسبت به رعایت حجاب سستی نشان میدهند از آنجا که ممکن است این رعایت نکردن نوعی دهن کجی به حجاب و بانوان محجبه و نیز هنجارها و احکام اسلامی تلقی شود حکومت اسلامی باید تمهیدات لازم را در این مورد بیاندیشد الزام بر حجاب از این مقوله است.

۱. قانونی بودن الزام بر حجاب

از آنجا که یکی از وظایف حکومت اسلامی امر به تمامی معروفها و نهی از تمامی منکرهاست با توجه به مطالب و مستندات فقهی و قانونی ارائه شده در این پژوهش حکومت اسلامی میتواند به عنوان امر به معروف و نهی از منکر و با رعایت مقررات و شرایط لازم این کار اقدام به الزام بر حجاب در مکانهای عمومی بکند. بنابراین الزام بر حجاب هم منطبق بر موازین شرعی است و هم در راستای قوانین حقوقی قرار دارد.

۲. جرم انگاری بی حجابی

با توجه مواد قانونی موجود و مطرح شده در این پژوهش بی حجابی در مکانهای عمومی تمام ویژگیهای یک جرم را دارد و به تصریح قوانین موجود بی حجاب مجرم محسوب شده است. اما نحوه برخورد با این جرم و مجرمان به دلیل حساسیتهای خاصی که وجود دارد کمی با سایر جرمها و مجرمین متفاوت است، و در برخورد با آن باید در آغاز به صورت تذکر شفاهی و در صورت عدم پذیرش تذکر اقدامات بعدی را اعمال نمود.

۳. جرم مشهود بودن بی حجابی

در قانون تمهیدات خاصی برای جرم مشهود در نظر گرفته شده است، بی حجابی در ملاء عام و مکانهای عمومی از آنجا که در برابر چشمان عموم افراد جامعه واقع میشود تمام مشخصات جرم مشهود را دارد و باید مثل یک جرم مشهود فوراً با آن برخورد نمود.

یکی از نکات مهم در جرم مشهود آن است که در صورت عدم حضور ضابطان قضایی یا کوتاهی و ناتوانی آنان مردم میتوانند دخالت کنند، در بی حجابی نیز چنین است. بنابراین برخورد با بی حجابی را نمیتوان در انحصار پلیس دانست. یا نسبت به افراد که معترض بی حجابها میشوند خرده گرفت و اسباب رنجش

آنان را فراهم کرد. به عبارت دیگر اعتراضات مردمی علیه بی حجابان در محیط‌های عمومی یک برخورد کاملاً قانونی محسوب می‌شود.

۴. بی حجابی در مکانهای نیمه خصوصی

مکانهای نیمه خصوصی مثل داخل خودروها و مشاعات ساختمانها و... گرچه از یک نظر محیط‌های خصوصی محسوب میشوند اما از آنجا که در منظر و مرئی دیگران قرار دارند عمومی شمرده میشوند و در احکام حجاب کاملاً مثل مکانهای عمومی شمرده میشوند و به تصریح قانون حجاب باید در آن مکانها نیز رعایت شود و بی حجابی در آن مکانهای نیمه خصوصی مانند بی حجابی در مکانهای عمومی است. و قابل پیگیری و پیگرد است.

پیشنهادها

درباره بالا بردن کیفیت حجاب در جامعه و فراگیری و گسترش آن پیشنهادهای را میتوان در دو محور کلی ارائه کرد:

الف. اصلاح فرهنگ حجاب

گرچه در این نوشتار ما به دنبال بررسی الزام بر حجاب در مکانهای عمومی و نیمه خصوصی بودیم اما در هر کاری کنار اقدامات الزامی و بازدارنده و حتی قبل از آن باید اقدامات فرهنگی و تبلیغی انجام شود از این رو در مورد تقویت و گسترش فرهنگ حجاب و مبارزه با بی حجابی و ریشه‌کنی آن چند کار قبل از اقدامات الزامی باید انجام شود:

۱. تقویت ایمان و اعتقاد

در تمام افراد جامعه اعم از زن و مرد باید باور و عقیده استوار و ایمان عمیق ایجاد شود زنی که دل به خدا داده و همه فکر و اندیشه اش خداست و میداند که چه عاقبتی در دنیا و زندگی دنیوی دارد چطور حاضر می‌شود که خود آرایی و خودنمایی کند و با تبرج و جلوه‌گری خود را در معرض دیده‌های آلوده قرار دهد و زمینه‌های لذت جویی و شهوت رانی دیدگان هوسران را بوجود آورد؟

این جمله حضرت علی که فرمودند: «المرئیه بایمانیه؛ شخصیت زن در گرو باورهای اوست»^۱ و «المومن بعمله؛ و ایمان انسان در عمل او جلوه گر است»^۲ نشان دهندهی آنست که باورهای درست و ایمان‌های راسخ عالیترین نقش را در چگونگی زندگانی انسان دارند.

یک زن مؤمن و پارسا و عفیفه به حجاب به عنوان یک تکلیف الهی نگاه و عبادت نگاه میکند و با رعایت آن رضایت خداوند را تأمین میکند. نه تنها خود در سطح جامعه محجبه ظاهر میشود بلکه تلاش میکند تا زنان دیگر را نیز به رعایت حجاب تشویق میکند و در صورت برخورد با بی حجابی سکوت نمیکند و به

^۱ آمدی، غرر الحکم و درر الکلم، ج ۱، ص ۶۲.

^۲ همان، ص ۱.

مرور سطح جامعه زنان بی سوی حجاب حرکت خواهد کرد.

۲. احیاء فرهنگ اصیل اسلامی

احیاء ارزشهای اصیل اسلامی و دعوت زن مسلمان به تفکر و تعمق و دریافت این ارزشها و ایجاد روح عبادت و تعهد نسبت به اینها نقش مهمی را در احیاء فرهنگ اصیل اسلامی دارند. زن مسلمان باید آنچه را که اسلام بعنوان ارزش به آنها نگاه می‌کند باور و اعتقاد داشته باشد و بداند که شخصیت و عظمت او در گرو روح بلند، اندیشه والا، قلب پاک و جان پیراسته از آلودگی و جسم مستور از نگاه نارواست که او را به روشی انسانی و خوی اسلامی دعوت می‌کند و بداند که آرایشها و زیباییها و جدابیت و جلوه‌گری گرچه نقشی از بُعد زنانه روح اوست اما هرگز نشانه‌ی شخصیت او نیست. و از این جمال و زیبایی باید به شیوه صحیح استفاده نمود.

حضرت مسیح علیه السلام می‌فرمایند: به حق برای شما می‌گویم تن چه سودی دهد در صورتی که ظاهرش درست باشد و دورنش تباه بدنهای شما چه سودتان دهد که خویشتان دارد و دلهایتان تباه باشد و سودی نبرید که پوست خود را پاک نگهدارید و دلهای شما چرکین باشد.^۱

۳. شناساندن الگوهای والا

می‌دانیم الگویی را که در زندگی برای خود انتخاب می‌کنیم در ساختار روحی و رفتاری انسان نقش مهمی دارد در حال حاضر یکی از چیزهایی که جدا باعث تاسف است این است که زن مسلمان به طور باید و شاید با چهره‌های بلند تاریخ اسلام آشنا نیست و زندگانی حضرت زهرا و فرزند برومندش پیام آور عاشورا حضرت زینب و دیگر چهره‌های والای تاریخ گذشته و معاصر و زنان پاک دامن و اثر گذار باید برای زن مومن نشان داده شود تا متوجه شود که چگونه با حفظ هویت و شخصیت و وقار و متانت خود می‌تواند در جامعه حضور پیدا کند.

اگر عشق و محبت صدیقه طاهره حضرت زهرا علیها السلام و علی علیه السلام و خاندان پاک او دل بانوی مسلمان جای بگیرد و این بزرگواران به عنوان راهنما و هدایتگر وا الگو و سرمشق او قرار داده شود و بانوی ایرانی راهی را رفت که اهل بیت علیهم السلام رفته اند رویین تن می‌شود و حضورش در جامعه مفید و معنی دار میشود و مورد رضایت خداوند قرار می‌گیرد که خداوند فرموده است: «قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحِبُّكُمْ اللَّهُ»^۲ «ای پیامبر بگو، اگر خداوند را دوست می‌دارید از من پیروی کنید.» بنابراین آموزش حب به زنان یعنی آموزش الگوگیری و انتخاب سر مشق و اثر پذیری.

علاوه بر الگو گرفتن از زنان خاندان اهل بیت علیهم السلام میتوان به زنان دیگری هم که با حفظ متانت و وقار زنانه و رعایت حجاب و محدوده شرعی ارتباط با نامحرمان به موفقیت‌های مهمی رسیده‌اند به عنوان الگو توجه کرد و چنین بانوانی در تاریخ اسلام و تاریخ این سرزمین و حتی در عصر کنونی و جامعه فعلی ما کم نیستند.

^۱ تحف العقول، ص ۵۴۸.

^۲ سوره آل عمران، آیه ۳۱.

ب. پیشنهادهای اجرایی

۱. روح تعبد و تسلیم بودن در برابر فرامین الهی به اشکال مختلف برای آحاد افراد جامعه تبیین شود.
۲. حجاب به عنوان یک دستور الهی معرفی شود.
۳. مفهوم و احکام حجاب دقیقاً اطلاع رسانی شود.
۴. فلسفه حجاب لا بیانها و ادبیات مختلف برای بانوان تفهیم شود.
۵. به بانوان تفهیم شود که حجاب به خاطر با ارزش بودن آنان است نه محدود کردن آنان.
۶. تشویقات لازم برای بانوان محجبه در محیط کار و مراکز آموزشی و در سطح جامعه در نظر گرفته شود.
۷. زنان محجبهی موفق در زمینه‌های مختلف به مردم معرفی شوند تا سوء تفاهم مانع بودن حجاب برای رشد زنان از بین برود.
۸. قوانین مختلف درباره حجاب و جرم بودن بی‌حجابی و مجازات آن از طریق مجاری مختلف اطلاع رسانی شود.
۹. مفهوم جرم مشهود، مکانهای نیمه شخصی، تبیین شود.
۱۰. جرم بودن بی‌حجابی در مکانهای نیمه شخصی بروشنی تبیین شود.

فهرست منابع و مآخذ

۱. القرآن الکریم
۲. آلوسی، سید محمود (قرن: سیزدهم) روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، تحقیق: علی عبدالباری عطیه، اول، بیروت - لبنان، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵ ق.
۳. ابن فارس، ابو الحسین، احمد (۳۹۵ هـ ق) معجم مقاییس اللغه، محقق/ مصحح: عبد السلام محمد هارون، اول، افست انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، قم- ایران، ۱۴۰۴ هـ ق.
۴. ابن کثیر دمشقی اسماعیل بن عمرو، تفسیر القرآن العظیم، تحقیق: محمد حسین شمس الدین، اول، بیروت-لبنان، دار الکتب العلمیه، منشورات محمدعلی بیضون، ۱۴۱۹ ق.
۵. اصفهانی، حسین بن محمد راغب (حدود ۵۰۲ هـ ق) مفردات الفاظ قرآن، محقق/ مصحح: صفوان عدنان داودی، اول، لبنان- سوریه، دار العلم- الدار الشامیه، ۱۴۱۲ هـ ق.
۶. بجنوردی، حسن (۱۳۹۵ ق) القواعد الفقهیه نام کتاب: القواعد الفقهیه، اول، قم-ایران، نشر الهادی، ۱۳۷۷ ش.
۷. بحرانی، آل عصفور، یوسف بن احمد بن ابراهیم (۱۱۸۶ هـ ق)، الحدائق الناضره فی احکام العتره الطاهره، محقق/ مصحح: محمد تقی ایروانی- سید عبد الرزاق مقرر، اول قم- ایران، ناشر: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۰۵ هـ ق.
۸. تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد، (۵۵۰ ق) غرر الحکم و درر الکلم، محقق/ مصحح: رجائی، سید مهدی، اول، قم-ایران، ناشر: دار الکتب الإسلامی، سال چاپ: ۱۴۱۰ ق.
۹. جوهری، اسماعیل بن حماد، (۳۹۳ هـ ق) الصحاح- تاج اللغه و صحاح العربیه، محقق/ مصحح: احمد عبد الغفور عطار، اول بیروت، دار العلم للملایین، ۱۴۱۰ هـ ق.
۱۰. حرانی، ابن شعبه حسن بن علی (قرن ۴) تحف العقول، محقق/ مصحح: غفاری، علی اکبر، دوم، قم-ایران، جامعه مدرسین، ۱۴۰۴ / ۱۳۶۳ ق.
۱۱. حسینی شاه عبدالعظیمی، حسین بن احمد، تفسیر اثنی عشری، اول، تهران- ایران، انتشارات میقات، ۱۳۶۳ ش.
۱۲. حلبی، ابن زهره، حمزه بن علی حسینی (۵۸۵ هـ ق) غنیة النزوع إلى علمی الأصول و الفروع، اول، قم- ایران، مؤسسه امام صادق علیه السلام، ۱۴۱۷ هـ ق.
۱۳. حلّی، علامه، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی (۷۲۶ هـ ق) تذکره الفقهاء، محقق/ مصحح: گروه پژوهش مؤسسه آل البيت علیهم السلام، اول، قم- ایران، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، ۱۴۱۴ هـ ق.
۱۴. حلّی، محقق، نجم الدین، جعفر بن حسن (۶۷۶ هـ ق) شرائع الإسلام فی مسائل الحلال والحرام، محقق/ مصحح: عبدالحسین محمدعلی بقال، دوم، قم- ایران، ناشر: مؤسسه اسماعیلیان، ۱۴۰۸ هـ ق.

۱۵. حمیری، عبد الله بن جعفر، (نیمه دوم قرن ۳ ق) قرب الإسناد، محقق / مصحح: مؤسسه آل البيت عليهم السلام، اول، قم-ایران، مؤسسه آل البيت عليهم السلام، ۱۴۱۳ ق.
۱۶. خسروی، حسن، حقوق اساسی (رشته مدیریت) تهران: انتشارات خرسندی، چاپ دوم، ۱۳۹۴.
۱۷. رازی، فخرالدین ابوعبدالله محمد بن عمر، مفاتیح الغیب (التفسیر الکبیر) سوم، بیروت-لبنان، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ ق.
۱۸. زبیدی واسطی حنفی، محمد مرتضی بن محمد (۱۲۰۵ ه ق)، تاج العروس من جواهر القاموس، محقق / مصحح: علی شیری، اول، بیروت-لبنان، دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع، ۱۴۱۴ ه ق.
۱۹. زحیلی و هبه بن مصطفی، التفسیر المنیر فی العقیده و الشریعة و المنهج، دوم، بیروت دمشق، دار الفکر المعاصر، ۱۴۱۸ ق.
۲۰. زمخشری محمود، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، سوم، بیروت-لبنان، دار الکتاب العربی، ۱۴۰۷ ق.
۲۱. سور آبادی نیشابوری، ابوبکر عتیق بن محمد (قرن پنجم) تفسیر سور آبادی، تحقیق: علی اکبر سعیدی سیرجانی، اول، تهران-ایران، ناشر: فرهنگ نشر نو، ۱۳۸۰ ش.
۲۲. سیوطی، جلال الدین، الدر المنثور فی تفسیر المأثور، اول، قم-ایران، کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ ق.
۲۳. شریف مرتضی، علی بن حسین موسوی (۴۳۶ ه ق) الحدود و الحقائق چاپ شده در ضمن رسائل الشریف المرتضی، محقق / مصحح: سیدمهدی رجائی، اول، قم-ایران، دارالقرآن الکریم، ۱۴۰۵ ه ق.
۲۴. صاحب بن عباد، کافی الکفاه، اسماعیل بن عباد، (۳۸۵ ه ق) المحيط فی اللغة، محقق / مصحح: محمد حسن آل یاسین، اول، بیروت-لبنان، عالم الکتاب، ۱۴۱۴ ه ق.
۲۵. صافی گلپایگانی، لطف الله، التعزیر، أحكامه و حدوده، قم ایران، بی تا.
۲۶. صدوق، ابی جعفر محمد بن علی بن باویه قمی (۳۸۱ ق) من لایحضره الفقیه، محقق / مصحح: غفاری، علی اکبر، اول، قم-ایران، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۳ ق.
۲۷. طباطبایی یزدی، سید محمد کاظم (۱۳۳۷ ه ق) العروة الوثقی، دوم، بیروت-لبنان، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۹ ه ق.
۲۸. طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، پنجم، قم-ایران، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۷ ق.
۲۹. طبرسی، ابوعلی فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، سوم، تهران-ایران، انتشارات ناصر خسرو، ۱۳۷۲ ش.
۳۰. طوسی ابوجعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت-لبنان، دار احیاء التراث العربی، بی تا.

۳۱. طوسی، ابو جعفر، محمد بن حسن (۴۶۰ هـ ق) المبسوط فی فقه الإمامیة، محقق / مصحح: سید محمد تقی کشفی، سوم، تهران- ایران، المكتبة المرتضویة لإحياء الآثار الجعفریة، ۱۳۸۷ هـ ق.
۳۲. عاملی، جمال الدین، حسن بن زین الدین (۱۰۱۱ ق) معالم الدین و ملاذ المجتهدین، نهم، قم- ایران، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۳۶۵ ش.
۳۳. عاملی، شهید ثانی، زین الدین بن علی (۹۶۶ هـ ق) مسالك الأفهام إلى تنقیح شرائع الإسلام، محقق / مصحح: گروه پژوهش مؤسسه معارف اسلامی، اول، قم- ایران، مؤسسه المعارف الإسلامیة، ۱۴۱۳ هـ ق.
۳۴. عاملی، محمد بن حسن، (۱۱۰۴ ق) وسائل الشیعه، محقق / مصحح: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، اول قم ایران، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، سال چاپ: ۱۴۰۹ ق.
۳۵. عروسی حویزی عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، تحقیق: سید هاشم رسولی محلاتی، چهارم قم- ایران، انتشارات اسماعیلیان، ۱۴۱۵ ق.
۳۶. فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۷۵ هـ ق) العین، محقق / مصحح: دکتر مهدی مخزومی و دکتر ابراهیم سامرائی، دوم، قم- ایران، نشر هجرت، ۱۴۱۰ هـ ق.
۳۷. فیض کاشانی، محمد محسن بن شاه مرتضی (۱۰۹۱ ق) الأصفی فی تفسیر القرآن، تحقیق: محمد حسین درایتی و محمدرضا نعمتی، اول، قم- ایران مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۴۱۸ ق.
۳۸. ----- تفسیر الصافی، تحقیق: حسین اعلمی، دوم، تهران- ایران، انتشارات الصدر، ۱۴۱۵ ق.
۳۹. ----- الوافی، اول، اصفهان- ایران، کتابخانه امام امیر المؤمنین علی علیه السلام، ۱۴۰۶ ق.
۴۰. قرطبی، محمد بن احمد، الجامع لاحکام القرآن، اول، تهران- ایران، انتشارات ناصر خسرو، ۱۳۶۴ ش.
۴۱. قریشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، ششم، تهران- ایران، ناشر: دار الکتب الإسلامیة، ۱۳۷۱ ش.
۴۲. الكلینی، محمد بن یعقوب، (۳۲۹ ق) الکافی، محقق / مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد تهران- ایران، دار الکتب الإسلامیة، ۱۴۰۷ ق.
۴۳. گرجی، ابوالقاسم، تاریخ فقه و فقهاء، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم اسلامی دانشگاهها (سمت)، ۱۳۷۷ ش.
۴۴. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی (۱۱۱۰ ق) بحار الانوار، مکرر، بیروت لبنان ۱۴۰۳ ق.
۴۵. ----- مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول، محقق / مصحح: رسولی محلاتی، هاشم، تهران- ایران، دار الکتب الإسلامیة، ۱۴۰۴ ق.
۴۶. محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه، ج ۲، مترجم، شیخی، حمیدرضا، .

۴۷. مدرسی طباطبایی، سیدحسین، مقدمه‌ای بر فقه شیعه (کلیات و کتاب‌شناسی) مترجم: محمد آصف فکرت، اول، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی، ۱۳۶۸.
۴۸. مرکز اطلاعات و مدارک اسلامی، فرهنگ نامه اصول فقه، اول، قم-ایران، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۹ ش.
۴۹. مطهری، مرتضی مسأله حجاب، قم انتشارات صدرا، چاپ دوم، ۱۳۶۹.
۵۰. مغربی، ابن حیون، نعمان بن محمد (۳۶۳ ق) دعائم الإسلام، محقق / مصحح: فیضی، آصف، دوم، قم-ایران، مؤسسه آل البيت عليهم السلام، سال چاپ: ۱۳۸۵ ق.
۵۱. مغنیه محمد جواد (قرن چهاردهم) تفسیر الکاشف، اول، تهران-ایران، دار الکتب الإسلامیة، ۱۴۲۴ ق.
۵۲. مکارم شیرازی ناصر و دیگران تفسیر نمونه، اول، تهران-ایران، دار الکتب الإسلامیة، ۱۳۷۴ ش. تکمیل
۵۳. نجفی، صاحب الجواهر، محمد حسن جواهر (۱۲۶۶ ه ق) الکلام فی شرح شرائع الإسلام، محقق / مصحح: عباس قوچانی- علی آخوندی، هفتم، بیروت- لبنان، دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۴ ه ق.
۵۴. نوری، حسین بن محمد تقی (۱۳۲۰ ق) مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، محقق / مصحح: مؤسسه آل البيت عليهم السلام، اول، قم- ایران، مؤسسه آل البيت عليهم السلام، ۱۴۰۸ ق.
۵۵. واحدی نیشابوری علی بن احمد، (قرن پنجم) اسباب نزول القرآن، تحقیق: کمال بسیونی زغلول، اول، بیروت- لبنان، دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۱ ق.

Abstract

Hijab means to wear the body of the women against the not intimate has been from essential commands of Islam and besides that has been considered in other religions such as the shrine of Abraham, the Jewish and the Christianity. Also have been considered in ancient Greek and Rome, ancient Iran, Arabia and the past governments of Iran.

Hijab has several issues, regardless of legal issues such as the necessity of hijab, wickedness of without veil, Islamic Hijab Range, and so on. The jurisprudential examination of the government's requirement for hijab is nowadays considered one of the most important issues.

In this essay, first has discussed general concepts regarding the concept of veil and its history. Then has examined the verses of the Qur'an and the traditions about the veil, in the following, we has examined the subject of the government's obligation to wear hijab. In the third chapter we also examine some of the doubts about the veil. But the innovative part of this research is the need for veiling in semi-personal environments such as in-car and residential complexes. Also, since "visible crime" has certain features in law, the problem of veiling from the angle of visible crime has also been addressed, and so is innovation in this study. Finally, conclusions and suggestions are presented.

Keywords: Hijab, Government, The requirement for a veil, semi-personal environments



Islamic Azad University Naragh Branch

A Dissertation Submitted in Partial Fulfillment of the Requirements for

The degree of Master of Arts

Tendency: Law

Title:

**Scrutiny of Legal Jurisprudence Documentation Obligation to
obey for Hijab in Public places and Semi-personal**

Supervisor:

M. Shokouhi (Ph.D.)

By:

Ardeshir Ahmadi Eskandari

Summer 2019